

# رئیس جمهور خامنه‌ای و امید و انتظار مردم

## اتحاد مردم

ارگان اتحاد دمکراتیک مردم ایران

شماره ۹۸ دوره دوم دوشنبه ۲۰ مهر ماه بهای ۳۰ ریال

پیروزی بزرگ حجت الاسلام سید علی خامنه‌ای در انتخابات مقام ریاست جمهوری نماینده‌های سیاسی مردم، امید مردم و نیز انتظارات مردم است.

مردم حجت الاسلام خامنه‌ای را مردمبارز مسلمان راستین در خط امام، در تمام ابعاد آن، شناخته‌اند که استوار در سنگر حق طلبی مستضعفان و در سنگر مبارزات شتی ناپذیر با امپریالیسم بسرکردگی آمریکا، دشمن آشتی-ناپذیر انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، ایستاده است. او را دولت‌مردی شناخته‌اند، به دور از تنگ نظریها، مستعد سنجش واقعیتها، بر-خوردار از قدرت تحمل وسع صدر و نرمش، پذیرای انتقادات سازنده و نیز قاطع و شجاع و

فداکار. خط سیاسی حجت الاسلام خامنه‌ای در سخنان کوتاهی که وی قبل از انتخابات ریاست جمهوری در زمینه مبارزات انتخاباتی و در ارائه برنامه کار خود بیان داشت، تا حدود زیادی متجلی است.

در زمینه سیاست داخلی، حجت الاسلام خامنه‌ای حمایت از مستضعفان، "طاغوت -زدائی کلی از همه شئون زندگی"، "کشف و بکارگیری تمام استعداد های انسانی در همه میدانها از تکنیک تا هنر" و "ایجاد یک محیط امن اجتماعی" را بویژه مورد تاکید قرار داد. وی تصریح کرده که "بایستی امنیت اجتماعی، قضایی بقیه در صفحه ۲

## پافشاری بر باطل تا کی؟

زمانه بیرحم، نقاب‌ها را بی - امان پس می زند. روند جنبش انقلابی جهان در دهه سرنوشت سازی که در اولین سالهای آن هستیم، چنان ژرفش و سرعت دارد که بزرگانه ترین نقشه‌ها به سرعت رو می شود و پتله نیرنگ بازان و جنایتکاران پیاپی بر آب می افتند.

هنوز چند ماهی از انتشار خبر ملاقات رهبران "مجاهدین" افغانستان با سادات و کارتر نمی گذرد، هنوز دیری از افشای کمک مالی و نظامی مستقیم هارتین عامل امپریالیستی به "مجاهدین" افغانی نگذشته، هنوز جوهر فرمان بسته شدن برخی دفا تر افغانی در مشهد، به اتهام ارتباط با آمریکا، خشک نشده، هنوز خبر تأسیس "رادبوی آزاد" - از قبیل رادبوی آزاد اویسی توسط ایتالیا برای "مسلمانان انقلابی" افغانستان داغ است، که توطئه دیگری فاش می شود.

افشاکر این توطئه عامل سرسپرده امپریالیسم در منطقه، پسر غار برزینسکی و بگین و موشه دایان وریگان و دوست گرمایو گلستان محمد رضا پهلوی و پینوشه، یعنی "انور سادات" است. سادات خائن در مصاحبه ای اعلام کرد که از دو سال پیش مقادیر عظیمی سلاح ساخت شوروی را، که از سالها قبل در مصر بوده، به آمریکا فروخته و آمریکا این سلاحها را در اختیار "مجاهدان" افغانی گذاشته است. سادات در همین مصاحبه اعلام کرده که قصد دارد مقدار بیشتری سلاح ساخت شوروی را مستقیماً به "مجاهدین" افغانی بدهد. او با وقاحت کم نظیری این عمل را انجام وظیفه از جانب یک "مسلمان انقلابی" دانست و گفت که این جواب دندان شکنی است به آنکه او را سادات را مسلمان نمی دانند!

در ماهیت خیانتکار و جنایتکار گویند ما این سخنان که شکی نیست آن بقیه در صفحه ۴

## نقش سرنوشت ساز طبقه کارگر ایران در تامین پیروزی جنگ علیه آمریکا و صدام



۳۱ شهریور ماه ۱۳۶۰ یکسال تمام از تجاوز غافلگیرانه نظامی و آغاز جنگ علی آمریکا به وسیله صدام مزدور علیه میهن انقلابی ما گذشت. این جنگ، ضمن این که توانایی انقلاب ضد-امپریالیستی، مردمی و اسلامی ایران به رهبری امام خمینی را به نمایش گذاشت، در عین حال نقش سرنوشت ساز طبقه کارگر ایران را در تامین پیروزی بر متجاوزین آمریکایی-صدامی به ثبوت رسانید. جوانب گوناگون این پیروزی تاریخی طبقه کارگر ایران را از نظر بگذرانیم. بقیه در صفحه ۷

## شورای جهانی صلح فراخوان برگزاری هفته صلح

صنحه ۱۶ سلاح

## بنیادهای سیاست پایه ریزی اقتصاد کشاورزی مستقل، مردمی و خودکفا

سیاست پایه ریزی اقتصاد کشاورزی مستقل مردمی و خودکفا مبتنی بر اصول و بنیادهایی است. این بنیادها از این قرارند: - اجرای قانون اصلاحات ارضی انقلابی به سود دهقانان بی زمین و کم زمین، - تقویت بخش دولتی و تعاونی در کشاورزی،

بهره گیری از دستاوردهای علمی و فنی جهت ارتقاء سطح سودآوری کار دهقانان تبهیدست و گسترش کشاورزی. در ممالکی که در آنها انقلابات ضد - امپریالیستی مردمی رخ می دهد، در ابتدا و حتی تا مدت‌ها مگر انتهای انقلابی، معمولاً تحت تاثیر بقیه در صفحه ۶

## تعطل در تأمین حاکمیت قانون به زیان انقلاب است

تدارک می بینند. آنها از همان دوران و حتی مدتی پیش از آن، بی توجهی به قانون و زیر پا گذاشتن آن را بعنوان پیشدر - آمدی جهت سواستفاده از قانون شکنیها، بمنظور کار شکنی و خرابکاری و ایجاد تشنج و درگیری در همان حال برای بی اعتبار کردن قانون و سپس جمهوری اسلامی ایران، یکی از هدف های توطئه گرانه خود قرار دادند و با تمام نیرو بدان دامن زدند. بنی صدر خائن که خود ریاست قوه مجریه را بر عهده داشت، چند روز پیش از آغاز سال جدید، در ۱۴ اسفند ۵۹ بزرگترین بورش را به قانون سازمان داد، و سپس تمام قوای جمهوری اسلامی ایران، قوه مقننه، مجریه و قضائیه را بی اعتبار خواند و علیه آنها قیام کرد. درست بر اساس درک صحیح همین خطر بود که سال ۶۰، سال حاکمیت قانون لقب گرفت.

نگاهی بسیر دو سال و نیمه انقلاب بزرگ اسلامی ضد استبدادی و ضد - امپریالیستی و مردمی ایران، بیانگر این حکم است که امپریالیسم آمریکا و ابادی داخلی آن، عمده ترین و اصلی ترین بقیه در صفحه ۲

## ایجاد شبکه تعاونی های توزیع ضرورت مبارزه با گرانفروشی

باید از آنها به مثابه تک جوش هایی در دریای پهناور غارت و چپاول سرمایه داری وابسته و اقمار خورده پای آن، نظیر بنکدارها، سلف خرها، بار - فروشان میادین و غیره یاد کرد.

بر بازار کشور همچنان روابط سنتی حاکم است و کالاهای ساخت داخل و خارج، تا بدست مصرف کننده برسد، چندین دست میگذرد و در هر دست، میلی بر بهای آن افزوده میشود، و این از عوامل مهم گرانی توان فرسای کنونی است، که فشار اقتصادی بیش از حد را بر طبقات محروم و زحمتکش تحمیل کرده است.

انقلاب توانست پایگاه های سیاسی و نظامی طاغوت را بر هم ریزد، اما نظام اقتصادی طاغوت، یعنی بقیه در صفحه ۱۰

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به منظور تعدیل ثروت و تعمیم قسط اسلامی، بخش تعاونی را یکی از بخش های مهم اقتصاد کشور قرار داده است.

تعاونی های تولید در جهت جمع آوری سرمایه های کوچک در راه افزایش تولید صنعتی و کشاورزی و تعاونی های توزیع در راستای جلوگیری از تکاثر، حذف واسطه ها و سلف - خرها و توزیع عادلانه میاجتاج عمومی عمل می کنند.

تعاونی های توزیع از عوامل مهم ثابت نگاه داشتن قیمت ها و جلوگیری از تعدی نسبت به مصرف کنندگانند. متأسفانه با گذشت نزدیک به سه سال از پیروزی انقلاب، هنوز نمی توان از شبکه تعاونی ها سخن گفت، بلکه

## متحدان بنی صدر - مانوئیست های آمریکایی

نقش "حزب رنجبران" در جبهه براندازی صفحات ۹ و ۸

تحلیل حزب کمونیست مصر درباره رژیم آمریکائی مصر صفحه ۱۱

دو ابر قدرت صفحه ۳

امپریالیسم جنگ طلب آمریکا مسابقه تسلیحاتی را تشدید می کند صفحه ۱۳

## "اونیتا" ابزار آمریکا و آفریقای جنوبی علیه آنکولا

صفحه ۱۴



# رئیس جمهور

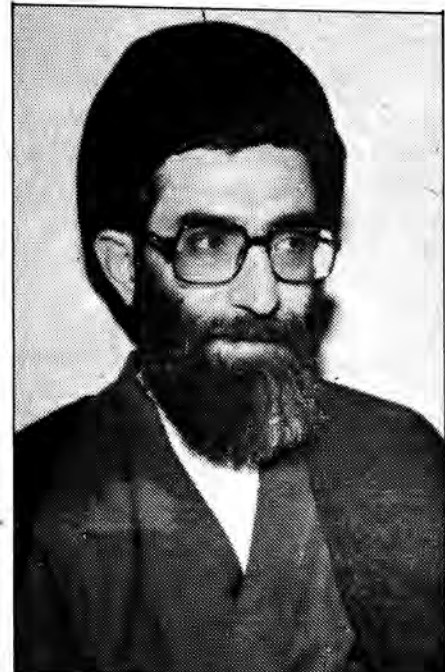
بقیماز صفحه ۱

وامنیت کامل محیط زندگی و محیط کار برای همه فراهم کنیم" ، "همه کسانی که وفادار به جمهوری اسلامی هستند و نظام جمهوری اسلامی را قبول دارند ، با هر اندیشه و تفکر ، بتوانند آزادانه زندگی کنند و کسی به آنها تعرض نکند" .

در زمینه سیاست خارجی و شعار "نه شرقی ، نه غربی" حجت الاسلام خامنه ای " دوری از قدرتهای استمگر ، مبارزه با قدرتهای غاصب ، ، ، ، جانبداری از ملت ها و انگیزه های انقلابی مستضعفان بخصوص در مناطق اسلامی " را از سویی تصریح کرد و از سوی دیگر اظهار داشت : " ما با همه دنیا بی طرف و بی غرض و سالم مایلیم که دوست باشیم و رابطه داشته باشیم و از خیرات و برکات فرآورده منفرجهای بشری و انسانی در طول تاریخ در چهار گوشه جهان بهره ببریم و با تنگ نظری در خیرات را بروی خودمان نمی بندیم " .

مردم انقلابی در سراسر ایران ، تقریباً یکپارچه ، به مجموعه خصائص و بویژه به خط سیاسی حجت الاسلام خامنه ای و در واقع به امید خود ، به آزادی خود را دادند . بعبارة دیگر ، آنها انتظار دارند که رئیس جمهور خامنه ای ، به عنوان دومین شخصیت موثر بعد از امام خمینی ، در راه تحقق امیدها و آرزوهای مردم ، به همان اندازه قاطعانه که مدبرانه ، گامهای عملی بلند به پیش ، بسوی پیروزی قطعی و نهائی انقلاب بردارد .

انتظارات مردم - چنانکه می دانیم و معلوم است - نه زیاد طلبی ، بلکه حق طلبی است . در واقع انتظار مردم ، یعنی توده های میلیونی مستضعفان و زحمتکشان شهر و روستا ، چیزی نیست جز توقع حرکت و عمل در راه آن اهدافی که برای دستیابی به آنها انقلاب کرده اند ؛ احقاق حق زحمتکشان ، که در رژیم استمگر و خونخوار گذشته پامال شده بود ، عدالت اجتماعی ، که



اینک دیگر دشمنان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در جبهه امپریالیسم بسرکردگی آمریکا و متحدان و دست نشاندهانش ، بطور عمده شناخته شده اند . ولی در باره شناخت دوستان انقلاب می توان گفت که ، با وجود شکست خط آمریکایی لیبرالها ، که سعی در معرفی دوستان به عنوان دشمن داشتند ، ماهیون در آغاز راه شناخت دوستان و بهره گیری از آنان بسود انقلاب و بر مبنای استقلال و احترام متقابل هستیم . حاکمیت دیگری تواند و باید هرگونه رادع و مانع مصنوعی را ، که در این راه تعبیه شده و می شود ، از پیش پا بردارد و با سرعتی ، که نیاز انقلاب و تحکیم انقلاب و تقویت جمهوری اسلامی ایران است ، در این راه حرکت کند .

شرکت همگانی مردم در انتخابات ریاست جمهوری ، خود نشان می دهد که ، علی رغم تمام

در رژیم گذشته لگد مال شده بود ، استقلال کشور که در رژیم گذشته نابود گردیده بود ، آزادی که در رژیم گذشته سرکوب شده بود .

بیش از دوسال ، کارشکنی لیبرالها ، مقاومت ضد انقلابی همه تفرقه های آمریکا ، توطئه های بی دربی امپریالیسم بسرکردگی آمریکا و نیز برخی اشتباهات و ندانم کاری های ناشی از کم تجربگی برخی از نیروهای راستین انقلابی ، مانع از آن شد که انقلاب با سرعتی انقلابی در راه تحقق اهداف خود گام بردارد ، ولی اکنون دیگر حاکمیت بطور عمده در دست پیروان "خط امام" قرار گرفته است و در نتیجه مردم انتظار دارند که انقلاب سیکار تراز گذشته بسوی اهداف خود حرکت کند .

حاکمیت امروز می تواند و باید اصلاحات ارضی بنیادی را ، بانکی به نیروی عظیم زحمتکشان روستا ، انجام دهد ، هرگونه رادع و مانعی را در این راه از پیش پا بردارد و به ستمگری قرون در روستا پایان دهد .

حاکمیت امروز دیگری تواند و باید بخش دولتی و بخش تعاونی را در اقتصاد تقویت و گسترده کند ، بازرگانی خارجی را دولتی کند ، گرانی و تورم را مهار کند ، در صدد رفع بیکاری برآید ، در راه رفع دیگر نیازمندی های مبرم مردم ( مسکن ، آموزش همگانی و رایگان ، سواد - آموزی و غیره ) مجدداً متراکم بردارد .

حاکمیت امروز دیگری تواند و باید همه نیروها و سازمانها و افرادی را که وفادار به انقلاب و پشتیبان جمهوری اسلامی ایران اند ، قطع نظر از تفاوت های مسلکی و مذهبی آنها ، به مشارکت فعال برای تقویت و پیشبرد انقلاب در همه زمینه ها فراخواند و از آنها بهره گیری کند . صف دشمنان و دوستان داخلی انقلاب اینک بوضوح مشخص شده است . هرگونه کوششی ، بهر بهانه ، در جهت راندن دوستان انقلاب ، از طرف هر کسی انجام گیرد ، خواسته و ناخواسته ، تضعیف انقلاب و به زبان انقلاب است .

در عرصه مهم سیاست خارجی نیز مسئله عمده گرهی شناخت دوستان و دشمنان است .

دشواریهایی که انقلاب در مدت دوسال و نیم با آن دست به گریبان شده ، روحیه انقلابی و قدرت انقلابی خلق قهرمان ما ، دچار کاستی نشده و همچنان پابرجاست . این پابرجایی روحیه ایثارگرا نه انقلابی و قدرت عظیم انقلابی توده های دهامیلیونی ، که بصورت پشتیبانی فداکارانه از "خط امام" تجلی می کند ، آن اهمی است که بانکی بر آن می توان و باید تمام مشکلات را از سر راه تحقق اهداف ضد امپریالیستی ، استقلال طلبانه ، مردمی ، عدالت خواهانه و آزادیخواهانه انقلاب برداشت و انقلاب را در راه پیروزی قطعی و نهائی رشد و گسترش داد . همین است انتظار مردم . همین است امید مردم ، همین است وظیفه انقلابی که انجام آن در برابر حاکمیت قرار گرفته است .

مانیز مانند همه دیگر انقلابیون راستین امید داریم و توقع داریم که حجت الاسلام خامنه ای ، در مقام ریاست جمهوری ، در راه تحقق انتظارات مردم ، که شمای از آنها را خود آقای خامنه ای بر شمرده اند و مانیز اشاراتی به آنها کردیم ، انتظاراتی که در واقع همان اهداف اصلی و اصیل انقلاب اند ، گامهای بلند و موثری بردارد . ما اعتقاد داریم که با پیشرفت در راه انقلاب ، بارش و تعمیق و گسترش انقلاب ، با یک سیاست قاطع و در عین حال مدبرانه انقلابی ، چه در عرصه کشور و چه در عرصه بین المللی ، با بسیج تمام نیروهای فعال انقلابی در درون کشور و با بهره گیری از جبهه ضد امپریالیستی جهانی بسود و تحکیم استقلال و قدرت جمهوری اسلامی ایران ، همه مشکلات بر طرف می شود ، از جمله شکستن و راندن ارتش متجاوز صدام آمریکا به آنسوی مرزهای عراق تحقق می پذیرد ، ترور - بسم ضد انقلاب و تفرقه های آمریکایی ریشه کن می شود ، هر توطئه درونی و بیرونی دیگری که از سوی آمریکا و متحدانش چیده شود ، خنثی می گردد و سازندگی کشور با موفقیت انجام پذیر می شود . آری ، برای تحقق همه این اهداف والای انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی اسلامی ایران ، مردم در امیدند . مردم در انتظارند .

## تغزل در

بقیماز صفحه ۱

نیروی مخالف استقرار قانون ورهبری کنند مصلی تمامی یورشهای سازمان یافته علیه قانون بود ما ند . بررسی تمامی توطئه های شکست خورده پیشین امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران نیز نشان میدهد که یورش به قانون ، همواره زمینه ساز و مقدمه توطئه براندازی است . در آستانه تجاوز نظامی لشکر صدام کودتای نوزده ، تجاوز نظامی لشکر صدام حسین و بالاخره توطئه باند پنی صدر - رجوی ، جمهوری اسلامی ایران شاهد موج بزرگی از بی قانونی ، هرج و مرج ، یورش به نهاد های قانونی و انقلابی و احزاب و گروه های مدافع انقلاب بوده است . هم اکنون نیز ، در شرایطی که بلافاصله پس از شکست توطئه خطرناک جبهه براندازی به رهبری باند پنی صدر خواهد عید های از تدارک توطئه ای خطرناکتر و فاجعه آمیز تر چشم می خورد یورش به قانون ، زیر پانهادن قانون برای سوء استفاده از جویبی قانونی و برای بی اعتبار کردن قانون ، جای ویژه ای را اشغال کرده است . هنوز ، ۶ ماه پس از آغاز سال ۶۰ ، مسئله استقرار "حاکمیت قانون" مسئله روز است . از جمله اصول قانون اساسی در باره فعالیت احزاب و گروه های که ماده فعالیت در چارچوب قانون هستند و همچنین اطلاعیه ۱۰ ماده ای دادستان کل انقلاب ، که بعنوان قانون تلقی شده است ، تا حدود زیادی روی کاغذ مانده است . و از این واقعیت فقط آمریکا و تفرقه های سود برده اند . اهداف آمریکا و ضد انقلاب داخلی و تفرقه های آمریکا چون امیر انتظام ها ، فخارزاده ها ، کشمیری ها و کلاهی ها برای جلوگیری از استقرار حاکمیت قانون عبارتست از :

### ۱- ایجاد بی ثباتی و جلوگیری از تثبیت جمهوری اسلامی ایران و دستاوردهای انقلاب

تثبیت و تحکیم جمهوری اسلامی ایران ، دستاوردهای انقلاب ، نهاد های انقلابی و قانونی ، مرگ ضد انقلاب داخلی و انهدام آرزوهای پلید غارتگران آمریکایی و متحدان و وابستگان داخلی

آنهاست . اگر محیط تشنج و ناآرامی از میان برود و جو آرامش و امنیت پدید آید ، اگر برخورد آزادانه آراء و افکار تا مین و تضمین شود ، اگر قانون در زمینه تامین ضروریات اساسی اقتصادی ، سیاسی و اجتماعی به اجرا درآید ، و بدینسان انقلاب پایه های خود را در عمق جامعه ، در میان توده های دهامیلیونی زحمتکشان محکم سازد ، و اگر توده های انقلابی مردم ، در نهادها و سازمانهای توده ای و انقلابی ، متشکل شوند ، دیگر به شکست گشاندن انقلاب و مقابله با آن غیر ممکن خواهد شد . به همین دلیل است که عنصر بی ثباتی و ناآرامی ، که از سر انگشتان پلید آمریکا و عمال آن در جامعه انقلابی متراوش می کند ، طی دوسال و نیم گذشته یکدم جمهوری اسلامی ایران را ترک نگفته است . تمامی ایادی خارجی و داخلی آمریکا ، از صدام گرفته تا ساواکی ها و ضد انقلاب سازمان یافته ، از سرمایه داران و فئودالها گرفته تا تفرقه های آمریکا چون کلاهی ها و کشمیری ها ، که تثبیت وضعیت را به زیان منافع غارتگران و مقاصد شیطانی خود می دانند با تمام قوا در تلاش جلوگیری از تثبیت اوضاع و ایجاد آرا مشروا امنیت هستند .

### ۲- ایجاد انحراف در افکار عمومی نسبت به خطر توطئه های آمریکا

در آستانه هر یک از توطئه های پیشین آمریکا ، که بادی از تبلیغات و اقدامات منحرف کننده توسط تمامی ایادی آمریکا و لیبرالها و ما تئویست ها به منظور منحرف کردن ذهن از خطری که فرامی رسد ، جمهوری اسلامی ایران را در نوردیده است ؛ تمامی کلاهی ها و کشمیری ها - ها و فخارزاده ها ، که در دستگاه های تبلیغاتی و یارانگانهی مسئول رخنه کرده اند ، می کوشند با برانداختن کارزار پر سرو صدای و پرهیاهو ، افکار مردم و مسئولان ناگاه را به جانب خطرهای موهوم متوجه سازند . رگبار افترا ها و دشنامها از حجره های مشکوک پابی - تجربه ، بر روی کسانیکه گناهی مرتکب نشده اند ، می بارد ، تا گناهارا صلی ، یعنی شیطان بزرگ - آمریکا ، آزر برضربه خارج شود . آماج این حملات را همواره بخشی از احزاب و گروه های مدافع انقلاب در داخل و دوستان انقلاب در خارج تشکیل می دهد و هدف نیز همواره آن

## موافقتنامه همکاری ایران و رومانی

در پایان سفر یک هیئت بلند پایه جمهوری سوسیالیستی رومانی به جمهوری اسلامی ایران موافقتنامه همکاری میان دو کشور به امضای رسید . بر پایه این موافقتنامه قرار شد ماست که ایران سالانه هفتاد میلیون دلار کالای غیر نفتی و حداقل ۴ میلیون تن نفت به رومانی صادر کند . همچنین موافقت شد که ایران فعلاً روزانه ۴ هزار بشکه نفت برای پالایش به رومانی بفرستد .

به گفته محمد تقی بانکی ، وزیر مشاور و سرپرست سازمان برنامه و بودجه رومانی ها مادامی که خود را برای دوباره سازی برخی از پالایشگاه های ایران اعلام داشتند ، فزون بر این ، توافق های دیگری نیز در زمینه خرید و ساختن تجهیزات بندر و راه آهن ، پروژه های برق و آب ، شیلات و غیره حاصل شد ، که جزئیات آنها در روزنامهها انتشار یافت .

موافقتنامه همکاری میان ایران و

رومانی گامی است مثبت در جهت گسترش مناسبات بازرگانی - فنی با یکی از کشورهای مهمی که نه تنها پیوسته پشتیبانی خویش را از مبارزات ضد امپریالیستی و دمکراتیک مردم و انقلاب ما ابراز داشته اند ، بلکه این همبستگی را در عمل نیز در زمینه های اقتصادی ، فنی و فرهنگی به ثبوت رسانیده اند .

جمهوری سوسیالیستی رومانی در گستره بازسازی و توسعه اقتصادی و دستیابی به استقلال صنعتی دارای تجربیات گرانبیهایی است که میتواند برای جامعه ما در شرایط کنونی بسیار سودمند باشد . علاوه بر این ، رومانی ، که از نظر تولید و تکنولوژی تجهیزات و ماشین آلات نفتی در سطح جهانی مقامی شامخ را حائز است ، میتواند و آماده است ، که در این زمینه نیز همه امکانات خود را در اختیار جمهوری اسلامی ایران بگذارد .

گسترش مناسبات اقتصادی - فنی با رومانی مورد تأیید و مایه خوشنودی ماست و میتواند و باید سرآغاز توسعه

اینگونه پیوندها با همه کشورهای جبهه ضد امپریالیستی جهان ، به ویژه کشورهای سوسیالیستی باشد ، که همواره آمادگی خود را در اینباره اعلام داشته اند . در شرایطی که به گفته آقای محمد تقی بانکی ، " دولت های متجاوز سعی دارند ایران را در موضع انزوا قرار داده و با فشار از طریق عوامل خود در منطقه ، ایران را در یک موضع انفعالی قرار دهند " ، باید هر چه زودتر گام های بزرگتری را در راه بهره برداری از امکانات و کمک های اینگونه کشورها که متضمن منافع متقابل دو جانبه است برداشت . اینست تجربه همه کشورهای ازبند رستهای که پس از رهایی از سیادت سیاسی امپریالیسم و ارتجاع پیروز مندانان در راه دگرگونی های اقتصادی - اجتماعی و تحکیم و تثبیت استقلال اقتصادی خود ، مصون از گزند دسیسه های خرابکارانه و تحریم آمیز امپریالیسم گام برداشته اند

خرابکاری یافته اند و می بایند . بیشک اعمال غیر قانونی از قبیل توقیف و تعطیل برخی از مطبوعات افشاگر توطئه های آمریکا ، که با تمام نیرو از انقلاب مدافعه کرده اند ، دستگیری و محاکمه و مجازات برخی از اعضا و هواداران گروه های قانونی مدافع انقلاب محروم کردن غیر قانونی برخی از نیرو های انقلابی از شرکت در انتخابات و . . . همه موهبه گامهایی در خلاف جهت تأمین خواست امام و انقلاب ، یعنی تأمین حاکمیت قانون است .

باید باز هم تأکید کرد که : دشمن اصلی آمریکا است ، تمامی توطئه های سرسرا آمریکا است ، تفرقه میان نیروهای خلق بسود آمریکا است و تعلل در تأمین حاکمیت قانون ، به زیان انقلاب و بسود آمریکا است .

تلاش امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب داخلی در تمامی توطئه های پیشین معطوف بدان بوده است که زمانی را برای وارد آوردن ضربه نهائی برگزینند و کشمکش میان نیروهای خلق به اوج خود رسیده باشد متاسفانه آنها تا بحال توانستند از خاموش شدن آتش این کشمکش ناروا ، مانعت کنند و هر بار در آستانه توطئه های خطرناک خویش بر آن نفت بپاشند .

باید افزود که تا بحال ، در تأمین هر سه هدف فوق الذکر ، نیروهای قشری و انحصار طلب ، که نمی توانند دگر - اندیشان را تحمل کنند و اجرای قانون و عدالت را در باره آنها نمی پسندند ناگاهانه زیان بزرگی به انقلاب ایران وارد کرده اند و بویژه در میان همین نیرو ها و این زمینه مساعد است که کلاهی ها و فخارزاده ها و کشمیری ها امکان نفوذ و

### ۳- دامن زدن به تفرقه میان نیروهای انقلابی و تضعیف جبهه انقلاب

وقتی دشمن موهوم جای شیطان بزرگ را بگیرد و بخشی از نیروهای مردمی و انقلابی علیه بخش دیگر برخیزند ، طبیعی است که در چنین زمانی نیروی هر چه کمتری در جبهه مقابل و مقاومت در مقابل توطئه های آمریکا و تفرقه های آن قرار می گیرند . زمانیکه بخشی از نیروهای انقلابی ضد انقلاب " را در وجود بخش دیگری از نیروهای هواداران انقلاب جستجو کنند و فعالیت ضد امپریالیستی بخشی از نیروهای مردمی بواسطه تضییقات بخش دیگر محدود شود ، بیشک باید آن را بهترین موقعیت برای توطئه گران دانست .



# دو ابر قدرت

## تئوری سه جهان

در اواسط دهه ۶۰ مائوتسه دون و مائو - ثیستها بر مبنای تبلیغات امپریالیستی "دو ابر قدرت" و به خاطر تفهیم "حسن نیت" خود در همکاری با امپریالیسم و مبنای - ارزه عمده اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی، تئوری "سه جهان" را ساختند. از دیدگاه این "تئوری" جهان به "سه جهان" تقسیم شده است: یکی (جهان اول)، که همان "دو ابر قدرت" آمریکا و شوروی باشند. دیگری "جهان دوم" که کشورهای اروپای غربی هستند به اضافه کانادا، استرالیا و ژاپن "جهان سوم" هم تمام کشورهای رشد نیافته یا "دو ابر قدرت" اندونزی آنها چین به رهبری مائو مائوتسه است.

برای این که به اصطلاح تئوری تقسیم جهان به سه جهان قابل یقین و هضم باشد، لازم بود که شوروی نیز کشوری امپریالیستی شود، تا بتوان خصوصیات و سیاستش را چیزی نظیر خصوصیات و سیاست آمریکا دانست. مائوتسیم این مشکل را با زدن یک برچسب "سوسیال امپریالیسم" به شوروی "حل" کرد. با این برچسب، صاف و ساده نظام اقتصادی - اجتماعی سوسیالیستی در شوروی از بین رفت و نظام سرمایه داری در شوروی "احیا" شد. رهبران شوروی نیز نام جدیدی گرفتند و "تزارهای نوین" شدند. "مشکل" شوروی که بدینسان "حل" شد، "نبوغ" مائو کشورهای "جهان دوم" را نیز از صفت "امپریالیستی" محاف کرد، اینها شدند کشورهای "صنعتی رشد یافته" که در معرض خطر "دو ابر قدرت" اند، نظیر کشورهای "جهان سوم" که آنها نیز در معرض خطر همان "دو ابر قدرت" اند.

پس چین، که منجی "جهان سوم" است، می بایست "جهان سوم" را با "جهان دوم" متحد کند و با "دو ابر قدرت" بجنگد. اما "دو ابر قدرت"، یکی دورتر و یکی نزدیکتر به "جهان سوم" و بویژه به "چین" قرار گرفته اند. آمریکا دورتر و شوروی نزدیکتر است، پس خطر شوروی از آمریکا بیشتر است و بنابراین می توان با آمریکا هم "فعلا" متحد شد و علیه شوروی جنگید. بدینسان شوروی "دشمن اصلی" و دشمن "درجه یک" شد، که "جهان سوم" و "جهان دوم" و نیمی از "جهان اول" (آمریکا) می بایست علیه آن بایکد بگر متحد شوند.

مائوتسیم "مشکل" جنبشها و انقلابهای آزادی بخش را نیز "حل" کرد. چون این جنبشها و انقلابها عموما حاصلت ضدا امپریالیستی، بویژه ضدا امریکائی دارند، لذا مائل سیاست اتحاد "دو جهان" و نیم "علیه شوروی هستند و بنابراین باید آنها را سرکوب کرد. ده سال تمام چوب لای چرخ نبرد آزادی بخش خلق و هیئت نظام و پس از پیروزی این خلق به او حمله و نظامی کرد. به جعفر نمیری برای قتل عام کمونیستهای سوادان تلگراف تبریک فرستاد. در کنار آفریقای جنوبی برای سرکوب آنگولا قرار گرفت. یا بوی سادات را قتل کرد. با پیونش مناسبات همکاری - های صمیمانه برقرار نمود. در کنار آمریکا و پاکستان تیغ ضدا انقلاب را علیه افغانستان تیز کرد. در کنار نیروهای ضربتی آمریکا و فرانسه، جنبش شایا را در زئیر سرکوب نمود. سومالی را برای جنگ انداختن بروی اتیوپی تقویت کرد. ... (این فهرست پلید دراز است).

## نظریه "دو ابر قدرت"

### و تئوری "سه جهان" در ایران

بلافاصله پس از پیروزی انقلاب در ایران، آمریکا و متحدانش و دستگاه عظیم "امپریالیسم خبری" با امکانات وسیعی که در ایران داشت، به شدت بر طبل تبلیغات "دو ابر قدرت" نواخت. انقلاب ایران بوضوح خصالت ضدا امپریالیستی و استقلال طلبانه داشت و آمریکا را دشمن اصلی و "منشا" و عامل تمام مصائبی می دانست که با واسطه "شاه ملعون و بر سر خلق زحمتکش مابه مدت یک ربع قرن فرود آمده بود. شعار "بعد از شاه نویت آمریکا است" بخوبی بازتاب آن "خطی" بود که انقلاب بر روی آن می تواند و می خواهد

لبنان، و با هر خلق و کشور دیگری، بصورتهای مختلف سیاسی، دیپلوماتیک، اقتصادی، فنی، علمی و حتی، چنانچه درخواست شد و امکان بود، تسلیحاتی و نظامی کمک کند، این کمک بدون چشمداشت انجام می گیرد. پس از این که جمهوری دموکراتیک خلق کره تجاوز آمریکا را دفع کرد، اتحاد شوروی تمام کمک هائی را که به صورت اسلحه و مهمات و دارو و خواربار و غیره به خلق رزمنده این کشور داده بود، به این خلق بخشید. بهمین گونه نسبت به ویتنام عمل شد. بهمین گونه نسبت به کوبا رفتار شد. شوروی برخلاف آمریکا، در صد توسعه "منطقه نفوذ" نیست و نمی تواند باشد. "منطقه نفوذ" او جنبشها و انقلاب های ضدا امپریالیستی استقلال طلبانه خلق ها است، که عملا تقویت کننده شوروی هستند، زیرا تضعیف کننده امپریالیسم اند.

آمریکا و شوروی دو ابر قدرتند، ولی آمریکا ابر قدرتی است تجاوزگر و جنگ افروز و شوروی طرفدار صلح جهانی است. آمریکا تجاوزگراست، زیرا با تجاوز نظامی می تواند سلطه خود را بر خلقهای "ناقرمان" مستقر سازد و این سلطه گری به منظور غارتگری، منع حیات امپریالیسم است. شوروی طرفدار صلح است، زیرا در سایه صلح است که می تواند برتری نظام سوسیالیستی فارغ از استثمار رانان و ارائه کند، زیرا در شرایط صلح است که خلق ها بهتر می توانند علیه سلطه امپریالیسم و استقلال و آزادی خویش قیام کنند، زیرا در شرایط صلح است که بحران سرمایه داری شدت می گیرد، شرایط همواره مساعدتری برای فروپاشی نظام ستیگر سرمایه داری امپریالیستی فراهم می شود، نبرد طبقات زحمتکش علیه سرمایه انحصاری شدت می گیرد ناقص مرگ امپریالیسم رساتر نواخته می شود.

## نظریه دو ابر قدرت

نظریه "دو ابر قدرت" را دستگاه تبلیغاتی امپریالیسم، چند سالی پس از پایان جنگ دوم جهانی ساخت، آنگاه که برخلاف انتظار امپریالیسم، اتحاد شوروی، بدینال سرکوب فاشیسم آلمان و یاز سازی سریع کشور، نیرومندتر از قبل از جنگ قدر افراشت و با استقرار پیروز ماندن - نظامی "دموکراسی خلقی" در اروپای شرقی و نیز در چین و کره شمالی، اردوگاه سوسیالیسم بوجود آمد و بدینسان امپریالیسم عرصه سلطه خود را بر جهان بسی محدودتر یافت.

نظریه "دو ابر قدرت"، که در دستگاه تبلیغاتی امپریالیسم جهانی جای "جهان آزاد" و کشور پشت پرده آهنین، را گرفت، همان هدف تبلیغاتی - سیاسی لجن مال کردن شوروی و سوسیالیسم را تعقیب می کرد. در شرایط نوین که سیستم استعمار کهن امپریالیستی فرومی ریخت، آبروی فاشیسم - این نیروی ضربتی امپریالیسم - بکلی بر باد رفته بود، امپراطوری انگلستان، بعنوان سراسر استعمارگر، بی آبرو شده بود و توهمات مربوط به دمکرات منشی و آزاد اندیشی آمریکا در نتیجه حرص سلطه گری دولت و انحصارات آمریکا و در نتیجه رفتار ناهنجار سربازان آمریکا در کشورهای مختلف نزدیک خلق - های جهان متلاشی شده بود، امپریالیسم آمریکا که دیگر نمی توانست خود را در انتظار جهانیان "مصلح خیر اندیش" معرفی کند، در صدد برآمد که با استفاده از تشابه قدرت آمریکا و شوروی، اتحاد شوروی را نیز چیزی نظیر آمریکا و با همان خصوصیات امپریالیستی آمریکا معرفی کند، تا برای خود نوعی شریک جرم بتراشد و بدین وسیله با یک تیر دو نشان بزند: یکی به کمک بی آبروی خود، شوروی را بی آبرو کند و از توسعه نفوذ معنوی آن جلوگیری بعمل آورد، و دیگری که بوسیله ایجاد سوء ظن نسبت به شوروی در بین خلقهای تشنه استقلال و آزادی، شکافی بین جنبشها و انقلابهای رهاشی بخش با شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی بوجود آورد و در نتیجه امکان بیشتری برای سرکوب این جنبشها و انقلابها بدست آورد و یا آنها را به زنجیر پیمانهای نظامی اسارتگره عنوان دفاع مشترک در برابر "خطر کمونیسم" و "خطر شوروی" به بندد و از این راه سلطه استعماری خود را بصورت نویسی بر خلقهای مختلف جهان برقرار کند.

در جهان امروزی ما، دو "ابر قدرت" وجود دارند. این واقعیت است. این دو "ابر قدرت" یکی آمریکا و یکی شوروی هستند. که از لحاظ قدرت سیاسی، اقتصادی، نظامی، علمی و فنی بر دیگر قدرتهای بزرگ جهان برتری دارند. ولی آیا خصوصیات این دو ابر قدرت، نظام اقتصادی - اجتماعی آنها، سیاست آنها، اهداف آنها، بدلیل آنکه هر دو قدرت های برتری هستند، یکی است؟ نه، یکی نیست. قدرت خودی خود - مالاکنیکی یا بدی نیست. قدرت می تواند ستیگر، اسارتگر، غارتگر و ضدا انقلابی باشد. قدرت همچنین می تواند عدالتخواه، مردمی، انقلابی، ضد - ستیگری، اسارتگری و غارتگری باشد.

ما - جمهوری اسلامی ایران - خود در صدد کسب قدرتییم و می خواهیم کشوری شویم از هر نظر قدرتمند، تا این قدرت را در راه برقراری عدالت، بر ضد استعمار و استثمار، در راه کمک به مستضعفان بکار ببریم. آیا، آنگاه که ما به این قدرت برسیم، محض قدرت مانما یا نگر ستیگری ما خواهد بود؟ البته نه! قدرت ما، نه قدرت ستیگری، بلکه قدرتی ضد ستیگری خواهد بود.

آمریکا و شوروی هر دو ابر قدرتند، ولی شباهت آنها فقط در همین قدرتمندی است. منشاء قدرتمندی آنها، عرصه عمل قدرت آنها، شوه بکار بستن قدرت و هدف آنها، نه فقط بایکدیگر متفاوت، بلکه بایکدیگر متقابل و متضاد و متناقض است. اراده آمریکا دستگاهی است مجری اراده انحصارات امپریالیستی، که زایش آنها، رشد آنها، توانگر شدن آنها بر مبنای استثمار بی رحمانه زحمتکش "خودی" و غارت راز نانه و شقاوت مندانانه دیگر خلق ها است. غارتگری، چه بصورت استثمار و چه بصورت استعمار (از نوع قدیم و جدیدان) سرچشمه بقا و قدرتمندی امپریالیسم است. شعاع عرصه تاخت و تاز غارتگرانه را از امپریالیسم بگیرد، او خواهد مرد. بهمین دلیل امپریالیسم حاضر است، بلکه مجبور است تجاوزگر باشد، آتش جنگها را برافروزد، میلیونها انسان را از هست و نیست ساقط کند، میلیونها انسان را بکشد و بسوزاند، تا بتواند سلطه غارتگرانه خود را حفظ کند و گسترش دهد، تا بتواند به حیات شرربار و انگلی خود ادامه دهد. امپریالیسم که قدرت خود را از استثمار و استعمار به دست آورده، این قدرت را به اشکال مختلف سیاسی، دیپلوماتیک، جاسوسی، تبلیغاتی، نظامی، فرهنگی، اقتصادی، علمی، فنی، مالی و بازرگانی و نیز البته جنگهای تجاوزی به کار می برد، تا سلطه جهانی غارتگرانه خود را بر دیگر خلقها و کشورها برقرار کند. این سرشت امپریالیسم است.

دولت شوروی بر عکس دستگاهی است مجری اراده خلق رها از استثمار، زایش آن، رشد آن، توانگر شدن آن بر مبنای کار و زحمت فکری و بدی همان خلق رها از استثمار است. همین رهائی از استثمار، سرچشمه بقا و قدرتمندی دولت و جامعه شوروی است. شما نظام استعماری را به کشور شوروی بازگردانید، او خواهد مرد. بهمین دلیل امپریالیسم جهانی، از همان فردای انقلاب اکتبر کوشید و هنوز هم می کوشد که نظام سوسیالیستی را در شوروی و در هر کشور سوسیالیستی دیگر براندازد. بهمین دلیل هم شوروی مجبور است برای حفظ بقا، خود و دیگر کشورهای سوسیالیستی با امپریالیسم بسرکردگی آمریکا، برزمد، قدرت دفاعی خود را برای دفع تجاوز نظامی امپریالیسم حفظ کند، نگذارد که امپریالیسم برتری نظامی کسب کند، از همه جنبشها و انقلاب های ضدا امپریالیستی استقلال طلب، بعنوان متحدان طبیعی خود در مبارزه علیه امپریالیسم حمایت کند، نیازمندی ها و درخواست های این جنبشها و انقلاب های استقلال طلب را در حد توانائی خود اجابت کند، بکوشد عرصه تاخت و تاز غارتگرانه امپریالیسم تنگ تر و تنگ تر شود، تا امپریالیسم نتوان تر و نتوان تر گردد، اگر گریبی در جریان نبرد استقلال طلبانه خود با امپریالیسم در معرض تجاوز امپریالیسم و عمالش قرار گیرد و درخواست حمایت کند، این درخواست را اجابت کند، اگر ویتنام در معرض تهاجم بربر منشا امپریالیسم قرار می گیرد و درخواست کمک کند، این کمک را به او برساند، بر ضد دشمن مشترک، بنابه درخواست فلسطین، آنگولا، نامیبیا، افغانستان، سوریه،

به پیش برود. جوی وجود داشت که در آن هیچکس جرات نمی کرد علنا خود را طرفدار آمریکا معرفی کند و یا مستقیما به سود آمریکا تبلیغ کند. لازم بود دشمن موهومی برای انقلاب ایران تراشیده شود، تا آمریکا "فعلا" در سایه قرار گیرد. در کاخ سفید راه حل آزموده ای وجود داشت که در دستور العمل کارتر به "سیا" و وزارت خارجه، توسط برزیلنسی ابلاغ شد. طبق آن باید به سوء ظن موجود (موجود از دوران شاه ملعون و ناشی از تبلیغات متنوع و دراز مدت ضد شوروی) با اتحاد شوروی دامن زد، مناسبات ایران و شوروی را به تیرگی کشاند، زیرا پایان دادن به حمایت شوروی از رژیم خمینی باعث تضعیف مواضع او خواهد شد و آن را ضربه پذیر خواهد ساخت. این دستور العمل که بعد ها فاش شد و بنام "خط برزیلنسی" معروف گردید، از همان فردای انقلاب از سوی لیبرالها و مائوتسه های آمریکا و ضدا انقلابیون رنگارنگ دیگر بموقع اجرا گذارده شد. تئور تبلیغات ضد شوروی داغ شد. با چتر دروغ اسلحه شوروی به کردستان فروریخت. به جای شوروی "روسیه" متداول شد، تا چیزی نظیر روسیه تزاری در ذهن ایرانی تداعی شود. در مقالاتی که شوروی را دشمن معرفی می کرد انقلاب اکتبر "حذف" شد و روسیه همان روسیه ای شد که در صدد دستیابی به آبهای گرم خلیج فارس است. فرانس پرس و خلق مسلمانها و ساواکیها با جعل خبر و جعل و پخش "سند"، سناریوی کذائی مکرر - تیریز را ساختند و قطب زاده بر اساس این دروغ یادداشت اعتراض به دولت شوروی تسلیم کرد. شوروی دشمن دین و مذهب بخصوص اسلام معرفی شد و نتیجه گرفته شد که دشمن انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی است. کاشف بعمل آمد که در شوروی چندین ده میلیون نفر مسلمان زیست می کنند و دولت شوروی در صدد شکستن انقلاب ایران است، تا مسلمانان شوروی تحت تاثیر قرار بگیرند. شاه پراکنسی شد که شوروی و آمریکا در صدد تقسیم ایران بین خود هستند، تا بدین وسیله شوروی را، چیزی نظیر آمریکا، متجاوز و استعمارگر معرفی کنند. حتی ماهواره شوروی را به آسمان گیلان آوردند، که چون در معرض تیر ز - ۳ قرار گرفت، فرار کرد. حتی دوسریاز شوروی را با اسب به ترکمن صحرا آوردند، تا اسلحه و نقشه عملیاتی بین ضد - انقلابیون آشوبگر پخش کنند. حتی اسلحه از سوی شوروی به بندر عقبه و از آنجا به عراق روانه ساختند. ... خلاصه بایر برداری از نظریه "دو ابر قدرت"، با تمام قوا کوشیدند که جو ضد شوروی ایجاد کنند و آنگاه که بخيال خود این جو ضد شوروی را ساختند، در صدد برداشت محصول آن برآمدند. در سیاست داخلی، هر عمل انقلابی بسود مستضعفان را "کمونیستی" خواندند و بدین وسیله سعی در تخطئه آن نمودند. آموزش همگانی رایگان "کمونیستی" شد جیره بندی نفت و برخی مواد غذایی "کمونیستی" شد. اصلاحات ارضی "کمونیستی" شد. ملی کردن بازرگانی خارجی "کمونیستی" شد. ... فریاد برآوردند که گجای خواهیم برویم؟ می خواهیم کمونیسم بسازیم؟ در سیاست خارجی نیز - همانطور که امام خمینی در یکی از نقطه های اخیر خود فاش ساختند - استدلال آقایان چنین بود: هیچ کشوری در این جهان مستقل نیست و نمی تواند باشد. تمام کشورها زیر نفوذ و سلطه ابر قدرت ها هستند، یا ابر قدرت "شرق" و یا ابر قدرت "غرب". مانیز به ناچار باید در دامن یکی از این دو ابر قدرت قرار بگیریم، یا آمریکا و یا شوروی، ولی اولی "موحد" است و دومی "ملحد" پس بهتر است با آمریکا شتی کنیم. مهندس بازرگان گفت: اگر بگفته امام "آمریکا شیطان کبیر است"، مارکسیسم (بخوان شوروی) شیطان اکبر است. بعبارت دیگر، دشمن شماره یک، دشمن اصلی شوروی است. چنین بود بهره برداری سیاسی از نظریه "دو ابر قدرت". بنی صدر "نوآوری" کرد. اونیز "روسیه" از دهانش نمی افتاد، منتها برای اینکه "فرقی" بالیبرالهای دولت "گام به گام" داشته باشد، تئوری "سه جهان" را سیر کرد تا در پشت آن بتواند همان "خط برزیلنسی" را دنبال کند. می گفت و می خواست که ایران با دولت های امپریالیستی اروپای غربی مناسبات "حسنه" داشته باشد.



مجلس شورای اسلامی در هفته ای که گذشت:

با اجحافات تراستهای بین المللی، طاغوتیان و مستکبرین مبارزه خواهیم کرد

برای مسلمانان و غیرمسلمانان منطقه خیانت به آرمان مردم و همکاری با اسرائیل بهیچوجه پذیرفته نیست... آنها به انقلاب و تداوم آن است... توطئه بمباران منابع نفتی کویت با نقشه و بدست آمریکا عملی شد.

مجلس شورای اسلامی در هفته گذشته ۳ جلسه علنی داشت. در این جلسات کلیات و موادی از لایحه ایجاد سازمان بازرسی کل کشور مورد تصویب نمایندگان قرار گرفت.

اولین جلسه علنی مجلس شورای اسلامی روز ۱۳ مهر تشکیل شد. ابوترابی نماینده مردم قزوین اولین ناطق قبل از دستور این جلسه طی سخنانی ضمن اشاره به درگیریها و ترورهای که توسط دشمنان انقلاب به منظور "فلق نمودن نظام جمهوری اسلامی" انجام میگیرد، آن را نشانه شکست خورده توصیف کرد.

آنگاه حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی طی سخنانی از جمله به شرکت فوق العاده وسیع مردم در انتخابات اشاره کرد و با تأکید بر اینکه "در سازندگی کشور و تأمین نیازها کم کاستی فراوان وجود دارد و ضد انقلاب هم، با تمام امکانات تبلیغاتی خود هرچه توانست برای (ناراضی کردن) مردم انجام داد، شرکت وسیع مردم را ناشی از اعتقاد آنان به انقلاب و شناخت درست آنها توصیف کرد.

از تمام مسئولان کشور "خواست که به این واقعیت توجه کنند. وی همچنین از تظاهرات دانشجویان ایرانی در نقاط مختلف دنیا در اعتراض به توطئهها و جنایات ضدانقلاب به سرکردگی آمریکا سخن گفت و از این دانشجویان تقدیر کرد.

سپس اجازه تفویض اختیار تصویب اعتبار اجرای اسناد عادی وام های کشاورزان به مدت ۴ سال به کمیسیون مشترک قضائی و کشاورزی پس از بحث نمایندگان و انجام رای گیری به تصویب رسید.

سپس اجازه تفویض اختیار تصویب اعتبار اجرای اسناد عادی وام های کشاورزان به مدت ۴ سال به کمیسیون مشترک قضائی و کشاورزی پس از بحث نمایندگان و انجام رای گیری به تصویب رسید.

نشاندگانش کتابت خود را در دست تودمهای خلق در حال آماده شدن می بینند، نه تنها بعد نیست بلکه عین انتظار است. امیرالیم همین است و بس. اما آنچه مایه شگفتی است، بافتاری نیروهای انقلابی مسلمان ایران برای اصل شدن جریانی است، که سر نخ آن از حلقه در دست سادات است. آنچه مایه حیرت است ملاقات یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی ایران، یعنی همان مجلسی که قوانین خود را با شعار "مرکز بر آمریکا" تصویب می کند، با رهبران "مجاهدین" افغانی در پاکستان است، آن هم درست در همان وقتی که سادات اعترافات یاد شده را عنوان می کند!

آنگاه مایه شگفتی است بافتاری بر انقلابی بودن "مجاهدین" افغانی و در نتیجه خودداری از مذاکره با دولت انقلابی افغانستان است. در حالیکه به نظر ما، اکنون دیرگاهی است که وقت آن رسیده، بر واقعیات بیشتر چشم باز کنیم. واقعیت نیز یکی است، دو تان نیست: "یا سادات، کار تروریگان... مجاهدین" افغانی تحت حمایت آنها انقلابی هستند یا نیستند.

یا سوریه، لیبی، الجزایر، جنبش آزاد بیخوشه لیبی و... که "مجاهدین" افغانی را تأیید نمی کنند و با دولت افغانستان رابطه دوستانه دارند، انقلابی هستند یا نیستند.

یا جبهه جهانی انقلاب، "مجاهدین" افغانی را - بغیر از گروهی محدود فریب خورده عامل امپریالیسم و ارتجاع جهانی، به سرکردگی امریکایی شناسد یا شناسد.

با همه جبهه جهانی ضدانقلاب، از آمریکا، انگلستان، ژاپن، آلمان غربی و... گرفته تا مصر، عربستان سعودی، پاکستان، اردن و... "مجاهدین" افغانی را تأیید می کند و به آنها پول و اسلحه می دهد و یاری می دهد.

توجه به همین واقعیات نشان میدهد که در افغانستان "هم این" و "هم آن" وجود ندارد. همه کشورها یا انقلابی جهان، که دوستان صادق ایران انقلابی هم هستند، دولت افغانستان را تأیید نمی کنند و باند "مجاهدین" افغانی را عامل امپریالیسم و ارتجاع ضدانقلابی می دانند که بعد از هر انقلاب اصیل تشکیل می شود.

جلادان، مرتجعان و امپریالیست ها هم به "مجاهدین" افغانی پول می دهند، اسلحه می دهند برایشان را دیو درست میکنند، همه ظرفیت امپریالیسم خبری را در اختیارش می گذارند و... جای ایران انقلابی روشن است که در کنار جبهه جهانی انقلاب است. باشد که اعتراف اخیر سادات به این امر یاری رساند.

یافشاری بر...

بقیمت صفحه ۱ منابع خبری هم که سخنان سادات را بختی کردند (یعنی ابتدا "بی بی سی"، سپس "راديو آمریکا"، آنگاه "راديو آزاد ایران" - "راديو جلد" اویسی - و بعد هم بقیه رسانه های که در اختیار امپریالیسم خبری هستند) اشکی باقی نگذاشتند. که خبر صد در صد موثق است. اعلام این خبر از طرف سادات، که تا نیکد افشاری دو ساله انقلابیون جهان در باره ماهیت "مجاهدین" افغانی بود، بار دیگر آشکار ساخت که آمریکا در سازمان دادن جنایات بین المللی و مداخله ضد انقلابی در امور داخلی کشورها و همچنین حمایت از گروه های تروریست دست دارد. این خبر، علاوه بر اینکه جنگ اعلام نشده از سوی امپریالیسم جهانی، بسرکردگی آمریکا، علیه انقلاب ملی - دمکراتیک افغانستان را سرانجام رسماً اعلام کرد، یکبار دیگر روشن ساخت که بغیر از گروه های اندکی از افغانی ها که غیر خورده ماند و یا بدنبال نقشه حساب شده "سیا" - حفیظ اللطیفین، بدامن ضدانقلاب افغانستان افتادند، رهبران "مجاهدین" افغانی سردر آخور امپریالیسم دارند و از قماش ویسی ها، پالیزبان ها، بختیارها، بنی صدرها، رجوی ها و بقیه ارواح خبیثه ضد انقلابی خودمان هستند.

افشای این خبر بار دیگر ثابت کرد که "اسلام آمریکایی" سادات دلسوز "مسلمانان" افغانی است. سادات در همان حال که مبارزات مسلمانان انقلابی مصر را در هم می کوبد، علیه مسلمانان انقلابی ایران، فلسطین، سوریه، لیبی و... پایگاه در اختیار امریکایی گذارد و زیر پوشش دفاع از "اسلام" بیشترین کمک ها را به "مجاهدین" افغانی می کند. اینجاست که هدف "اسلام آمریکایی" سادات و همپالکی هایش در همه منطقه یکسان است: سرکوب انقلاب بسود ضدانقلاب جهانی، به سرکردگی آمریکا!

این خبر همچنین فاش کرد که صماخبار "امپریالیسم خبری" در باره اینکه به اصطلاح "مجاهدین" افغانی، بعد از نابودی نیروهای شوروی، از آنها سلاح می گیرند، دروغ محض است.

سرانجام بار دیگر تأیید شد که همه آن سلاح ها که "مجاهدین" افغانی بدست می گرفتند، تا امپریالیسم خبری "عکس آنها را به جهان مخابره کند، از امریکایی آمده اند، البته از طریق انور سادات!

و همه اینها، تماسی این توطئهها و نقشهها، از امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امریکا و بدست "چهار میلیون پوند پادشاه تاجر برای ضد انقلابیون افغانی" به گفته ایندیرا گاندی نخست وزیر هند، مسئله افغانستان را می توان در عرض چند هفته حل کرد. این خبر را جمله "فریک آزی" چاپ پاریس گزارش داد اما است ایندیرا گاندی یاد آور شده، که "واشنگتن" مانع چنین راه حلی است. او به دولت های پاکستان و ایران توصیه کرد، که آخرین پیشنهاد های دولت افغانستان را در باره مذاکره مورد توجه جدی قرار دهند.

چهار میلیون پوند پادشاه تاجر برای ضد انقلابیون افغانی

افغانستان به میزان چهار میلیون پوند افزایش دهد... تا جرد سفر یکروزه خود به پاکستان در یک اصطلاح "اردوگاه پناهندگان" افغانی در نزدیکی مرز افغانستان سخنرانی کرد. در این اردوگاهها کارشناسان آمریکا، بریتانیا، چین و دیگر کشورها ضد انقلابیون افغانستان را آموزش می دهند. در کلمبر ۳۵ هزار سرباز پاکستانی مجهز به تانک و هواپیما مستقرند. نفرت چینی نیز که برای عملیات کوهستانی آموزش دیده اند به این منطقه فرستاده شده اند. به نوشته مطبوعات هندی، پاکستانی ها در این اوایل ۱۷ بار خط مرزی را نقض کرده اند.

لایحه اصلاحات ارضی

زیرکشاوری با اشاره به اجحافات و غارتگری های "تراست" های بین المللی، طاغوتی ها و مستکبرین "در قبال منافع ملت ایران تأکید کرد که در آینده هم بنا به خواست مردم قهرمانان در مقابل این غارتگریها ایستادگی خواهیم کرد و فعالیت های انقلابی هیئت های ۲ نفره را در زمینه های مختلف تقسیم زمین، ایجاد شورا های اسلامی در روستاها و فعالیت های فرهنگی برشمرد و از آنها تقدیر کرد.

لزودی به مجلس می رود

وزیر کشاورزی با اشاره به اجحافات و غارتگری های "تراست" های بین المللی، طاغوتی ها و مستکبرین "در قبال منافع ملت ایران تأکید کرد که در آینده هم بنا به خواست مردم قهرمانان در مقابل این غارتگریها ایستادگی خواهیم کرد و فعالیت های انقلابی هیئت های ۲ نفره را در زمینه های مختلف تقسیم زمین، ایجاد شورا های اسلامی در روستاها و فعالیت های فرهنگی برشمرد و از آنها تقدیر کرد.

تشیخ در مجلس

روز ۱۵ مهر ماه مجلس شورای اسلامی جلسه علنی داشت. در این جلسه مهندس سبزوکار با استفاده از فرصت صباغیان بعنوان ناطق قبل از دستور شروع به صحبت کرد. اما لحظاتی نگذشته بود که اعتراض همگانی نمایندگان مجلس مانع از ادامه سخنرانی وی شد. گروهی از نمایندگان با شعارهای "مرکز بر آمریکا، مرکز بر لیبیرال" ضمن اعتراض به سخنان وی، مجلس را ترک کردند. عده ای از نمایندگان نیز خواستار محاکمه لیبیرالهای دولت موقت شدند. حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی به مهندس سبزوکار اظهار داشت که "مجلس موافق با ادامه سخنان شما نیست". همچنین گروهی از مردم و اصناف پایتخت که از این مسئله و سخنرانی مهندس سبزوکار در مجلس شورای اسلامی اطلاع یافته بودند، بعنوان اعتراض دست به راه پیمایی زدند و به محوطه مقابل مجلس رفتند. آنها شعارهایی علیه لیبیرال های پهلوی "خط برزیسکی" و نیز دشمن شماره یک خلق های ایران و جهان، آمریکا و جاپا و لگرمی دادند و خواستار تصفیه مجلس شورای اسلامی از لیبیرال ها و پیروان سازش با شیطان بزرگ بودند. در جمع تظاهرات کنندگان که طی قطعنامه ای خواست های خود را تقدیم نمایندگان کردند، حجت الاسلام رضوانی نیز سخنانی ایراد کرد.

وزارتخانه است گفت: "لایحه اصلاحات ارضی به هیئت دولت ارائه شده و کارش تقریباً تمام شده است و بزودی انشاء الله برای تصویب به مجلس ارائه خواهد شد تا بعداً به مورد اجرا گذاشته شود."

وزیر کشاورزی همچنین ضمن برشماری اقداماتی که برای عرضه خدمات به عشاير انجام شده است، نارسائی ها و نواقص موجود در وزارت کشاورزی را برشمرد و تأکید کرد برنامه ریزی هایی برای رفع آنها انجام شده و خواهد شد. جلسه علنی بعدی مجلس روز چهارشنبه ۱۵ مهر تشکیل شد. قبل از ورود در دستور حجت الاسلام رفسنجانی طی سخنانی بمباران منابع نفتی کویت را که به ایران نسبت داده شده است، توطئه ای از جانب امریکا دانست که بدست مرتجعین منطقه انجام شده وی هم چنین با اشاره به سلاح هائی که عربستان سعودی از امریکا تحویل می گیرد تأکید کرد که این سلاح ها علیه مردم و علیه نهضت های انقلابی منطقه بکار گرفته می شود. رئیس مجلس شورای اسلامی همچنین با اشاره به ترور سادات خائن در مصر از جمله تأکید کرد که برای مردم منطقه "مسلمان یا غیرمسلمان خیانت به آرمان مردم و همکاری با اسرائیل غاصب بهیچوجه پذیرفته نیست. آنگاه بحث در مورد لایحه "بازرسی کل کشور مطرح شد و پس از تصویب کلیات آن، جزئیات این لایحه در حضور شورای نگهبان مورد بحث قرار گرفت. طی بررسی پیشنهاد های نمایندگان از جمله پیشنهادی مبنی بر گسترش دایره کار سازمان بازرسی کل کشور به نیروهای نظامی و انتظامی به تصویب نمایندگان رسید. در این جلسه ۳ ماده لایحه به تصویب رسید. در جلسه علنی بعدی مجلس شورای اسلامی که روز ۱۶ مهر تشکیل شد، بحث در مورد جزئیات لایحه بازرسی کل کشور ادامه یافت و تعدادی دیگر از مواد این لایحه به تصویب رسید.

وزیر کشاورزی همچنین ضمن برشماری اقداماتی که برای عرضه خدمات به عشاير انجام شده است، نارسائی ها و نواقص موجود در وزارت کشاورزی را برشمرد و تأکید کرد برنامه ریزی هایی برای رفع آنها انجام شده و خواهد شد. جلسه علنی بعدی مجلس روز چهارشنبه ۱۵ مهر تشکیل شد. قبل از ورود در دستور حجت الاسلام رفسنجانی طی سخنانی بمباران منابع نفتی کویت را که به ایران نسبت داده شده است، توطئه ای از جانب امریکا دانست که بدست مرتجعین منطقه انجام شده وی هم چنین با اشاره به سلاح هائی که عربستان سعودی از امریکا تحویل می گیرد تأکید کرد که این سلاح ها علیه مردم و علیه نهضت های انقلابی منطقه بکار گرفته می شود. رئیس مجلس شورای اسلامی همچنین با اشاره به ترور سادات خائن در مصر از جمله تأکید کرد که برای مردم منطقه "مسلمان یا غیرمسلمان خیانت به آرمان مردم و همکاری با اسرائیل غاصب بهیچوجه پذیرفته نیست. آنگاه بحث در مورد لایحه "بازرسی کل کشور مطرح شد و پس از تصویب کلیات آن، جزئیات این لایحه در حضور شورای نگهبان مورد بحث قرار گرفت. طی بررسی پیشنهاد های نمایندگان از جمله پیشنهادی مبنی بر گسترش دایره کار سازمان بازرسی کل کشور به نیروهای نظامی و انتظامی به تصویب نمایندگان رسید. در این جلسه ۳ ماده لایحه به تصویب رسید. در جلسه علنی بعدی مجلس شورای اسلامی که روز ۱۶ مهر تشکیل شد، بحث در مورد جزئیات لایحه بازرسی کل کشور ادامه یافت و تعدادی دیگر از مواد این لایحه به تصویب رسید.



مصر، پس از سادات

سادات به مرگی سزاوار جان داد. میهن - پرستان مصری در روزیکه این سرسپرده بیگانه پرست مراسم بزرگداشت شخصیت حقیر خود را به بهانه پیروزی ارتش مصر در شکستن خط دفاعی اسرائیل در کرانه کانال سوئز در جنگ ۱۹۷۳ برپا کرده بود، جایگاه وی را زیر آتش سلاح های خود گرفتند و جان تیرما و چند نفر دیگر از همراهانش را ستاندند. شهرت سادات بعنوان فاتح نبرد کانال سوئز نیز مانند کرسی ریاست جمهوری غصبی بود. ارتش مصر، ارتشی که سپس بدلیل خیانت سادات به یک ارتش مستعمراتی تابع منافع آمریکایی تبدیل شد، با خون دل جمال عبدالناصر، فرزند برومند خلق مصر و تلاش شبانه روزی کارشناسان نظامی شوروی پرورده و آبدیده شده بود و اگر در همان مسیر پیش میرفت به سادگی میتوانست اشغال گران اسرائیلی رانه تنها از خاک مصر بیرون براند بلکه قادر بود با همکاری سایر خلق های عرب و منطقه و پشتیبانی نیرومند دنیای سوسیالیسم دست جنایتکار امپریالیسم آمریکا را برای همیشه از ثروت ها و منابع طبیعی ملت های ستمدیده خاور نزدیک و میانه و آفریقا قطع کند. اما سادات از مدت ها قبل به دست سرویس های جاسوسی امپریالیستی (ابتداءً آلمان و سپس انگلستان و آمریکا) بدون جنبش انقلابی ناصری فرستاده شده بود تا در لحظه معین ضربت قاطع خویش را بر پیکر انقلاب فرود آورد. امروز دیگر به تحقیق معلوم است که جمال عبدالناصر به مرگ طبیعی نمرده است و مرگ او جزئی جدائی ناپذیر از توطئه بزرگ تری بود که بایستی رهبری جنبش انقلابی مصر را به دست گروه وابسته سادات بسپارد. سادات و دارودستش کام به کام در جاده خیانت به سوی سرمنزل تسلیم پیش رفتند و مصر را به نو مستعمره غرب تبدیل نمودند. اکنون دیگر مصر از جمیع جهات فرق چندانی با ایران شاهنشاهی ندارد. ارتش مصر همچون ارتش شاهنشاهی قادر به هیچ اقدام مستقلی در جهت حفظ منافع مصر و اعراب نیست. شاهرگان در دست مستشاران آمریکائی و اسرائیلی و غیره است. دشمن احتمالی مصر دیگر اسرائیل نیست، لیبی و سوریه و تمام کشورهای و جنبش های انقلابی آسیا و آفریقا است. سادات رفیق حجره و گرما به و گلستان بگین و کارتر و ریگان بود و خصم خونخوار فدائی و اسد و تمام چهره ها و شخصیت های ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی و به ویژه رهبران انقلاب ایران. سیاست خیانتبار سادات و دارودستش در حراج استقلال و آزادی و حیثیت و شرف خلق مصر و همکاری با امپریالیسم بر ضد ملت های ستمدیده و جنبش های انقلابی در منطقه به خصوص پس از انقلاب ایران و سقوط شاه با برجستگی بیشتری نمایان گشت و واکنش میهن پرستان مصری در برابر این سیاست شدت گرفت. طیف وسیعی از اقشار مختلف مبارزه خود را علیه رژیم چاکر منش سادات آغاز نمودند. همکاری بین میهن پرستان صرف نظر از عقاید سیاسی و مذهبی آنان روز بروز وسعت بیشتری می یابد. گروهی از احزاب و سازمان های ملی و میهن پرست جنبه واحدی به نام "جنبه میهنی مصر" تشکیل داده اند که در آن اعضای برجسته حزب ناصر، حزب مترقی ملی "چپ" حزب سوسیالیست کار، حزب کمونیست مصر و برخی دیگر از سازمان های ملی و مذهبی شرکت دارند. ژنرال سعدالدین شاذلی رئیس سابق ستاد مشترک ارتش مصر به دبیر کلی این جنبه برگزیده شده است.

برنامه سیاسی این جنبه شامل یک سلسله مسائل مهم داخلی و خارجی است که در رأس آنها اعاده استقلال سیاسی و اقتصادی مصر بر پایه مبارزه با امپریالیسم و صهیونیسم، لغای قرارداد کمپ دیوید، جلوگیری از نفوذ سرمایه های خارجی در مصر و انجام اصلاحات دموکراتیک جای دارد. "جنبه میهنی مصر" به تدریج جایگاه خود را در میان توده های مردم استوارتر می سازد.

خطر راپیش از همه امپریالیست های آمریکائی و اسرائیلی احساس نمودند و سادات راه "اقدام برانگیختند. درس تلخی که امپریالیسم و صهیونیسم از انقلاب ایران گرفته بود، کار پایه آنان در رویارویی با جنبش انقلابی مصر گشت: انقلاب را باید در نطفه خاموش کرد. طرح تشنه نشانی را ارگان های امنیتی اسرائیل، آمریکا، انگلستان و مصر تهیه کردند. سناریو عناصر مختلفی را در بر می گرفت. نخست بایستی با تحریک احساسات مذهبی در بین مسلمانان و مسیحیان قبطی این دورا به جان یکدیگر انداخت، از هم جدا

تفسیر وقایع مهم جهان

کرد، سپس نیروهای دولتی به بهانه برقراری "نظم" وارد صحنه شدند و مبارزان ضد رژیم را بعنوان اخلالگران در وحدت ملی و محرک آشوب دستگیر کردند و نگاه با استفاده از جو تشنج دیکتاتوری خونین سرکوبگر جنبش انقلابی را برقرار سازند. این تاکتیک را استعمارگران انگلیسی بارها در گذشته در هند و سایر کشورهای وابسته و مستعمره خود پیاده کرده و از آن بهره گرفته اند. امپریالیسم تمام تجربی های گذشته اش را برای سرکوب جنبش های آزادی طلبانه بکار میگیرد. مصر بار دیگر صحنه پرستان را آغاز کردند و در ظرف دوسه روز هزاران نفر را دستگیر کردند و میزندان افکندند. سازمان امنیت سادات اعلام کرد که یک "توطئه" کمونیستی "راکه در آن" عبدالسلام زیات معاون سابق نخست وزیر، چند نفر از وزیران سابق، عده ای از استادان دانشگاه و گروهی از نویسندگان و روزنامه نگاران شرکت داشته اند کشف کرده است. چند فیلم جعلی نیز درباره ارتباط آنان با کارشناسان شوروی که در مصر کار میکنند در تلویزیون قاهره نشان دادند. توسل به سیاست سرکوبگرانه به بهانه کشف "توطئه های کمونیستی" شیوه تازه ای در دنیای امپریالیسم و کشورهای وابسته به آن نیست. همه ما بخاطر داریم که دیکتاتور ایران نیز هر حرکت سرکوبگرانه خود را با کشف "شبه کمونیستی" آغاز میکرد. قتل سادات و پایان حیات ننگین او را تنها میتوان بر پایه سیاست های او از کمپ دیوید تا فرمان حمله اخیر او به سازمان ها و احزاب ملی و مذهبی مترقی ارزیابی کرد. نفرت از سادات بعنوان شخصیتی که غرور و حیثیت ملی خلق بزرگ مصر را در پای نمایندگان امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم قربانی کرد، در میان پیشروترین مبارزان سیاسی و نظامی مصر روز بروز بیشتر ریشه میگیرد. افسران میهن پرست مصر که آن ضربت تاریخی در جنگ اکتبر ۱۹۷۳ را بر ارتش تجاویزگر اسرائیل وارد نمودند، و به خوبی درک میکنند که قادرند با پشتیبانی وسیع خلق های عرب و دنیای سوسیالیسم نگذارند عده "سرطانی" اسرائیل در منطقه آنقدر رشد کند که دیگر علاج ناپذیر باشد سیاست سادات را خیانت بزرگ به مصر و تمام جهان عرب میدانند. البته در ارتش مصر تعداد افسران که مانند ارتش شاهنشاهی زندگی در باشگاه ها و خوشگذرانی در شهرها را بر جانشانی در جبهه ها به سود میهن ترجیح میدهند و حاضرند برای ادامه این زندگی مردم را قتل عام کنند کم نیستند و سادات با تکیه بر همین قشر افسران آسودگی طلب و مفتخور سیاست "صلح" خود با اسرائیل را پیش میبرد. باید گفت که در ارتش مصر این قشر موضع حاکم دارند و تمام کارهای بدست آنان سپرده میشود. اما خلق مصر و ارتش آن از مردان فداکار و جانباختگان خالی نمانده است. اقدام جسورانه گروهی از نظامیان میهن پرست در حمله به مقر سادات هنگام مراسم رژه گواها بریزی بر وجود اینگونه فرزندان دلیر در میان ارتش مصر است. سرکوبی که سادات آغاز کرده بود و جانشینانش با شدت بیشتری ادامه میدهند نشانگر آنست که جنبش مقاومت در مصر دامنه های بس گسترده دارد. خلق مصر نیز بزرگی را بر ضد امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم آغاز کرده است. وجود جنبه متحد احزاب و سازمان های ملی، مذهبی و سوسیالیستی به رهبری ژنرال شاذلی که در ارتش مصر نفوذ فراوان دارد نوید میدهد که خلق مصر بتواند در آیند های نه چندان دور، مقام شایسته خود را در صفوف مبارزان ضد - امپریالیسم و صهیونیسم احراز کند. این نبرد تاریخی با گلوله ای که قلب سادات را از حرکت بازداشت پابه مرحله تازه ای گذاشت. مرگ سادات در عین حالی که یک سیاستمدار ورزیده را از جنبه ارتجاع مصر و امپریالیسم گرفت به آنان بهانه داد که سیاست سرکوب را با قساوت و مقیاس بزرگتری اعمال کنند. جانشینان سادات یکسال حکومت نظامی در مصر برقرار کردند. امپریالیست های آمریکائی مرگ سادات را بهانه اعلام آماده باش جنگی برای تمام نیروهای خود در منطقه "مدیترانه شرقی، خاور میانه و نزدیک، اقیانوس هند و خلیج فارس" قرار دادند. معنای این آماده باش چیست؟ مرگ سادات چهار تپاطی با آماده باش جنگی نیروهای واکنش سریع آمریکا دارد؟ پاسخ این پرسش را باید در سیاست جهانی دولت ریگان در قبال انقلاب ها و جنبش های آزادی بخش در "دنیای سوم" جستجو کرد.



کاربرد این سیاست مزورانه قرار گرفت. سناریو به همان ترتیب که پیش بینی شده بود اجرا گشت و بدنبال درگیری مصنوعی بین مسلمانان و مسیحیان قبطی بازداشت های دسته جمعی شخصیت های سرشناس سیاسی مخالف رژیم آغاز شد. اطلاعات مربوط به فعالیت سازمانها و شخصیت های مخالف رژیم را سازمان های جاسوسی اسرائیل در اختیار سادات گذاشته بودند. نیوزویک (شماره ۲۸ سپتامبر ۱۹۸۱) می نویسد: "اسرائیلی ها اطلاعاتی را که بدان دست یافته بودند بی سرو صدا در اختیار سادات قرار دادند. آنها سادات را دوست خود میدانند و میخواهند او را سرکار نگاه دارند." و سادات کار خود را بر اساس لیستی که اسرائیلی ها برایش ترتیب داده بودند آغاز کرد. روشن است که در این لیست نام هیچیک از محرکان واقعی آشوب های مذهبی وجود نداشت و در عوض چهره های برجسته سیاسی مخالف رژیم از قبیل حسین عبدالرزاق، ابوعزیز نویسنده مشهور مصری، حامد زیدان، سردبیر روزنامه "الشعب"، احمد فرغانی نماینده سابق مجلس مصر که به دستور سادات از او سلب صلاحیت شده بود، حسین عبدالرزاق، ابوعزیز الحریزی، مصطفی عاصی، محمد خلیل و چند نفر دیگر از اعضای برجسته رهبری حزب مترقی ملی مصر، محمد حلمی مراد یکی از رهبران حزب سوسیالیست کار، محمد عبد السلام الزیات معاون سابق نخست وزیر مصر و صد هانفر دیگر از شخصیت های سیاسی و فعالان احزاب و جمعیت های مختلف سیاسی و مذهبی مخالف دولت با تمام اطلاعات لازم برای دستگیری آنان وجود داشت. سازمان های امنیتی مصر بر پایه اطلاعاتی که "دوستان" اسرائیلی به آنها داده بودند شکار میهن -

با "تئوریسم بین المللی" منتقل کرده است. اینکه "حقوق بشر" کارتری چه معنایی داشت برای خلق ما که با پوست و گوشت خود آنرا آزموده است نیازی به توضیح ندارد. ببینیم "تئوریسم بین المللی" در فرهنگ سیاسی حکومت ریگان چه معنایی دارد. هواپیما - دزدی؟ سیاه پوست کشی؟ بمب گذاری؟ (مثلا در بیروت و سایر جاها)، قتل لومومبا و سایر چهره های مردمی؟ هیچ یک از انواع این گونه کارها مشمول تعریف "تئوریسم" در دکتترین ریگان نیست. در این دکتترین "تئوریسم" یعنی جنبش های آزادی بخش ملی برای رهایی از سلطه استعمار نو، بنابه این تعریف جنبش آزادی بخش فلسطین یک سازمان تئوریستی است. در السالوادور تئوریسم بین المللی حاکم است. کمک به جنبش های آزادی بخش ملی "تئوریسم بین المللی" است و لیبی به این دلیل یک حکومت تئوریستی است. سیاست اتحاد شوروی در کمک به انقلاب های ملی "تئوریسم بین - المللی" است. دکتترین ریگان در برخورد با کشورهای "دنیای سوم" بطور خلاصه عبارت است از سرکوب انقلاب های ملی و نگاه داشتن کشورهای نامبرده در چنبره سرمایه داری جهانی ماموریت اصلی سپاه واکنش سریع نیز پیاده کردن این دکتترین است. البته سرکوب انقلاب های ملی و مردمی عنصری تازه در سیاست امپریالیسم نیست، اما آنچه در این مورد تازه است تطابق این سیاست با اوضاع کنونی جهان و تجربه اندوزی از در سبهای گذشته از جمله درس های ویتنام و ایران است.

نخستین درسی که امپریالیسم آمریکا از این شکست افتخار آمیز خود گرفته است آنست که تکیه بر رژیم های دست نشانده و کمک کردن به آنها برای رویارویی با جنبش اشتباه بوده است و ما داخل نظامی باید از همان آغاز با تمام امکانات موجود به مقیاس وسیع انجام گیرد. باید هر قیامی را پیش از آنکه بتواند پشتیبانی مردم را به خود جلب کند با تمام قوا سرکوب کرد. سیاست - سازان کنونی آمریکا معتقدند که اگر ایالات متحده در ویتنام و ایران از همان ابتدا با سرعت و قدرت عمل میکرد، پیروزی نصیب آنان میشد. فلسفه تشکیل سپاه واکنش سریع نیز اینست.

درس دیگری که امپریالیست های آمریکائی از شکست خود در ویتنام و ایران گرفته اند آنست که به جریان های مخالف رژیم های دست نشانده نباید اجازه داد که شکل بگیرند، باید یکدیگر ارتباط برقرار کنند، مسلح شوند، باید بر جامعه نظارت پلیسی برقرار کرد. مکاتبات و تلفن ها را کنترل کرد، از تکنیک و وسایل فنی مراقبت و غیره برای کشف مخالفان وسیعاً استفاده کرد و مخالفان را قبل از آنکه وارد عمل شوند باز داشت کرد و حتی از میان برد.

آماده باش جنگی نیروهای واکنش سریع آمریکا در منطقه و بازداشت های وسیعی که در مصر به هنگام سادات آغاز شد و پس از مرگ او با وسعت بیشتری طی یکسال حکومت نظامی (وضع فوق العاده) ادامه خواهد یافت اجرای دکتترین ریگان در انطباق با جنبش انقلابی در مصر و منطقه است. کشورهای مرتجع منطقه مانند پاکستان، عربستان سعودی و قبل از همه اسرائیل هر یک در اجرای این دکتترین نقش به عهده دارند. امپریالیسم آمریکا دیگر تاب تحمل انقلابی نظیر انقلاب اسلامی ایران را در منطقه و جهان ندارد. انقلاب در فرهنگ امپریالیسم آمریکا "تئوریسم" است و پشتیبانی از انقلاب ها به وسیله هر دولتی که انجام گیرد حمایت از تئوریسم بین المللی است. بزرگترین حمله امپریالیست های آمریکائی نیز در این مورد متوجه اتحاد شوروی است. آیا دکتترین ریگان پیروز خواهد شد؟ آیا امپریالیست های آمریکائی خواهند توانست خلق های "جهان سوم" را در چنبره اسارت خود نگاه دارند؟ آیا دیگر انقلابی در جهان روی نخواهد داد؟ واضح است که اراده سرمایه داران غرب نمیتواند جریان تاریخ جهان را متوقف کند. امپریالیسم، نظامی محتر و علی رغم تمام تلاش هایش محکوم به شکست - های بی دریغی است. اما این بدان معنا نیست که امپریالیست ها و داوطلبان به حکم تاریخ گردن می نهند و صحنه جهان را از لسوت وجود خویش پاک میکنند. این نظام جهنمی میتواند برای بقای خویش به هزاران توطئه و ترفند پلید دست بزند. منطقه ما هم اکنون شاهد انواع این توطئه ها است.

**دکتترین ریگان و انقلاب های ملی**

فردای روزی که الکساندر هیگ به وزارت امور خارجه آمریکا منصوب شد، طی نطقی گفت: حکومت جدید سمت اصلی سیاست خارجی خود را بجای مبارزه در راه "حقوق بشر" به مبارزه

**بمباران کویت**

**یک توطئه امپریالیستی**

هفته پیش ناگهان خبرگزاری های خارجی بقیه در صفحه ۱۵



# بنیادهای سیاست پایه ریزی اقتصاد کشاورزی مستقل،

## مردمی و خودکفا (بقیه)

بقیه از صفحه ۱

ایران انقلابی

### اصول بنیادین سیاست پایه گذاری اقتصاد مردمی، مستقل و خودکفا

در ایران انقلابی برای برداشتن گام نخست و اساسی سیاست پایه گذاری اقتصاد کشاورزی مردمی و خودکفا، همچنانکه می دانیم، پس از فراز و فرودهایی، سرانجام قانون اصلاحات ارضی در ۲۶ فروردین ماه ۵۹ به تصویب شورای انقلاب رسید. لیکن در ابتدای راه برای ارتقا رکنی ها و سنگ اندازی های بزرگ مالکان، روحانی نمایان و لیبرالها، اجراء اصول اساسی آن (بندهای "ج" و "د") متوقف شد و این توقف تا لحظه حاضر ادامه دارد.

از آنجا که تاخیر در اجرای کامل قانون اصلاحات ارضی به سود دهقانان تهدید است، هم متضمن گسترش دامنه خطرانی است که از سوی بزرگ مالکان و دیگر عناصر جبهه متحد ضد انقلاب متوجه انقلاب ماست. وهم موجب می شود که راه حرکت بسوی برقراری اقتصاد کشاورزی مستقل، خودکفا و مردمی مسدود گردد، لذا ضروری است که در اسرع وقت کار بررسی و تصویب قانون در مجلس شورای اسلامی و تأیید نهائی آن توسط شورای نگهبان و به سود دهقانان تهدید است آغاز گردد.

در زمینه تقویت بخش تعاونی در کشاورزی در ایران انقلابی و ضد امپریالیست، باید گفت که این امر در قانون اساسی و در قانون اصلاحات ارضی قید شده است، لیکن چون گسترش همه جانبه تعاونی ها (بالاخص تعاونی تولید) منوط به محو بزرگ مالکی و واگذاری زمین به دهقانان تهدید است، لذا تاخیر در اجرای کامل قانون اصلاحات ارضی موجب شده است که تعاونی ها و بویژه تعاونی تولید نتوانند، آنچنانکه ضروری است گسترش یابند. از آنجا که تعاونی های تولید رکن اساسی در افزایش بهره وری کار و تولید هستند لذا ضروری است که در اسرع وقت، با اجرای کامل قانون اصلاحات ارضی، با کار تبلیغی همه جانبه و گسترده و با برنامه ریزی جهت تدارک وسایل و امکانات برای تعاونی ها، زمینه توسعه فراگیر آنان فراهم آید.

و بالاخره در زمینه همکاری ایران انقلابی با کشورهای دوست و حامی انقلاب ایران، باید توضیح داد که در گذشته امکانات تحقق این امر، تحت تأثیرات مخرب مجموعه تبلیغات زهرآگین امپریالیستی، خرابکاری های ضد انقلابیون و مائوئیست ها و کارکنان لیبرالها (که تا مدت ها هرم های اساسی حاکمیت را قبضه کرده بودند) و نیز پیشداوری های غلط و تنگ نظری ها در اذهان بسیاری از انقلابیون ضد امپریالیست مسئول، بسیار محدود بود. در حال حاضر اگر چه هنوز محدودیت هایی وجود دارد، لیکن با کمال خوشوقتی چشم اندازهای روشنی نیز در این زمینه دیده می شود. این چشم اندازها از جمله ناشی از تحولات دوسال نیمه در کشور بالاخص در زمینه سیاسی و تجاری کسب شده توسط نیروهای انقلابی حاکم از این رهگذر و صداقت نیروهای انقلابی واقع بین مسئول در پذیرش واقعیت ها به سود انقلاب است. از جمله این چشم اندازهای روشنی می توان از سفر اخیر حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی به جمهوری دموکراتیک خلق کره نام برد. حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی در کنفرانس مطبوعاتی در خصوص این مسافرت از جمله گفته است:

"... چندی بود که مقامات کره ای از ما دعوت کرده بودند که به آنجا سفر کنیم و ماکه روابط ما را با آمریکا قطع کردیم، باید کشورهای دیگر احتیاجاتمان را برطرف کنند و همچنین ما می خواستیم از نزدیک کشور کمونیستی کره و وضع مردم آنجا را ببینیم و نقاط ضعف و قوت سیستم آنها را از نزدیک مشاهده کنیم" (۱۲)

چشم انداز روشن دیگر در این مورد ملاقات معاون نخست وزیر رومانی با وزیر کشاورزی و انعقاد قرارداد هایی با ایران انقلابیست، بدون شک ایران انقلابی می تواند از این طریق از تجربیات و دستاوردهای علمی و فنی که رومانی کسب کرده است برخوردار گردد، چنانکه وزیر کشاورزی نیز بدستی این مطلب را در دیدار با معاون نخست وزیر رومانی ذکر کرده است:

"... ما میل هستیم برای رسیدن به خود کفایی از تجربیات شما استفاده کنیم و همکاری خود

بیشتر انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی را فراهم می آورد و بالعکس عدم توجه دقیق به این نکته، در تضعیف انقلاب موثر خواهد بود.

اکنون از الجزایر آغاز می کنیم:

الجزایر در زمینه تغییرات بنیادی در روستاها با دشواری ها و کاستی هایی روبرو بود، لیکن سرانجام انقلاب ارضی در روستا را، که "محدوده به پس گرفتن زمینها از زمین داران بزرگ و تقسیم آن بین دهقانان" (۱) نمی شد و "متضمن یک رشته اقدامات وسیع اجتماعی و اقتصادی در جهت نوسازی کامل روستا" (۲) بود آغاز کرد. علاوه بر این "... بلافاصله پس از کسب استقلال ۲/۵ میلیون هکتار از زمین های بسیار مرغوب که در دوران سیادت استعمارگران از جنگ دهقانان بیرون کشیده بودند، در قلمرو بخش خودگردان "قرار گرفت" (۳).

در الجزایر، علاوه بر این، در زمینه گسترش نهضت تعاونی در سطح روستاها اقدامات بسیاری اهمیت انجام شده است، بگونه ای که "... در حال حاضر بخش خودگردان در کشاورزی ۴۰٪ اراضی زیر کشت ۱۰٪ جمعیت صاحب در - آندروستانی را که در ۲۵۰۰ تا ۲۵۰۰۰ تعاونی کشاورزی مجتمع شده اند، در بر می گیرد" (۴).

"اکنون بیش از ۶۰۰۰ تعاونی از انواع مختلف - اساسا در تولید - بوجود آمده است. دولت تکنیک لازم و بذرهایی مرغوب و بارآور را در اختیار دهقانان قرار می دهد و به آنها کمک می کند" (۵).

همچنین الجزایر در زمینه پذیرش همکاری کشورهای دوست، جهت بهره گیری از دستاوردهای علمی و فنی، گامهای مهمی برداشته است. البته برداشتن این گامها در آغاز آسان نبود. از علل مهم دشواری این کار برخی تنگ نظری های نیروهای ضد امپریالیست و انقلابی در حاکمیت، خرابکاری عمال امپریالیسم و بورژوازی لیبرال رومی توان نام برد. بهر حال "از آغاز سال ۱۹۶۳ همکاری میان جمهوری دموکراتیک خلق الجزایر و کشورهای سوسیالیستی گسترش یافت" (۶) و "کمک موثر و بی چشمداشت اتحاد شوروی به فائق آمدن بر نتایج مصیبت بار جنگ و تحکیم استقلال ملی الجزایر برپا شد" (۷).

و اما کشور دیگری که در این زمینه می توان از آن مثال آورد، کشور دوست و انقلابی لیبی است. حاکمیت انقلابی لیبی در خصوص واگذاری اراضی غصبی به دهقانان، بلافاصله پس از انقلاب سپتامبر ۱۹۶۹ در "۲۱ جولای ۱۹۷۰ قانونی را از تصویب گذراند که به موجب آن ۳۸۸۰ هکتار اراضی زیر کشت از ایتالیایی ها سلب مالکیت شد. ... اراضی سلب مالکیت شده از خاندان سلطنتی معدوم و استعمارگران ایتالیایی به قطعه های ده هکتاری تقسیم شدند و مابقی زمین از آن کسی است که آن را می کارد" به دهقانان واگذار گردید" (۸).

دهقانان صاحب زمین شده از کود، بذر و ماشین آلات و کمک مالی برخوردار می گردند. همچنین "مرکز کشاورزی در نواحی روستایی تاسیس شده که دهقانان می توانند از طریق آنها با شیوه های جدید کشت آشنا شوند" (۹).

و اما حاکمیت انقلابی و ضد امپریالیست لیبی در زمینه پذیرش همکاری کشورهای دوست سوسیالیستی، جهت بهره جویی از دستاوردهای علمی و فنی، تا مدت ها با انبوهی از پیشداوری های بکلی غلط مواجه بود، بگونه ای که بر اساس این پیشداوریها، دوستان و حامیان واقعی خود را دشمن تلقی می کرد. لیکن در اثر مشاهده واقعیات بشمار زدودن پیشداوریها امروزه "مردم لیبی هوادار مناسبات دوستانه با کشورهای سوسیالیستی و بویژه اتحاد شوروی هستند" (۱۰).

عبدالسلام جلوه نخست وزیر لیبی، در سفری به اتحاد شوروی گفته است:

"امپریالیسم می گوشتد حقایق درباره اتحاد شوروی دستاوردهای برجسته این کشور در زمینه های سیاسی، اقتصادی و زندگی اجتماعی را تحریف کند. ولی ما اکنون تصویر واقعی زندگی در این کشور را مشاهده می کنیم. ... ملاقات ما سر آغاز شد و واقعی مناسبات همه جانبه میان کشورهای ما می باشد" (۱۱).

در اینجا پس از ذکر نمونه های افسانه ای به میهنان توجه می کنیم:

است.

در ایجاد و گسترش تعاونی ها، اعم از مصرف، اعتبار، توزیع و از همه مهمتر و بالاخص تولید، باید کار تبلیغی و ترویجی و عملی همه جانبه جهت ترغیب و تشویق روستائیان به ورود در تعاونی ها مورد نظر باشد، بگونه ای که خود روستائی بمفید بودن اشتراک در کار تعاونی بی برد و صد البته دولت نیز باید یار و مدد در سان تعاونی ها باشد. و وسایل گسترش آنان را فراهم آورد. فی المثل در ارتباط با تعاونی های تولید، که یکی از اجزاء اصلی و بسیار مهم در افزایش تولید و میزان سودآوری کار هستند، دولت باید به همراه اجراء قانون اصلاحات ارضی، مزایای کار تعاونی را بطور همه جانبه برای دهقانان تهییدست تشریح کند و در عمل نیز با تدارک وسایل و امکانات کار (ماشین آلات، آب، کود، بذر، سموم، وام، تخصص انسانی و خرید محصول) وجود این مزایا را نسبت به کار انفرادی و بر روی قطعات کوچک برای دهقانان به اثبات برساند.

دهقان باید خود درک کند که یکی کردن اراضی و اشتراک در کار با دیگر دهقانان موجب است استفاده گسترده از وسایل مکانیزه مدرن و افزایش سطح سودآوری کار و تولید را فراهم می آورد (که در قطعات کوچک استفاده از این وسایل عملا امکان پذیر نیست) و در عمل این را از طریق مساعدت دولت و نهاد های مسئول نیز مشاهده کند.

بهر حال، همچنانکه در بالا نیز گفته شد، یکی از وجوه اساسی افزایش میزان تولیدات زراعی و تبدیل به خودکفائی ایجاد و گسترش همه جانبه نظام تعاونی متکی بر انبوه زحمتکشان در روستا است.

### بهره گیری از دستاوردهای علمی و فنی جهت ارتقاء سطح سودآوری کار دهقانان و گسترش کشاورزی

بهره گیری از دستاوردهای علمی و فنی در کشاورزی فارغ از سلطه و استثمار بزرگ مالکی، یکی دیگر از وجوه اساسی آن سیاست کشاورزی است که هدف برقراری اقتصاد کشاورزی مستقل، مردمی و خودکفا را پیش روی خود قرار داده است. در این مورد باید ذکر کرد که اعمال سیاست پایه گذاری اقتصاد کشاورزی خودکفا و نیل به نتایج مطلوب این سیاست مستلزم تکیه همه جانبه بر این وجه عمده - همچون دیگر وجوه گفته شده - است. لذا یک دولت انقلابی نظیر دولت انقلابی ما، که توان اعمال همه جانبه این سیاست را داراست، از این قاعده مستثنی نیست و لاجرم باید بر این وجه عمده تکیه کند. اما همچنانکه می دانیم، بطور عمدت سلطت سالیان متعادی امپریالیسم و طبقات استثمارگر وابسته به آن بر میهنمان، موجب شده است که امروزه امکانات ایران انقلابی از نظر بهره گیری از تجارب و دستاوردهای علمی و فنی بسیار محدود باشد. بگونه ای که امکانات موجود تکافوی اعمال همه جانبه و کامل سیاست ایجاد کشاورزی مستقل، مردمی و خودکفا را نکند. در این صورت ضروری است که دولت انقلابی از امکانات مالکی که مانند ایران انقلابی "محور سیاست آنان مبارزه با آمریکا" است و حامی و پشتیبان پیگیر انقلاب ایران هستند، جهت بهره گیری از تجارب دستاوردهای علمی و فنی استفاده کند.

### تجارب کشورهای دوست و حامی انقلاب ایران

حال پس از توضیح سبب مصل بنیادین سیاست پایه گذاری کشاورزی مستقل، مردمی و خودکفا، به ذکر نمونه هایی از تجارب کشورهای دوست و انقلابی: الجزایر، لیبی، در این زمینه می پردازیم. لیکن در اینجا ذکر نکته ای ضروری است و آن اینکه، غرض از ارائه نمونه ها صرفا نشان دادن سمت اصلی حرکت انقلابی است. مسلمان هر کشور و هر انقلابی دارای ویژگی های مربوط به خود است. لیکن توجه دقیق به سمت اصلی حرکت انقلابی و انجام بموقع و سریع این حرکت بطور حتم موجب تعمیق و تحکیم هر چه

موانعی در تعیین، تسجیل و کاربرد برخی از این اصول و حتی تمام آن دچار دشواری هایی میگردد این موانع عموما مشتمل اند بر:

- ۱) تلاش مخالفان طبقاتی انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی جهت حفظ منافع خود و ایفاء پیوندی بزرگ کرده با امپریالیسم،
  - ۲) تبلیغات مخرب امپریالیستی و ضد انقلابی بمنظور خدشه دار کردن حمایت و پشتیبانی کشورهای دوست انقلاب و دشمن جلوه دادن این دوستان و تحریف و دگرگونه نشان دادن اصول و بنیادهای انقلابی نظیر اصول فوق (۳) تأثیرات مخرب اقدامات نیروهای چپ رو،
  - ۴) پیشداوری های ناصحیح و تنگ نظری - ها در اذهان نیروهای انقلابی حاکم در بهره گیری از همه امکانات بسود انقلاب.
- از آنجا که عدم اجراء و یا تاخیر در اجراء اصول مذکور در فوق حامل زیانهای ویرانگری برای انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی است، و بالعکس بکارگیری هماهنگ، سریع و بموقع این اصول موجب استقرار اقتصاد کشاورزی مستقل، مردمی و خودکفا را فراهم می آورد. در زیر به تشریح هر یک از این اصول، ذکر نمونه هایی از تجارب کشورهای انقلابی و دوست: الجزایر، لیبی، در این زمینه، و موضع حاکمیت ضد امپریالیست، انقلابی و مردمی کشورمان در قبال این اصول می پردازیم:

### اجرای قانون اصلاحات ارضی انقلابی

#### به سود دهقانان بی زمین و کم زمین

اجرای قانون اصلاحات ارضی انقلابی به سود دهقانان بی زمین و کم زمین نخستین و اساسی ترین گام برای حفاظت از انقلاب و پایه ریزی اقتصاد کشاورزی مستقل، مردمی و خود کفاست. بدین سخن، از آنجا که بزرگ مالکی و فتوادیسم یکی از پایه های عمده امپریالیسم است و منافع آن در تعارض و تضاد با اهداف انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی و از جمله با هدف استقرار اقتصاد کشاورزی مستقل، مردمی و خود کفاست، وجود آن نه تنها خطر فزاینده بالفعلی برای انقلاب بشمار می آید، بلکه علاوه بر آن مانع بزرگی در برابر ترمین رفاه روستائیان تهییدست و شکوفائی و خودکفائی اقتصاد کشاورزیست. از این رو اجرای سریع و قاطع قانون اصلاحات ارضی انقلابی بسود دهقانان تهییدست روستا و وسایل حفاظت از انقلاب را صد چندان می کند و راه را برای ایجاد اقتصاد کشاورزی خودکفا و مردمی می گشاید.

### تقویت بخش دولتی و تعاونی در کشاورزی

تقویت و تحکیم بخش تعاونی و دولتی در روستا دومین گام در ارتقاء سطح سودآوری کار دهقانان، افزایش تولید و برقراری اقتصاد کشاورزی خودکفا و مردمی محسوب می گردد.

در خصوص بخش دولتی باید گفت که این بخش در روستا قاعدتا باید در درجه نخست واحدهای بزرگ و وسیع را، که متعلق به شرکت های خارجی یا مختلط بود، یا واحدهایی را که سابقا هم دولتی بود، یا واحدهای متعلق به کلان سرمایه داران فراری و معدوم و خانواده طاغوت، که اغلب آنها هم مصادره شده، دربر گیرد. این واحدها دارای اراضی گسترده و حاصلخیز و مرغوب هستند و در آنها از روشها و ادوات و تاسیسات مدرن و مکانیزه سیستم های آبیاری و کشت علمی استفاده می شود. بخش دولتی هم چنین در درجه بعد واحدهای وسیع و با ابعاد بزرگ را، که دولت را با سرمایه خود ایجاد می کند و قطبهای کشاورزی و دامداری و صنایع وابسته به آنها بوجود می آورد، دربر خواهد گرفت. واحدهای این بخش باید به مدیریت دولت اداره گردند و دولت در تقویت آنها سعی لازم را مبذول دارد و رفاه کارکنان آن را مدنظر قرار دهد. تقطیع و تفکیک اراضی و تاسیسات این گونه شرکتها تنها و تنها موجب کاهش سطح تولید در آنها می گردد.

تقویت بخش تعاونی در روستا نیز یکی دیگر از ملزومات اعتلا و شکوفائی تولید زراعی



# نقش سرنوشت ساز طبقه کارگر ایران در تأمین پیروزی جنگ

از صفحه ۱

## نقش طبقه کارگر ایران،

### از پیروزی انقلاب تا آغاز جنگ

#### تحمیلی

طبقه کارگر ایران در جریان تدارک، تکوین و پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی نقش سرنوشت ساز ایفا کرد. کارگران، بگفته امام خمینی، در حساس ترین مراحل انقلاب نقش نیروی ضربتی را ایفا کردند. آنان با اعتصابات عظیم خود، در تلفیق با تظاهرات میلیونی خلق، رژیم دست نشانده پهلوی را فلج ساختند و پرچم پیروزی انقلاب و استقرار رژیم جمهوری اسلامی ایران را برافراشتند.

در جریان یکسال و هشت ماه پس از پیروزی انقلاب، از بهمن ۵۷ تا شهریور ۵۹، طبقه کارگر ایران عمده ترین نقش را در احیای تولید و خدمات، بحرکت در آوردن چرخ اقتصاد جمهوری اسلامی ایران و خنثی ساختن توطئه های گوناگون امپریالیستی و ضد انقلاب داخلی ایفا کرد. حضور فعال طبقه کارگر در صحنه انقلاب باعث شد که در این دوران، انقلاب روند تکاملی طی کند و گسترش مبارزه ضد امپریالیستی با افشای و طرد دولت موقت گام بگام و طرد امپریالیسم آمریکا از مواضع سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی خود از ایران واقعیت یابد.

در همین دوران لیبرالیسم، بعنوان مظهر نمایلات و خواستهای طبقاتی سرمایه داری لیبرال ایران به شکست فاش دچار شد. همچنین نفوذ گروه های چپگرا با نمایلات آنارشیستی به کاهش گرا نهد. این روند نیز اساساً مدیون حضور فعال طبقه کارگر در انقلاب بود.

در فاصله از بهمن تا شهریور ۵۹، انقلاب ایران از راه های پیچ در پیچ و بفرنج اجتماعی - سیاسی جامعه ایران با موفقیت گذر کرد. گذشته از رهبری مدبرانه رهبران انقلاب، جنبش جریانی را فقط بر پایه وزن مخصوص برتر طبقه کارگر در کل جامعه ایران می توان توضیح داد. سمت یابی ضروری مجموع انقلاب بسوزن حمتکشان و محرومان جامعه، علیه غم مخالفت آگاهانه دولت موقت لیبرال و توطئه ها و تحریکات امپریالیسم و کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی نیز از واقعیت حضور طبقه کارگر در انقلاب ناشی می شد.

لیبرالهای بحاکمیت خزیده، باتکیه بر پشتیبانی امپریالیسم، انتظار داشتند که در دوران پس از پیروزی انقلاب، طبقه کارگر را از صحنه برکنار کنند. مخالفت با تشکلهای صنفی و شورایی کارگران و حمتکشان، که از همان روز تشکیل دولت موقت گام بگام آغاز شد، و مناسفانه همچنان ادامه دارد، برای آن بود که از تشکلهای آگاهانه کارگران و حمتکشان، که می توانست تأثیر جدی در روند انقلاب بگذارد، جلوگیری بعمل آید. فشار به حزب طبقه کارگر، حزب توده ایران، و دیگر سازمانهای اصیل مدافع منافع کارگران و حمتکشان، در جریان پس از پیروزی انقلاب همین هدف را تعقیب می کرد.

اینکه با وجود چنین تلاشهای دامنه داری نیت طبقات استعمارگر داخلی و امپریالیسم پشتیبان آنها در برکنار کردن طبقه کارگر از صحنه و جلوگیری از روند تکاملی انقلاب به سود طبقات حمتکش و محروم، جامعه عمل نبیند و در همان دوران قبل از آغاز جنگ با شکست مواجه گردید، نتیجه وزن مخصوص برتر طبقه کارگر در جامعه ایران و وجود ششم طبقاتی و آگاهی سیاسی در این طبقه است.

مطمئناً برداشتن موانع از سر راه تشکلهای آگاهانه کارگران و حمتکشان در سازمانهای صنفی و شورایی و سیاسی آنها، می توانست نتایج به مراتب پربارتری، هم بسود استحکام و آسیب ناپذیری انقلاب و هم بنفع طبقه کارگر و حمتکشان و برآوردن شدن سریعتر خواستهای قانونی و عادلانه آنان برآورد. با این همه سرمایه داری ایران و امپریالیستهای حامی آن نتوانستند با تمام تلاشها و توطئه های گوناگونی که از روز پس از پیروزی انقلاب تا آغاز جنگ تحمیلی صدام بعمل آوردند، طبقه کارگر ایران را از صحنه انقلاب خارج سازند. حضور فعال طبقه کارگر در صحنه باعث شد که توطئه های امپریالیستی و ضد انقلابی یکی پس از دیگری به شکست بیانجامد و سرمایه داری ایران و حامیان امپریالیستی آن، یکی پس از دیگری، به ترک مواضع خود مجبور شوند.

مجموع این جریان، پیروزی عظیم و تاریخی، هم برای انقلاب ایران و هم برای

## علیه آمریکا و صدام (بقیه)



طبقه کارگر ایران، بعنوان قاطع ترین طبقه مدافع انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی و پیشان دفاع از منافع طبقات زحمتکش جامعه، محسوب می شود.

#### مضمون و ماهیت جنگ تحمیلی

طرد زحمتکشان و طبقه کارگر از حضور فعال در صحنه انقلاب از هدفهای اساسی جنگ تحمیلی آمریکای جنایتکار بدست صدام مزدور علیه کشور ما ایران بود. فی الواقع هم وقتی تمام توطئه های گوناگون سرمایه داری ایران و حامیان امپریالیستی آن در دوران بیش از یکسال و نیم پس از پیروزی انقلاب، برای طرد زحمتکشان از صحنه به نتیجه نرسید، راه دیگری در برابر امپریالیستها و سرمایه داری ایران باقی نماند، جز آن که با توسل به جنگ و انهدام کل انقلاب، کارگران و حمتکشان را نیز از صحنه خارج سازند.

انقلابی که در آن زمام امور در دست سرمایه داران و محافل لیبرالی وابسته به آن باقی می ماند، نه تنها برای امپریالیسم قابل قبول بود، بلکه تنها آلترناتیوی بود که امپریالیسم، با از دست دادن امید به حفظ رژیم دست نشانده پهلوی، می توانست با آن سرسازگاری داشته باشد. اما انقلابی که گرفته رفته سرمایه داران و محافل لیبرالی از آن طرد می شدند و نقش کارگران و حمتکشان در آن فزونی می یافت، البته برای امپریالیسم جهانی، آن هم در کشوری نظیر ایران، قابل قبول نبود و نمی توانست باشد.

توطئه جنگ تحمیلی آمریکای جنایتکار به وسیله صدام مزدور، پس از آن که توطئه های چندگانه سیاسی، اقتصادی و حتی کودتای نظامی به شکست منتهی شده بود، بر این اساس پایه ریزی و به اجرا گذاشته شد.

"جنگ برق آسا" می بایست در همان روزهای اول انقلاب را به شکست می کشانید، و با این شکست، زحمتکشان ایران و در پیشاپیش آنها طبقه کارگر را از صحنه خارج می ساخت. اکنون که یکسال از جنگ می گذرد، بوضوح دیده می شود که منتهای زوئی امپریالیسم جهانی، بسرکردگی آمریکا، و کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان برآورده نشده طبقه کارگر از صحنه خارج نگردیده، بلکه این طبقه بعنوان اساسی ترین نیروی پایدار در جنگ تحمیلی آمریکا بوسیله صدام مزدور، انسجام بیشتری پیدا کرده می کند جنگ تحمیلی نه فقط زوئی امپریالیسم و سرمایه داری ایران را برآورده ساخت، بلکه در یکی از حساس ترین و مهم ترین مراحل انقلاب ایران، نقش تاریخی طبقه کارگر را در برعهده گرفتند بزرگترین مسئولیتها، چه در دفاع از انقلاب و چه در دفاع از میهن، بیش از پیش آشکارتر ساخت.

جنگ تحمیلی امپریالیسم بوسیله صدام به کشور ما، جنگ تجاوزی امپریالیستی بقصد سرکوب انقلاب و بمنظور طرد زحمتکشان از صحنه سیاست است. این جنگ در مضمون خود جنگی طبقاتی و در ماهیت برخاسته از نمایلات و منافع دول امپریالیستی به ابقاء ایران در دایره نفوذ غارتگرانه و آسارتبار خود و سپردن حاکمیت در

داخل به نمایندگان طبقات استعمارگر بر جامعه است. طبقه کارگر ایران با آگاهی سیاسی و ششم طبقاتی خود، از همان نخستین روز به مضمون و ماهیت جنگ تحمیلی پی برد. زحمتکشان ایران بدرستی درک کردند که برای حفظ انقلاب و به منظور شکست این توطئه امپریالیستی، قبول عمده ترین مسئولیت بعهده آنهاست. یکسال جنگ بطور روشنی نشان داد و می دهد، که در قبول چنین مسئولیتی، طبقه کارگر ایران با تمام توان کوشا بوده و از هیچ فداکاری خودداری ننموده است.

#### جنگ تحمیلی

#### و رسوائی سرمایه داری در ایران

جنگ تحمیلی آمریکا بوسیله صدام مزدور علیه کشور ما جنگی تجاوزی است که از همان ابتدا به اشغال اراضی جنوب غربی و غرب کشور ما در استانهای خوزستان، ایلام و کرمانشاه انجامید. این جنگ می بایست هرگز را که مدعی میهن دوستی است، بحرکت درآورد. ولی سرمایه داران ایرانی نه فقط از اعزام فرزندان در دانه خود به جنگ متناع ورزیدند و نه فقط سرمایه داران مناطق اشغالی بادسته چکها و تومبیلهای "بنز" یا به فرار گذاشتند، بلکه در جریان جنگ نیز، کل سرمایه داری ایران خصومت خود را با ادامه این جنگ آشکار ساخت. سرمایه داری ایران با جبهه گرفتن پشت سر بنی صدر فراری به مخالفت علنی و کارشکنی در امر جنگ پرداخت و بدین وسیله نشان داد پیروزی در جنگی را که به پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی منتهی میشود، پذیرا نیست. سرمایه داری ایران نشان داد که برای شکست انقلاب حتی حاضر است پذیرای شکست در جنگ نیز باشد.

سرمایه داری ایران در جریان مبارزات ضد امپریالیستی و خلقی مردم ایران از انقلاب مشروطه به اینطرف، برای جلوگیری از بقدرت رسیدن طبقات زحمتکش به سازش با امپریالیسم و ارتجاع و ضد انقلاب تن در داد و خود را بد نام ساخته بود. اینک در جریان جنگ تحمیلی امپریالیسم آمریکا و صدام متجاوز، سرمایه داری ایران و محافل وابسته به آن نشان دادند و می دهند، که بخاطر جلوگیری از حاکمیت زحمتکشان حتی از قبول شکست جنگی که می تواند بقیمت از دست رفتن اراضی ایران منتهی گردد، ابا و امتناع ندارند و حتی خوشحال و مسرورند. آشکارا می توان دید که طاغوتیان و سرمایه داران چگونه خوشحالی می کنند وقتی خبری دایر به "پیروزی صدامیان میشوند و چگونه و "ترش" میکنند وقتی خبر پیروزی نیروهای مسلح ایران به گوششان میرسد.

سرمایه داری ایران تنها از جهت به فراموشی سپردن وظیفه دفاع از مرز و بوم نیست که در جریان یکسال جنگ تحمیلی آمریکا بوسیله صدام علیه ایران انقلابی، بیش از پیش رسوا شده است. رسوائی سرمایه داری ایران همچنین در آن است که خونی را که زحمتکشان در جبهه جنگ به زمین می ریزند، به طلا بدل میکند و گارد گرانی، احتکار و تورم را، بمنظور ثروت اندوزی بیش و بیشتر به گلی زحمتکشان میفشارد. رسوائی

سرمایه داری ایران نه تنها از جهت پشت کردن به انقلاب، که از جهت کارشکنی در جنگی که پیروزی در آن از نظر ملی و میهنی دارای اهمیت فوق العاده است، واقعیتی آشکار است. این واقعیت نشان میدهد که سرمایه داری ایران آشکارا به منجلاب خیانت به منافع ملی و میهنی در غلطید ماست.

#### طبقه کارگر ایران و جنگ تحمیلی

در حالیکه بورژوازی ایران از جنگ تحمیلی آمریکا بدست صدام مزدور علیه کشور ما سرشکسته و خفت زده بیرون می آید، طبقه کارگر ایران از همین جنگ سر بلند تر و مفتخر تر از هر زمان دیگری خارج میشود. این سر بلندی و افتخار از آنرو نصیب طبقه کارگر میگردد که، از همان اولین روز جنگ بدون کمترین تأملی، این طبقه سنگین ترین بار جنگ را به دوش گرفته و کمترین خللی در اراده آن به دفاع از انقلاب و تأمین پیروزی پدید نیامده است.

شرح شرکت فعال طبقه کارگر ایران در جنگ عادلانه دفاع از انقلاب، جمهوری نو - پای اسلامی ایران و مرزهای میهن انقلابی را

از آنجا شروع کنیم که، در حالیکه سرمایه داران از نقاط جنگی پامفرار گذاشتند، زحمتکشان و در پیشاپیش آنها کارگران، خاصه پرولتاریای نفت، با قاطعیت تمام در برابر متجاوزین صدامی ایستادگی و مقاومت کردند. دفاع از خرمشهر که بدرستی خونین شهر نام گرفت، و ایستادگی در آبادان بعنوان شهر مقاومت را مدیون همه نیروهای انقلابی مردمی و سپاهی و ارتشی هستیم. اما هیچکس نمیتواند انکار کند که در آنجا پیشاپیش همه کارگران ایران، بهویژه کارگران و زحمتکشان نفت ایران بودند که حماسه فریادند و دشمن را وادار به زانو زدن کردند.

چکسی میتواند انکار کند که دهها هزار جوان سپاهی و ارتشی، که در جریان جنگ شرکت دارند، در نوبه اول فرزندان زحمتکشان، اعم از کارگران و دهقانان، هستند که از اقصی نقاط کشور به مرزهای جنوب غربی و غرب ایران رفته اند، تا از انقلاب و وطن انقلابی دفاع نمایند و متجاوز را سرکوب و طرد کنند. اما جالب اینست که کارگران و فرزندان آنان نه فقط در کسوت نظامی و سپاهی که در لباس کارگری نیز در جبهه، چه در عملیات نظامی و چه در اقدامات تدافعی به فعالترین نحو شرکت دارند. در طی یکسال که از جنگ میگذرد کارخانه و کارگاهی را نمیتوان سراغ گرفت که بخشی از کارگران و کارمندان خود را، چه برای شرکت در جبهه و چه برای انجام خدمات در پشت جبهه به مناطق جنگ اعزام نکرده باشند.

شرکت فعال طبقه کارگر در جنگ عادلانه و بحق علیه تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا و صدام مزدور در کار شبانه روزی کارگران و زحمتکشان در کارخانه ها و کارگاهها در سراسر کشور و همچنین در افزایش تولید و ارائه خدمات بیشتر، تأمین نیازمندیهای جبهه، ترمیم خسارات وارده بر اثر جنگ، کارهای ساختمانی و ترابری و صد ها کار نظیر آن تجسم داشته است. دست توانای طبقه کارگر است که مانع از آن شده، تا نیت امپریالیسم و ضد انقلاب داخلی در جلوگیری از جریان عادی تولید و خدمات در سطح کشور برآورده شود و ایران انقلابی بر اثر فلج اقتصادی از پا درآید.

سرمایه داری ایران و محافل امپریالیستی تمام تلاش خود را بعمل آوردند، تا با ایراد تزییقات مالی به کارگران و خانواده آنها از راه گرانی، احتکار و گرانفروشی کارگران را نسبت به جنگ بدبین و آنانرا به اعتصاب و تحمیل و درگیری با دولت انقلاب بکشانند. پاسخ طبقه کارگر به این تحریکات تکیه به صبر و بردباری خودداری از هر نوع عملی که میتواند به پیروزی در جنگ لطمه بزند، بوده است. این فداکاری در سرحد جانفشانی است که کارگران و زحمتکشان، در حالیکه بخش مهمی از دستمزدهای ناچیز خود را بر اثر گرانی و گرانفروشی از دست میدهند و هر روز فقیرتر زندگی میکنند، معذالک از کمک مالی به جبهه جنگ خودداری نکردند و نمیکند. آنها همراه بخشی از دستمزدهای خود را به کمک مالی به جبهه اختصاص میدهند. این فداکاری کارگران را با غارت سرمایه داران سود جو مقایسه کنیم که، نه تنها از کمک به جبهه خودداری میکنند، بلکه







# در جبهه براندازی



آمده و به میزازه سیاسی پرداخته است؟ (رنجبر شماره ۱۴۳ - ۱۳۵۹ دی ۱۱)

ویا:

"باز نزدیک شدن ۲۳ دی که سالگرد پیروزی دانشگاهیان بر رژیم پهلوی است... این بار هم ابتدا بجای مستبدین حاکم، مستشاران ارزان قیمت آنان یعنی باند مزدور کیانوری ضجه آغاز کرد که "هشدار... ضد انقلاب، لیبرالها و مائوئیست‌ها تحت عنوان بازگشائی دانشگاه‌ها تبلیغات و فعالیت گسترده‌ای را... (رنجبر - شماره ۱۴۸ - ۱۳۵۹ دی ۲۳)

و درست در همین موقع "خطر شوری" باز هم بمیدان آورده شد:

"اما بعد از انقلاب گروهی که تدریجا قدرت سیاسی را بطور عمده بدست گرفتند، راه خود را جدا کردند، بجای پیروی از شعار نه شرقی نه غربی گرایش به شرق، بجای آزادی نوعی استبداد... (رنجبر - شماره ۱۴۷ - ۱۳۵۹ دی ۲۱)

همراه با جبهه متحد صد انقلاب، تدارک زدن ضربه نهائی به جمهوری اسلامی ایران را می‌دید، ویلیام کیسی، رئیس سازمان سیا، در جلسه سالانه اتاق بازرگانی آمریکا گفت:

"رونق اقتصادی آمریکا بیش از همیشه به خارجی‌ها وابستگی پیدا کرده است. دلیل دور بودن کشورهای دیگر از آمریکا، آن کشورها می‌توانند نیز اقتصاد آمریکا را بدست گیرند." او افزود:

"گسترش بازرگانی دولتی در این گونه کشورها، منافع آمریکا را بخطر انداخته است" (جمهوری اسلامی - ۱۰ اردیبهشت ۱۳۶۰)

رنجبر، که هنوز هم بطور مخفی منتشر می‌شد، زیر عنوان: "دولتی کردن تجارت خارجی گام مهمی در جهت تحکیم قدرت مستبدین حاکم است، نوشت:

"طرح مستبدین حاکم رامنیتی برجایگزینی سیستم بازرگانی خارجی کنونی، بوسیله سیستم تجارت خارجی تحت حاکمیت دولت مکتبیون ضد خلق، بعنوان توطئه‌ای بزرگ برای غارت و چپاول و سرکوب انقلاب، افشاء نمایند" (رنجبر - شماره ۱۷۷ - ۱۳ اردیبهشت ۱۳۶۰)

رنجبر، با این اعلام نظر صریح، نشان داد که در همه مسائل با "سیا" وحدت نظر کامل دارد.

او با پیش مسلح به مونا و ناخراج کامل آنها از پای نشستند. در آنکه اگر متحد باشند و نیروی تروریست حرفه‌ای و دولتی استبداد را در راه قانون انقلاب بران ویدار دل ما دردم ساهشوم بی مخ که از انقلاب ایران بگریزید برای یکروز بخوش کودتای ۲۸ خرداد ۱۳۶۰ - ۱۹ اسفند ۱۳۶۰

سرانجام دادستان کرد، اما رنجبر، از هم آماده شده، از پشرد و تیر اول آن خبر بود. (رنجبر - ۱۳۶۰) مقاله نوشت:

وقتی متوجه شدند که هیچگونه تحریک و شانتاژی نمی‌تواند مانع دفاع پیروان راستین سوسیالیسم علمی از انقلاب ایران شود، اعلام کردند:

"عمل قدیمی و کهنه کار روسیه (حزب توده) و سرسپردگان نوپای آن (چریک‌های اکثریت) به دستیاران و همکاران صمیمی مستبدین در اعمال و سرکوب و عملیات تروریستی علیه توده‌ها و نیروهای سیاسی استقلال طلب تبدیل گشته‌اند." (رنجبر - شماره ۱۵۷ - ۱۴ بهمن ۱۳۵۹)

"رنجبری"ها، بعد از آنکه در سطور بالا به ناسزاگویی و افترا زنی "معمولی" خود به پیروان راستین سوسیالیسم علمی ادامه دادند، در "اجلاس کمیته مرکزی" خود، که شرح آن در همین مقاله آورده شده، پیروان راستین سوسیالیسم علمی به اضافه "جنبش مسلمان مبارز" را با جزای که در حاکمیت شرکت دارند، افزودند و افزودند:

وقتی متوجه شدند که هیچگونه تحریک و شانتاژی نمی‌تواند مانع دفاع پیروان راستین سوسیالیسم علمی از انقلاب ایران شود، اعلام کردند:

"عمل قدیمی و کهنه کار روسیه (حزب توده) و سرسپردگان نوپای آن (چریک‌های اکثریت) به دستیاران و همکاران صمیمی مستبدین در اعمال و سرکوب و عملیات تروریستی علیه توده‌ها و نیروهای سیاسی استقلال طلب تبدیل گشته‌اند." (رنجبر - شماره ۱۵۷ - ۱۴ بهمن ۱۳۵۹)

"رنجبری"ها، بعد از آنکه در سطور بالا به ناسزاگویی و افترا زنی "معمولی" خود به پیروان راستین سوسیالیسم علمی ادامه دادند، در "اجلاس کمیته مرکزی" خود، که شرح آن در همین مقاله آورده شده، پیروان راستین سوسیالیسم علمی به اضافه "جنبش مسلمان مبارز" را با جزای که در حاکمیت شرکت دارند، افزودند و افزودند:

"حزب آمریکا ساخته و پیکر پرداخته" رنجبران "این وحدت نظر را با امپریالیسم در جبهه متحد ضد انقلاب حفظ کرد. در ۳ خرداد در قیام مسلحانه علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران شرکت کرد و از آن پس نیز در همه توطئه‌ها علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در داخل و خارج کشور شرکت کرده می‌گردد. نمونه یکی از این توطئه‌ها را از زبان "سیس"، سازمان دانشجویی "حزب رنجبران" در خارج از کشور، به نقل از اعلامیه مورخ ۳۱ ژوئن ۱۹۸۱ (۳ تیر ۱۳۶۰) بخوانید:

در هفته سوم ماه ژوئن اغلب دانشگاه‌ها در کشورهای مختلف بخصوص آلمان و ایتالیا، صحنه مبارزه کوبنده دانشجویان بر علیه حامیان رسوا شده رژیم استبدادی ایران است... موج وسیعی از مبارزات دانشجویان آزادخواه سراسر خارج از کشور رافرا گرفته است... و بدین ترتیب بود که نقاب از چهره "حزب رنجبران" گاملا برافتاد و این حزب آمریکا ساخته و پیکر پرداخته، که در ابتدا با پنهان شدن زیر نقاب "تنامریکا، نه روسیه" توانسته بود، اعتماد برخی از نیروهای مسلمان انقلابی را جلب کند، کاملاً رسوا شد.

با دریده شدن نقاب از چهره این بانده مزدور متحد بنی صدر فراری، باردیگر تاریخ نشان داد، آنها که پیروان راستین سوسیالیسم علمی را ریاکار و مردم فریب می‌خوانند، در واقع صفات خود را به انقلابیون واقعی نسبت می‌دهند، تا خلق را گمراه کنند و در لحظه لازم خنجر را از پشت فروبیاورند. و این خنجر کاری نخواهد بود، مگر هنگامی که در میان نیروهای خلق و مدافع انقلاب شکاف و تفرقه باشد. و درست به همین خاطر است که "حزب رنجبران" بخش عمده نیروی خود را به ایجاد تفرقه بین نیروهای طرفدار انقلاب اختصاص داده است.

"حزب آمریکا ساخته و پیکر پرداخته" رنجبران "این وحدت نظر را با امپریالیسم در جبهه متحد ضد انقلاب حفظ کرد. در ۳ خرداد در قیام مسلحانه علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران شرکت کرد و از آن پس نیز در همه توطئه‌ها علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در داخل و خارج کشور شرکت کرده می‌گردد. نمونه یکی از این توطئه‌ها را از زبان "سیس"، سازمان دانشجویی "حزب رنجبران" در خارج از کشور، به نقل از اعلامیه مورخ ۳۱ ژوئن ۱۹۸۱ (۳ تیر ۱۳۶۰) بخوانید:

در هفته سوم ماه ژوئن اغلب دانشگاه‌ها در کشورهای مختلف بخصوص آلمان و ایتالیا، صحنه مبارزه کوبنده دانشجویان بر علیه حامیان رسوا شده رژیم استبدادی ایران است... موج وسیعی از مبارزات دانشجویان آزادخواه سراسر خارج از کشور رافرا گرفته است... و بدین ترتیب بود که نقاب از چهره "حزب رنجبران" گاملا برافتاد و این حزب آمریکا ساخته و پیکر پرداخته، که در ابتدا با پنهان شدن زیر نقاب "تنامریکا، نه روسیه" توانسته بود، اعتماد برخی از نیروهای مسلمان انقلابی را جلب کند، کاملاً رسوا شد.

با دریده شدن نقاب از چهره این بانده مزدور متحد بنی صدر فراری، باردیگر تاریخ نشان داد، آنها که پیروان راستین سوسیالیسم علمی را ریاکار و مردم فریب می‌خوانند، در واقع صفات خود را به انقلابیون واقعی نسبت می‌دهند، تا خلق را گمراه کنند و در لحظه لازم خنجر را از پشت فروبیاورند. و این خنجر کاری نخواهد بود، مگر هنگامی که در میان نیروهای خلق و مدافع انقلاب شکاف و تفرقه باشد. و درست به همین خاطر است که "حزب رنجبران" بخش عمده نیروی خود را به ایجاد تفرقه بین نیروهای طرفدار انقلاب اختصاص داده است.

بافت شوم استبداد، با قدرتی است

بدرود این مکتب و تقویم جمع کثیری از بیشتر از عناصر و برکشیده می‌شود. (فروردین ۱۳۶۰)

"... دارو دسته حزب الهی قدس (بلندگوی حزب فاشیستی جمهوری اسلامی در خارج)، ایادی حزب توده و فدائیان اکثریت آماج حملات دانشجویان قرار گرفتند." (همانجا)

و بدین ترتیب "رنجبری"ها، هنوز که هنوز است، با حملات فاشیستی و تبلیغاتی وسیع همراه و همزمان با دستگاه‌های تبلیغاتی امپریالیسم در خارج و داخل کشور، می‌کوشند تا مانع از اتحاد همه نیروهای مدافع انقلاب در میهن ما شوند. این عمل آنها تافقی نیست. جاسوسان کهنه کار "رنجبران" می‌دانند که ناقوس مرگ آنها و اربابان نشان تنها با اتحاد همه نیروهای انقلابی و مردمی زیر رهبری امام خمینی ناوخته می‌شود.

"... دارو دسته حزب الهی قدس (بلندگوی حزب فاشیستی جمهوری اسلامی در خارج)، ایادی حزب توده و فدائیان اکثریت آماج حملات دانشجویان قرار گرفتند." (همانجا)

و بدین ترتیب "رنجبری"ها، هنوز که هنوز است، با حملات فاشیستی و تبلیغاتی وسیع همراه و همزمان با دستگاه‌های تبلیغاتی امپریالیسم در خارج و داخل کشور، می‌کوشند تا مانع از اتحاد همه نیروهای مدافع انقلاب در میهن ما شوند. این عمل آنها تافقی نیست. جاسوسان کهنه کار "رنجبران" می‌دانند که ناقوس مرگ آنها و اربابان نشان تنها با اتحاد همه نیروهای انقلابی و مردمی زیر رهبری امام خمینی ناوخته می‌شود.

کنفدراسیون دانش آموزان و دانشجویان ایران

Member Chapter in USA, W. Germany, Italy, Sweden, Turkey, England, Canada, France, Austria

حساب بانکی Deutsche Bank, Konto Nr. 5831904, B.L.Z. 370 700 60, 5000 Köln 41

آدرس پستی Postfach 100406, 5000 Köln 1, W. Germany, Tel: 0221/132217

CONFEDERATION OF IRANIAN STUDENTS

در مراسم با دارو دسته‌های قدس حزب توده و فدائیان اکثریت و نگران دانشجویان آزاده‌ها در تهرودستگیر شدند!

در حالیکه بر منجم حاکم، زخم خورده و پیریشان، برای خفه کردن صدای مردم، هر روز دسته دیگری از انقلابیون و آزادیخواهان را در مقابل جبهه‌های آتش قرار میدهند. موج وسیعی از مبارزات دانشجویان آزاده‌ها و سراسر خارج از کشور رافرا گرفته است. سرگرای دهها تظاهرات، تحصن، اعتصاب غذا و سایر اشکال مبارزانه‌های رژیم ایران در کشورهای مختلف توسط کنفدراسیون جهانی و دیگر نیروهای جنبش دانشجویی خارج از کشور سوسونه‌های زنده‌ای از رشد و گسترش مبارزات دانشجویی خارج از کشور است. همبانی این مبارزات در سطح دانشگاه‌ها سیرا رومسته حزب الهی قدس (بلندگوی حزب فاشیستی جمهوری اسلامی در خارج)، ایادی حزب توده و فدائیان اکثریت آماج حملات دانشجویان قرار گرفتند. هنگامی روزها فزون حزب توده و فدائیان اکثریت با رژیم جنایتکار ایران و در این رابطه اعتراضات آتکار کمیت مرکزی حزب توده همکار می‌شوند با دستگاه‌های امنیتی ساوا و ماه سپورشن‌های تبلیغاتی و بگردار آزادیخواهان، به خنجر و نفرت دانشجویان از این دارو دسته‌های خود فروش افزوده است. در هفته سوم ماه ژوئن اغلب دانشگاه‌ها در کشورهای مختلف، آلمان و ایتالیا، صحنه مبارزه کوبنده دانشجویان بر علیه حامیان رسوا شده رژیم استبدادی ایران است... موج وسیعی از مبارزات دانشجویان آزادخواه سراسر خارج از کشور رافرا گرفته است... و بدین ترتیب بود که نقاب از چهره "حزب رنجبران" گاملا برافتاد و این حزب آمریکا ساخته و پیکر پرداخته، که در ابتدا با پنهان شدن زیر نقاب "تنامریکا، نه روسیه" توانسته بود، اعتماد برخی از نیروهای مسلمان انقلابی را جلب کند، کاملاً رسوا شد.

تبلخ علیه اتحاد نیروهای انقلابی

"حزب رنجبران" بر بنیاد رهنمود - های "سیا" و "پکن" پیوسته در صدد بود تا بهر شیوه ممکن، از قبیل شانتاژ، تحریک، دروغ باقی و نیرنگ زنی، مانع از ایجاد جبهه متحدی از نیروهای مدافع انقلاب شود. هسته اصلی این کوشش عبارت بود از مانع‌تاز اتحاد میان نیرو - های طرفدار سوسیالیسم علمی و مسلمانان انقلابی پیرو خط امام. این "سیاست" حزب رنجبران "از آغاز توطئه امپریالیسم برای سرنگونی دولت شهید رجایی و جایگزینی لیبرال - ها بجای آن، شدت بیشتری گرفت:

در روزهای اخیر، هر ساعت در سراسر میهن زخم خورده و پهلوی بیرون آمده، رسمی مستبدین مکتبی فتنه تاپاسدار و کمیته انقلابی مسلمان و جنبش و تداوم انقلاب، انجام می‌پذیرد. تشیع صفتی است، کوازی، دولت آقیسون رسمی صاحب منصب و ران راهچون وسیله عود به قدرت بلا مانع معین توده‌ها و پویشش و استبداد بکار گرفته و این که اکثریت عظیم که همچنان برچم گرفته‌اند و به نا - جنبانکاران تریستن لایحه ترور از سر راه باز. (رنجبر - ۱۳۶۰)

آنچه در باب "سیا" است حزب آمریکایی - چینی "رنجبران" آمد، تنها سیاست این حزب نبود. جان نشین کردن شوروی بجای آمریکا، متهم کردن نیروهای راستین سوسیالیسم علمی به خرمنه و نفوذ و کودتا، و دروغ پراکنی درباره خطر موهوم شوروی و حزب توده ایران، مخالفت با بازرگانی خارجی و تفرقه افکنی بین نیروهای مدافع انقلاب، نقشه دستگاه‌های جاسوسی امپریالیسم، به سرکردگی آمریکا است که "رنجبر" یکی از مجریان آن بود، بنی صدر یکی دیگر، لیبرال‌ها سومی و... با داریت و قاطعیت این نقشه شوم رانقش بر آب کنیم.

و نام آن را "جبهه متحد ارتجاع" گذاشتند (البته افتخار این نامگذاری قبل از "حزب رنجبران" به مسعود رجوی خائن تعلق دارد) و سپس دستور براندازی آن را دادند. از این پس (یعنی از مقطع وارد شدن توطئه امپریالیسم برای بقدرت کامل رساندن بنی صدر در رأس جبهه متحد ضد انقلاب به مرحله "عمل") حزب

سیاسی با دارو دسته کیانوری حزب توده و دارو دسته با اصطلاح "اکثریت" کشتگر - نگهدار سازمان چریک‌های فدائشی خلق همسراه و هم سرنوشت شده‌اند، از لحاظ طبقاتی و اجتماعی از منافع مشتکی کوچک، بورژوازی بوروکراتیک تازه به دوران رسیده دفاع می‌کنند. (همانجا)

جاسوس‌های کهنه کار "حزب رنجبران"

"حمایت باند کیانوری در حزب توده از انحصار طلبان سرسخت... و همچنین همسویی عجیبی که بین مواضع سیاسی این دو گروه پدیدار گشته است، هر روز تعداد وسیع تری از مردم و نیروهای سیاسی را بخود مشغول می‌سازد... همه می‌پرسند چگونه است گروهی که داعیه "اصالت مکتبی" را دارد و خود را تنها وارث و نماینده انقلاب اسلامی، نه شرقی، نه غربی ایران می‌داند... با یک دارو دسته مزدور وابسته که بزرگترین افتخارش نوکری امپریالیسم روس و هدف اعلام شده‌اش وابسته کردن میهن ما به این ابر قدرت جنایتکار است، از در دوستی در

حزب رنجبران



رهبر "جبهه ملی - میهنی افغانستان":

از اتحاد طبقات و قشرهای انقلابی مانند مردمک چشم خود حفاظت خواهیم کرد

پایه گذاری "جبهه ملی-میهنی افغانستان" بدون شک، مهم ترین رویداد داخلی تابستان امسال در کابل بود. ۹۴۰ نماینده های که در اوایل تابستان در کنگره مؤسسان این "جبهه" شرکت کردند، هفته هاست که در شهرها و روستاهای افغانستان، به توضیح ماهیت و هدف های "جبهه ملی-میهنی افغانستان" مشغولند.

گون زندگی می کنند. به گفته صالح محمدزیری:

"ما به سنتی، کاپیان در طول تاریخ پدید آورده اند، احترام می-گذاریم و طبیعتاً در تشکیل کنگره مؤسسان جبهه خود به انتخاب نمایندگان قبیله ها از سوی "جرگه" (شورای سنتی قبیله ها) توجه کردیم. ما برای تبلیغ اصول جبهه خویش

گران بریتانیایی، شخصیت های برجسته ای به دفاع از منافع مردم برخاسته اند.

زیری بعنوان مثال به نمایندگان جنبش "جوانان بیدار" اشاره می کند، که در سالهای ۱۹۴۶/۴۷ تاسیس یافت. از صفوف نیروهای بورژوا - دمکرات افرادی چون ژنرال کهن سال فاتح محمد و سیاستمداران نامداری

وی می افزاید که، ارتجاع و امپریالیسم، در هراس از اتحاد هر چه بیشتر مردم در راه پیشبرد هدف های انقلاب ملی-دمکراتیک، حملات خود را - چهره شکل تخریب ایده - ثلویژیک وجه از راه ترور - گسترش بخشیده اند. از این روست که ارتجاعیون چندی پیش به قتل جنین-آمیز فاتح محمد دست زدند. قاتلین این میهن دوست سرشناس کسانی جز اشرا بانند گلبدین حکمت یار نبودند.

اما ضدانقلابیون افغانی از این تبه کاری های تروریستی بهره ای نخواهند برد. مردم افغانستان در نبردهای بیشتر خود با دشمنان امپریالیسم پرورده به تجربیات کار-آئی دست یافته اند.

به گفته صالح محمدزیری: "ارتش و یگان های پلیس ما همراه با میلیس های مسلح شب و روز آماده دفاع از دستاوردهای انقلاب هستند. این آمادگی در کنگره مؤسسان "جبهه" مانیز عیان بود.

رئیس "جبهه ملی - میهنی افغانستان" در پایان افزود:

"برای محافظت مسلحانه از انقلاب و سیاست هم پیمان جویی فعال دوروی یک سگ هستند. هر انقلابی، که از اتحاد طبقات و قشرهای انقلابی، مانند مردمک چشم خود، حفاظت نکند، در معرض خطر خواهد بود. تجربه ما در مرحله نخستین انقلاب نیز این واقعیت را به ثبوت رسانید. از این روست که چنین به اتحاد ارج می نهیم و همه کوشش خود را برای تحکیم "جبهه ملی-میهنی افغانستان" بکار خواهیم برد.

است. تجربه گذشته به ثبوت رسانده است که نه چریمه و حراج و نه پند و اندرز و خواهش و تمنا قادر نیست راه بر غارتگری ببندد. برای این کار باید امکان غارتگری را از غارتگران گرفت، باید وسیله استثمار را از کفشان ربود، یعنی کسل سیستم استثمار و غارتگری را در هم کوبید. نخستین گام در راه این دگرگونی اساسی خلع ید از سرمایه داران وابسته و ایجاد شبکه توزیع تعاونی و دولتی است.

گسترش شبکه تعاونی های توزیع در سراسر کشور گام مهمی در راه جلوگیری از گرانی و ایجاد ثبات واقعی در قیمت ها است. ایجاد تعاونی ها میتواند نه فقط دست سرمایه داران وابسته، بنکدارها، محتکران و واسطه ها را از توزیع کالاهای اساسی کوتاه کند، بلکه در راه سودجویی و زیاده طلبی توزیع کنندگان کوچک بخش خصوصی نیز، مانع ایجاد نماید و آنان را وادار کند، تا به سود عادلانه قناعت ورزند.

در کنار شبکه تعاونی های توزیع نباید صورت شبکه توزیع دولتی را از یاد برد. با ایجاد فروشگاه های بزرگ دولتی، دولت قادر خواهد بود، تا کنترل قیمت ها را همواره در دست داشته باشد و به سود مصرف کنندگان کمبودهای مصنوعی و سوء استفاده ها جلوگیری کند.

روزی که مبارزگانی خارجی به معنای واقعی دولتی شود و شبکه تعاونی ها بر کشور چتر بکشند، می توان امید داشت که مبارزگانی از دوش مردم مستضعف برداشته شود.



کارگران افغانستان هم با کار خود و هم با سلاح خود از انقلاب افغانستان دفاع می کنند.

چون هادی داوی و دکتر عبدالزهیر به "جبهه" پیوستند.

صالح محمد زیری تاکید می کند:

"تاسیس این جبهه وسیع ضریب ای سهمگین برپیکر ارتجاع و امپریالیسم است.

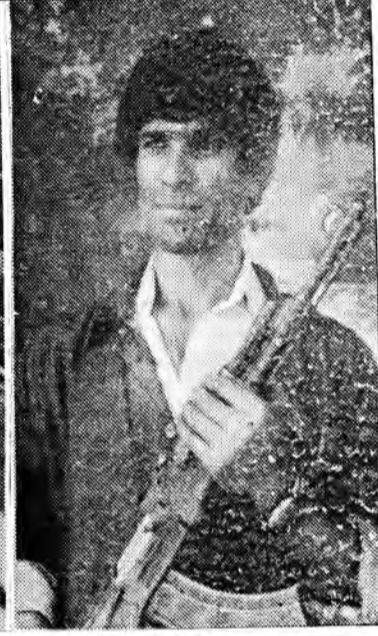
دیگر روشنفکران - به "جبهه ملی-میهنی افغانستان" پیوسته اند.

سیاستمدار افغانی درباره پدیده اخیر اظهار داشت:

"از هنگام استقلال کامل کشور ما در اوت ۱۹۱۹ از سیادت استعمار-

باروای قبیله ها همکاری نزدیک داریم.

محور اصلی "جبهه" را هم - پیمانی طبقه کارگر نوپای افغانستان با دهقانان این کشور تشکیل می دهد. از اینرو، سازمان های اینان - حزب دمکراتیک خلق افغانستان، سندبکاها



به گفته صالح محمدزیری، رئیس "جبهه" و عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب دمکراتیک خلق افغانستان در این باره، "اظهارات کارگران، دهقانان، پیشه وران و روشنفکران نشان می دهد که جبهه وسیع ما، چه پژواک گسترده ای در میان مردم داشته است."

این واکنش مثبت در کابل به منزله نقطه شروعی شایسته برای تقویت سیاسی و سازمانی اتحادی ارزیابی می شود، که در تاریخ افغانستان بی سابقه است.

پس از تشکیل کمیسیون های مرکزی برای ارتباط با سازمان های عضو، مسائل مالی و مناسبات بین - المللی، اکنون در بخش های گوناگون کشور پایه گذاری کمیته های استانی و محلی تدارک دیده می شود.

"جبهه ملی-میهنی افغانستان" در برنامه خود هدف خویش را اتحاد توده های وسیع مردم و همه میهن - دوستان افغانستان برای شرکت فعال در ساختن جامعه ای نو - بر پایه احترام به اصول اسلام و پان توجه به سنت های ویژه قبایل گوناگون کشور - اعلام می دارد. در افغانستان ۱۶ ملیت گونا-

ایجاد شبکه

بقیه از صفحه ۱

سرمایه داری، وابسته، به ویژه در بخش بازرگانی برجای ماند. اصل ۱۴۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تجارت خارجی را از عرصه های عمل بخش دولتی در نظر گرفت. در صورت دولتی کردن بازرگانی خارجی، آیت اله مشکینی سخن روشنی دارد:

"قانون اساسی در نظر گرفته است که اگر مالکیت را در صنایع سنگین، بانکداری و تجارت خارجی به بخش خصوصی واگذار کند، این امر موجب پیدایش یک نظام بورژوازی آمریکائی و امپریالیستی میشود، که جامعه را استثمار میکند. در نتیجه برای جلوگیری از این امر، قانون اساسی این گونه فعالیت های اقتصادی را دولتی اعلام کرده است."

اجرای این اصل اساسی کمی تواند منشاء دگرگونی بنیادی در مناسبات سنتی بازار باشد، با کمال تأسف هنوز به اجراء در نیامده است. سنگ اندازی و کارشکنی در اجرای این اصل مهم، تا آنجا پیش رفت که حتی پس از تصویب قانون اساسی، مخالفان تعابیر گوناگونی از ملی شدن ارائه دادند، به گونه ای که "شورای نگهبان" ناگزیر از موضع گیری شد و تعبیر درست خود را از ملی شدن، که همان دولتی شدن است، اعلام نمود.

ایجاد "مراکز تهیه و توزیع کالا"، که از ابتکارات دوران وزارت بازرگانی رضا صدر است، به مثابه نخستین گام در راه دولتی کردن بازرگانی خارجی و انمود شده به بیانه عدم اطلاع و پیشینه دستگاه دولتی در واردات کالا، این مراکز بدست بازرگانان بزرگ سپرده شد، که کار واردات کالا را تا مرکز کشور برعهده گیرند.

و نسق کافی هم برخوردار نیست، ولی گام موثری در راه توزیع عادلانه برخی از کالاها بود. ماست. علاوه بر این، دولت برای جلوگیری از گرانی بر ستادهای مبارزه با گرانی فروشی متبکی است، که قطعاً نمی توانند از تاثیر کافی برخوردار باشند.

ستادهای مبارزه با گرانی فروشی که با دریافت جریمه و حراج کالای گرانی فروشی، سعی دارند راه را بر گرانی پر شتاب سد کنند، هیچگونه موفقیتی نداشته اند. مبارز مبارز گرانی فروشی از طریق جریمه و حراج، میتواند جزئی از برنامه جامع مبارزه با گرانی و

عوارض این پریشانی است که با آنکه آهن از نخستین کالاهائی بود که به "مراکز تهیه و توزیع کالا" سپرده شد، اکنون آهن کیلویی ۵۵۰۰ ریال به بهای ۲۰۰۰ ریال به دست مصرف کنند می رسد. و به گفته شهید رجائی، سودیک تاجر آهن طی یکسال ۱۵۰ میلیون تومان بوده است!

علت وجودی شرکت های تعاونی سد بستن بر رقابت های سودجویانه و تسری روح همکاری و مشارکت در میان سرمایه های کوچک، به منظور اعتدال تولید و برقراری نظم عادلانه در توزیع، با هدف رفاه مصرف کننده



است. اما یکی از سوء استفاده هایی که اینجا و آنجا از شرکت های تعاونی شده است که خود بازرگانان بزرگ عامل تشکیل چنین شرکت هایی بوده اند، و در نتیجه مانع از تحقق اهداف مردمی تعاونی ها شدند و لذا گرانی ادامه یافته است.

اقدامات دولت برای مبارزه با کمبود کالا و تعدیل قیمت ها به طور عمده بر سه پایه بندی کالا استوار است، که با آنکه هنوز تمام کالاهای اساسی مورد نیاز مردم را در برنگرفته و از نظم

گران فروشی را تشکیل دهد، اما نمی تواند اساس این برنامه باشد، زیرا اولاً دولت نیروی انسانی لازم برای کنترل گرانی فروشان را، که در سراسر شهرها و روستاها پراکنده اند، در اختیار ندارد و مجازات چند گرانی فروشی، حتی در کوتاه مدت هم موجب عبرت سایر گرانی - فروشان نمیشود، و ثانیاً به فرض آنکه ستاد مبارزه با گرانی فروشی در این بیان شهر بر کنترل خود، کالاهای راه شهرهائی را در پیش میگیرند که هنوز در آنجاها کنترل برقرار نشده

است. اما یکی از سوء استفاده هایی که اینجا و آنجا از شرکت های تعاونی شده است که خود بازرگانان بزرگ عامل تشکیل چنین شرکت هایی بوده اند، و در نتیجه مانع از تحقق اهداف مردمی تعاونی ها شدند و لذا گرانی ادامه یافته است.



بررسی کتاب

منطق آقای فرانک

تقریباً

مترجم: محمد قاضی

نویسنده: مالاپارته

یکی از کتابهای داستانی خوب و حتی بسیار خوب (کما قای محمد قاضی ترجمه کرده است) کتاب نویسنده ایتالیایی مالاپارته بنام "تقریباً" است.

ترجمه، شاید یکی از موفق ترین ترجمه های مترجم باشد، که همگی آنها مرغوب و خوب است.

با آنکه نویسنده در سال ۱۹۵۷ میلادی درگذشته، او را باید از بنیان گذاران "رمان امروزی" دانست، زیرا تخیل هنری او (مانند همکاران بعدی آمریکای لاتینی اش) صاف و ساده گاه شگفت انگیز است؛ تمام مکانیسم فنی رمان در زمان خود تازگی داشت و هنوز هم دارد. رمان از جهت شکل و مضمون برجسته است.

موضوع داستان به کوتاهی، مشاهدات مالاپارته در دوران جنگ جهانی دوم در جبهه و پشت جبهه است، منتها او، که در واقع یک نویسنده انقلابی است، آن موقع بظواهر امر بی طرف ایتالیایی بوده و بعنوان روزنامه نگار و نویسنده ای که به جبهه رفت و آمد داشته، مورد اعتماد بوده و مثلاً از کاخ پرنس تونژ سوئد گرفته، تا محل آقای فرانک، فرماندار کل نازیها در لیپستان اشغالی، یا دستگاه آنتونسکو در رومانی همه جا راه می یافته.

پنج سال حبس کشیدنش (بعنوان یک مبارز انقلابی) مدتها بود که فراموش شده بود. ولی خودش (بدون سست بیانی نسبت به عقاید انقلابی خود) بظاهر دم فرو بسته و در محافل فاشیستی آلمان و ایتالیا بدون اشکال رفت و آمد میکرد.

بعین ترتیب، مالاپارته جنگ را از آنسوی دیگرش دیده است، و این دیدگاه خاص، همراه با طرز فوق العاده بدیعی نویسنده، یادداشت های جالبش را تنظیم کرده، "تقریباً" را به یک سند کم نظیر تبدیل می کند و چهره گرایی فاشیسم را، که امروز با نوع "آمریکائیش" سر و کار داریم، خوب نشان می دهد.

بعین مطلب کاری نداریم. منظور ما فقط بیان یک نکته از این رمان پر موضوع و مفصل است و آن بخشی است مربوط به منزل فرانک، فرماندار مقتدر آلمانی لیپستان اشغال شده، در شهر ورشو، راجع به اردوگاه یهودیان.

در ورشو اردوگاهی ساختند برای مثلاً صد هزار نفر، ولی در آن بهش از یک میلیون ونیم نفر راجای دادمانند. یهودیان، آرزو و مرده، سالخورده و خردسال، در این اردوگاه، در کثافت خودلول می زنند، از بیماری و گرسنگی مثل مگس می میرند و در درون حصار بلند اردوگاه در انتظار مرگ حتمی بسر می برند.

سر بازان فاشیست بچه های یهودی را، که می خواستند گوشهای از حصار چوبی اردوگاه را سوراخ کنند و برای بدست آوردن چیزی، خودی به شهر برسانند، مانند یک موش حقیر با تفنگ شکاری می کردند. حتی خود فرانک یکبار در این تقریب لذت بخش "شکار بچه موشها" شرکت می کند.

حالا، در کاخ مجلل آقای فرانک هستیم. بر سر میز مفصل شام یک بحث "فلسفی" در گرفته، که چرا یهودیها چنین زندگی رقت بار و وحشتناکی دارند؟

حاضر، و از آن جمله آقای فرانک، معتقدند که مرگ و میزبانی یهودیها تقصیر خود آنهاست که کثیف اند و اصلاً

متعدن نیستند، و حال آن که آلمان ها متعدن اند. بله، یهودیها متعدن نیستند لذا مثل مگس دسته دست می میرند و نعش های تکید مولانا را یا ورم کرده آنها را باید هر روز، صد تا صدتا، بازگاری کرد و در خندق انداخت. خیر، خیر، ابتدا متعدن نیستند. تقصیر خودشان است!

چیزی که نظر را جلب می کند، این است که، این منطق آقای فرانک چقدر عمومیت دارد! مسلمانها همین منطق را آقای بگین امروز درباره فلسطینی های اردوگاه های لبنان بگاری برد. از برخی از روزنامه ها و اوباز مالکن، خودمان بارها شنیده ایم کمی گفتند: چه فایده دارد، آقا، برای این دهاتی های حاصص حمام درست کنیم. اینها به کثافت عادت دارند و بی غسل گاوها و گوسفند هاشان می خوابند. چه فایده ای دارد برای چشم هاشان مدرسه بسازند. دهاتی جماعت ترجیح می دهد بجاش راه بزجرانی بفرستد.

خلاصه فلسفه توجیهی قاضی برای جنابان رکفلرها، فرانکها، بگین ها، ریگان ها و همپا لکی آنها در همه جای دنیا، این است. آنها می گویند که: اکثریت جامعه بدبخت است، برای آنکه خودش خواسته و می خواهد بدبخت باشد. لیاقت خوشبختی را ندارد.

روزی یک خرده بورژوازی آلمانی می گفت: (پس از رویداد "یوم کیپور") میدانی چرا عربها از یهودیها شکست خوردند؟ برای آنکه یهودیها فسال و ساعی هستند و عربها تنبل! "عقیده ماو" این بود که استعمار دروغ است. آفتاب داغ و تنبلی ناشی از آن آفریقایی را فقیر و بدبخت نگاه داشته.

اگر دقت کنید، می بینید که این "منطق"، بعین معنی است که مختصات ابدی روحی انسانها و عوامل طبیعی تعیین کننده تغییر ناپذیر وی بر برگرد سرنوشت آنهاست، و شرایط نظام اجتماعی، بهره کشی، غارتگری، استعمار جنگ، ستم، تجاوز و غیره، ابدان نقشی ندارد.

این "منطق" دروغین را بی وقوی است. شاه سابق معتقد بود، کسانی که از بهره کشی و این قبیل مسائل صحبت می کنند حسودند! "چشم ندارند خوشبختی دیگران را ببینند!"

از یک آمریکایی ضد سیاه درباره سیاهان بپرسید: بنظر آنها سیاهان ذاتاً تنبل و لوس هستند و اصلاً بومی دهند و استعدادشان از حدود ورزش و جاز آنطرف تر نمی رود.

عیناً مثل آنکه شما کسی را در لجن زار هل بدید و بعد بگوئید: آه ببینید این آدم بی سلیقه چطور لباسهای خود را گلی کرده است!

آری منطق آقای فرانک به السوانه لطف جلوه گر می کند و این منطق اشتناک، اختراع دژخیمان جهانی است.

در کتاب مالاپارته مطالب ژرف و گریز یاد است و رمان اصولاً در سطح بالایی است، ولی وقتی انسان به این منطق آقای فرانک می رسد، دلش می خواهد مانند خودشان، که دمدم تکرار می کردند، بگوید:

"Sehr amüsant, nicht wahr!" (خوبی بامزه است، اینطور نیست!)

تحلیل حزب کمونیست مصر درباره رژیم آمریکائی مصر

انحمارات چند ملیتی سلطه خود را بر شئون مختلف اقتصادی کشور استوار کرده اند.

رژیم مصر برای کامیاب ساختن این توطئه، جنایتکارانه خود، بنداز پای نیروهای ارتجاعی برداشته است، به سازمان موسوم به "آخوان المسلمین" و همه سازمان های ارتجاعی، که با انقلاب ۲۳ ژوئیه و دستاوردهای آن مخالفند آزادی اجتماعات و تشکیلات و اطلاعات عطا کرده است. هدف دیگر این سیاست رویارویی با نیروهای مترقی است، که پیوند خود را با امر استقلال ملی و دستاوردهای انقلاب و حفظ مصر در بطن جهان عرب آشکارا اعلام کرده اند و از حقوق توده های زحمتکش دفاع میکنند به همین انگیزه است که رژیم سادات به گروه "آخوان المسلمین" آزادی فعالیت به ویژه در میان جوانان و دانشگاه ها عطا کرده است.

مسئولیت برخورد هائیکه بین قبطی ها و مسلمانان در یکی از محلات قاهره (الزواویه الحمراء) روی داده است، همانطور که کلیه گروه های مخالف تأکید کرده اند، بطور کامل بردوش حزب حاکم، حزب ملی دمکراتیک، بریاست سادات، سنگینی میکند، همینطور بر خورد های قومی دیگری که در اسکندریه و السیوط رخ داده، به علت روش حکومت و کوشش او بخاطر منحرف کردن اذهان ملت از مسائل اساسی مردم عادی یعنی از وضع دشوار اقتصادی، گرانی سرسام آور، تدلیس و اختلاس توسط باندهای حکومتی و اطرافیان آن و همچنین انحراف اذهان از وابستگی کامل مصر به امپریالیسم آمریکا و ایجاد پایگاه های آمریکائی و از تجاوز به جنبش های آزادی بخش عربی و آفریقائی و تهدید های دائمی علیه لیبی بوده است.

تدابیری که اخیراً حکومت مصر زیر عنوان و به بهانه نابین بردن بر خورد های قومی اتخاذ کرده، هدفی جز نابودی گروه های مختلف مخالفان حکومت راتعیب نمی کند. هنگامیکه منابع دولتی اعلام میکنند که ۱۵۰۰ تن را دستگیر کرده اند، منابع مخالفان عده دستگیر شدگان را بیش از ۵۰۰۰ ذکر میکنند. این دستگیر شدگان که سرگرایش های مختلف سیاسی تعلق دارند عبارتند از: کمونیست ها، ناصر یست ها، وفدیسیت ها، مستقل ها و جریانات مذهبی آنها متعلق به لایه ها و اصناف متفاوت و تندرهربران سندیکائی، کارگران، دانش جویان، وکلای دادگستری، پزشکان، استادان دانشگاه جوانان، زنان، افرادی از چهار گوشه کشور در میان آنان دیده می شود.

کار به همین جا خاتمه نمی پذیرد سادات تصمیم گرفته است که امتیاز انتشار چندین روزنامه و مجله را حذف کند. از آن جمله است روزنامه "الشعب" سخنگوی حزب کار سوسیالیستی،

حزب کمونیست مصر، که بر اثر سیاست ترور و اختناق رژیم سادات آمریکائی در شرایط مخفی برای استقلال و آزادی مصر از یوغ امپریالیسم و صهیونیسم مبارزه میکند، در باره اوضاع کنونی مصر تحلیل جالبی منتشر ساخته است. حزب کمونیست مصر در پایان این تحلیل از همه نیروهای دمکراتیک و ترقیخواه جهان خواسته است که اوضاع واقعی مصر را به آگاهی توده های وسیع مردم کشور خود برسانند تا رژیم کنونی مصر بداند که تنها در سطح کشور مصر یا در سطح کشورهای عربی، بلکه در میان توده های مردم سایر کشورها نیز منفرد شده است، تا آنکه مردم و نیروهای دمکراتیک و ترقی خواه مصر مراتب همبستگی و برادری مردم سایر کشورها را نیز احساس کنند در پی همین انفراد رژیم آمریکایی - صهیونیستی مصر است که در هفته گذشته سادات خائن پاداش خیانت خود را با استقلال و آزادی مردم مصر و آلمان ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی مردم عرب دریافت نمود و بدست میهن پرستان مصر بگور فرستاده شد.

اوج جنبش های اعتراضی و نیز نابودی سادات نشانه های طبعی استخیز مردم در آینده نزدیک است. برای بدست دادن تصویری روشن از مصر، در زیر خلاصه ای از تحلیل حزب کمونیست مصر درباره اوضاع کنونی این کشور از نظر خوانندگان گرامی می گذرد.

حکومت کنونی مصر، که به امپریالیسم آمریکا و به محافل اسرائیلی وابسته است، در این اواخر تدابیر جدیدی را برای نابود کردن مخالفان رژیم، مخالفان قرارداد کمپ دیوید و "عادی ساختن" روابط با اسرائیل، مخالفان حضور نظامی آمریکا و منفرد شدن مصر در جهان عرب و تخریب مناسبات حسنه با اتحاد شوروی دیگر کشورهای سوسیالیستی اتخاذ کرده است. این سیاست رژیم مصر موجب وابستگی کامل کشور به امپریالیسم آمریکا در زمینه های سیاسی و اقتصادی شده و منجر به اطاعت بی چون و چرا از تمایلات و خواست های اسرائیل گردیده است. یکی از این خواست ها نابود کردن هرگونه مخالفت داخلی و خفه کردن هر صدای مخالف با سیاست اسرائیل و حتی با اندیشه صهیونیستی است.

پس از کودتای ماه مه ۱۹۷۱ رژیم کنونی میگوید تادستاوردهای انقلاب ۲۳ ژوئیه را از بین ببرد و همه اقدامات و تدابیر ترقیخواهانه را نیست و نابود کند. اقتصاد ملی ما در حالت ورشکستگی به سر میبرد. سیل کالاهای خارجی به سوی مصر روان است و

بنیادهای

بقیم از صفحه رادامور کشاورزی با کشور شما افزایش دهیم (۱۳) و معاون وزیر دارائی رومانی در تشریح بیشتر این موضوع، در گفتگویی با خبرنگار خبرگزاری پارس، گفته است: "مبادلات بین دو کشور پایا پای خواهد بود و بر این اساس رومانی می تواند به ایران کالاهای سرمایه های تراکتور، ماشین آلات کشاورزی، لوازم یدکی، مواد دارویی و پلاستیکی صادر کند و در مقابل از ایران نفت، منسوجات، خشکبار، پنبه و کلکوخه های معدنی وارد کند" (۱۴)

یعنی تنها تریبون مخالفان، که تا کنون مجاز شمرده میشد، قبل از آن، از راه توقیف های پیاپی، روزنامه "الاهالی" را عملاً بسته بودند. این روزنامه سخنگوی حزب اتحاد ملی ترقیخواه وحدت طلب بود. از آن گذشته، تدابیر سادات انتقال عده زیادی از روزنامه نگاران به پست های اداری فاقد هرگونه ارتباط با توده مردم و ممنوعیت آنها از نوشتن و ابراز عقیده را در بر میگیرد. به منظور فلج کردن مخالفان خود، سادات دستور داد که اموال و متعلقات گروهی از افراد، سازمان ها و نهادها را مصادره کنند. عده ای از استادان دانشگاه از مناصب خود معزول شده اند، زیرا با "عادی ساختن" روابط با اسرائیل مخالف بوده اند و نمیخواستند هیچگونه مذاکره و ارتباطی با دانشگاه های اسرائیل داشته باشند.

عمل خطرناکتر سادات آن است که آداب و رسوم کلیسای ارتدکس مصر را زیر پا گذاشته، پاپ چنودا، رهبر روحانی مارک مقدس و رهبر کلیسا را از منصب خود منصرف کرده است. این اقدام یک مداخله غیر قابل قبول در امور کلیسا است. سادات همچنین پاپ چنودا را به اقامت اجباری در یکی از صومعه های مصر واداشته است، که این عمل مساوی با زندانی کردن اوست. یک چنین اقدامی نتیجه ای جز فتنه انگیزی بین مسلمانان و مسیحیان نخواهد داشت و برخورد های قومی را تشدید خواهد کرد. هدف رژیم از این عمل غوطه ور ساختن کشور در نفاق و دودستگی و انحراف توجه مردم عادی از مسائل اساسی کشور و ادامه سیاست سرکوب و ترور علیه مخالفان رژیم و سیاست داخلی و خارجی آن و وابستگی آن به امپریالیسم آمریکا است. مقصود از تمام تدابیر سادات آنست که مانع پیشروی قاطعانه احزاب و سازمان ها و شخصیت های مخالف دولت و مانع از همکاری آنان برای تشکیل یک جبهه نجات میهن بشود. هدف این اعمال رژیم ممانعت از ایجاد جبهه میهنی و دمکراتیک است.

حزب کمونیست مصر اولین سازمانی است که در مصر پارزیم سادات مخالفت کرده و از همان آغاز نقشه های رژیم را به منظور وابسته کردن مصر به امپریالیسم آمریکا و نابود کردن استقلال اقتصادی و تبدیل آن به عامل فرمان بردار سرمایه داری انحصاری جهانی فاش کرده است. حزب کمونیست مصر نخستین سازمانی است که برای تشکیل یک چنین جبهه میهنی و دمکراتیکی، که قدرت را از حکومت کنونی بازستاند و کوشید ماست و خواهد کوشید.

تشبیه و تحکیم و گسترش انقلاب اصول فوق را به طور کامل بکار گیریم.

- زیر نویس ها: (۱) و (۲)، کتاب "جنبش های رهایی بخش خلق های عرب"، صفحات ۴۱ و ۴۲ (۳)، همانجا صفحه ۳۹ (۴)، همانجا صفحه ۳۷ (۵)، همانجا صفحه ۴۱ (۶) و (۷)، همانجا صفحه ۳۶ (۸) و (۹)، همانجا صفحه ۷۲ (۱۰) و (۱۱)، همانجا صفحه ۷۴ (۱۲)، روزنامه اطلاعات، ۳۰ شهریور ۱۳۶۰، صفحه ۲ (۱۳) و (۱۴)، روزنامه اطلاعات ۹ مهر ۱۳۶۰، صفحه ۲

با تحکیم و تقویت صف متحد نیروهای مردمی و ضد امپریالیستی جبهه متحد ضد انقلاب را در هم شکنیم!



### احزاب، جمعیت‌ها، سازمان‌ها...

## بازداشت شدگان مصری عضو شورای جهانی صلح را آزاد کنید!

اعلامیه مشترک سازمان جوانان ترقیخواه ترکیه (ایگد)،

فدراسیون جوانان دمکرات عراق

و سازمان جوانان توده ایران

## تجاوز عراق به جمهوری اسلامی ایران جزئی از توطئه امپریالیسم، به سرکردگی آمریکای جنایتکار، برای براندازی انقلاب ایران است

مادستاوردهای مردم و جوانان افغانستان را می ستائیم.

ما همبستگی خود را با مبارزات مردم و جوانان قبرس اعلام می کنیم. دیکتاتوری نظامی حاکم بر ترکیه، از ۱۸ سپتامبر ۱۹۸۰ تاکنون، سیاست سرکوب و ستم را بر مردم و نیروهای مترقی ترکیه اعمال می کند. دارودسته نظامی هوادار امپریالیسم و انحصارات، به بهانه مقابله با تروریسم "چپ" و فاشیسم، لبه تیز تهاجمات خویش را علیه طبقه کارگر، خلق کرد، جوانان ترقیخواه و همه نیروهای دمکرات متوجه ساختار است. دستگیری های خود-سرانه، شکنجه، محاکمه های غیر-دمکراتیک، سلب حقوق شهروندان، ستم و تعقیب، روز بروز گسترش می یابد. ولی، سازمان جوانان ترقیخواه ترکیه (ایگد)، علیرغم این تهاجمات سبانه، به مبارزه در راه تأمین حقوق جوانان، دمکراسی، استقلال ملی، صلح و ترقی ادامه می دهد. جوانان مترقی و دمکرات منطقه و جهان همبستگی خویش را با مبارزات دمکراتیک مردم و جوانان ترکیه افزایش می دهند.

در جهان امروز، میان امپریالیسم و ارتجاع از یکسو و خلق های جهان، که برای صلح، دمکراسی، ترقی اجتماعی و سوسیالیسم می رزمند از سوی دیگر، مبارزات حاد در جریان است. امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، با تشدید تجاوزگری، گسترش سلاح های مخرب و ایجاد مناطق تشنج و بحران، صلح جهانی و بقای بشریت را مورد تهدید قرار می دهد. در چنین شرایطی، جوانان ما همبستگی عمیق خود را با مبارزه کشورهای سوسیالیستی، به ویژه اتحاد شوروی، نیروهای مترقی کشورهای سرمایه داری و جنبش های رها نای ملی در راه کاهش و خاتم اوضاع بین-المللی، صلح و ترقی اجتماعی اعلام می دارند و دوش به دوش همه خلق های صلح دوست برای شکست توطئه های امپریالیسم می جنگند. نسل ما نسل پیروزی های بزرگ خلق ها است. ما به همراه دیگر جوانان مترقی جهان، که در فدراسیون جهانی جوانان دمکرات متحد شده اند، حمایت قاطع خویش را از جوانان و خلق های صلح دوست علیه امپریالیسم می رزمند و عزم راسخ خود را برای مبارزه در راه صلح، دمکراسی و ترقی اجتماعی اعلام می داریم.

منطقه ما - خاورمیانه - در این مبارزه جای مهمی دارد. امپریالیسم به منظور اعاده مواضع از دست رفته اش و تداوم سلطه و غارتگری، سیاست تجاوزکارانه اش را در منطقه تشدید کرده است. طرح های خراب-کارانه و جنایتکارانه امپریالیسم شکل های مختلفی به خود می گیرد: توطئه کمپ دیوید، حضور مستقیم نظامی در خلیج فارس و در پایگاه های ترکیه، مصر، سومالی، عمان، دیه کوکارسیا، عربستان سعودی و غیره. امپریالیسم در اجرای طرح های خود بر اسرائیل و دیگر نیروها و رژیم های ارتجاعی منطقه متکی است و می کوشد، تا از طریق انعقاد پیمان های نظامی و سیاسی، این طرح ها را به پیش برد. تجاوز رژیم عراق به جمهوری اسلامی ایران جزئی از توطئه امپریالیسم، به سرکردگی آمریکا، برای براندازی انقلاب ایران است.

جوانان ما همبستگی خود را با مردم و جوانان فلسطین، به رهبری سازمان آزادی بخش فلسطین، در مبارزه برای تعیین سرنوشت و استقرار دولت مستقل فلسطین، با پیکار مردم و جوانان مبارز لبنان و با مبارزه مردم و جوانان کشورهای منطقه خلیج فارس اعلام می دارند. مادستاوردهای جمهوری دمکراتیک خلق چین را می ستائیم. ما از تلاش های کشورهای جنبه پایداری در دفع تهاجمات امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع حمایت می کنیم.

حوادث ماه های اخیر نشان می دهد که توده های وسیع مصر در مخالفت با قرارداد ننگین کمپ دیوید و عواقب نکبت بار آن پیوسته بیشتر و انبوه تر به میدان مبارزه روی می آورند. آنها کناره گیری مصر را از جنبه مشترک ضد صهیونیستی و تنها گذاشتن مردم آواره فلسطین را در رویارویی با اسرائیل غاصب همچون خیانتی آشکار محکوم می کنند. آنان نمی خواهند کشور خود را جولانگاه غارتگری سرمایه های انحصاری و شرکت های چند ملیتی همدست اسرائیل یا پایگاه سلطه نظامی - سیاسی امپریالیسم آمریکا در منطقه ببینند. آنها نمی خواهند بیش از این شاهد انهدام دستاوردهای انقلاب رهایی بخش ناصری باشند.

به همان اندازه که موج مخالفت با سیاست ضد ملی و نظامیگری افسار گسیخته سادات معدوم و بندوبستش با امپریالیسم جهان خوار آمریکا و اسرائیل بالایی گرفت، برخشونت سرکوب آزادی و رژیم ویرانگر نژادپران افزود می شد و سازمان های اجتماعی، سیاسی، سندیکایی، دینی و فرهنگی

کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران (پیروکنگره چهارم) طی اعلامیه ای نسبت به اقدامات ضد انقلابی فتوایها و خوانین در منطقه کرد نشین آذربایجان غربی هشدار داد. در قسمتی از این اعلامیه آمده است: گذشت پانزده ماه نشان می دهد که قاسم و گروه های متحدش بر خلاف ادعاهای عوام فریبانه شان، نه تنها دشمن امپریالیسم، دشمن آمریکا و دشمن رژیم های ارتجاعی و دیکتاتوری نیستند، بلکه عملاً با آنها در سنکرواحدی قرار گرفته اند و منطقه تحت نفوذ آنها جدا از مناطق اشغالی و سیلفا شستهای بعث و جدا از پایگاه های امپریالیسم در منطقه نیست.

دمکراتهای راستین، از آنجا که پیروزی برای امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا را زمینه ساز تأمین استقلال واقعی و اجرای هر گونه تغییرات بنیادی اقتصادی و اجتماعی ارزیابی کرده و تحقق هرگونه خواست روای انسانی و ملی را تنها در گرو طرد نفوذ امپریالیسم و ابیادی منطقه ای و داخلی اش می دانند، از این رو از اعلام نظریات و مواضع به بعد، عملاً هرگونه گرایشات انحرافی و تنگ نظرانه را کنار گذاشته و به عنوان یکی از نیروهای اصلی مبارزه با شیطان بزرگ رامقدس ترین و مهمترین وظیفه خود تلقی می کنند. در تعقیب این هدف پر ارج است که طی این مدت اعضاء و هواداران ما از جانب ضدانقلاب

ترقیخواه ملی - مورد پیگرد پلیس مصر - عبدالسلام الزیات، معاون سابق نخست وزیر، رئیس انجمن دولتی مصر با اتحاد شوروی که اخیراً از سوی سادات منحل شده است، لطیفه الزیات، استاد دانشگاه، رئیس کمیته مصری دفاع از فرهنگ ملی، دکتر میلاد هانا، استاد دانشگاه، دکتر محمد احمد خلف الله، معاون سابق وزارت فرهنگ، دکتر فواد مورسی، اقتصاد دان، استاد سابق دانشگاه، وزیر سابق، حامد زیدان، روزنامه نگار، سر- دبیر هفته نامه الشعب (که اخیراً بدستور سادات توقیف شده است)، عضو کمیته مرکزی حزب کارگری. جمعیت ایرانی هواداران صلح سیاست سرکوب میهن دوستان و مبارزان راه استقلال مصر و مخالفان توطئه آمریکایی - اسرائیلی کمپ دیوید را قویا محکوم می کند و خواستار آزادی فوری همه زندگان زندانی بویژه اعضای مصری شورای جهانی صلح می باشد. جمعیت ایرانی هواداران صلح ۱۳۶۰/۷/۱۸

### هشدار کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران (پیروکنگره چهارم) درباره:

## فعالیت های ضد انقلابی فتوایها و خوانین

### در آذربایجان غربی

وسيلة آنها بر کسی پوشیده نیست. ماضن هشدار به مسئولین صادق جمهوری اسلامی ایران در زمینه این توطئه، از دهقانان و ارتین اصلی زمین و صاحبان انقلاب می خواهیم بیشتر از پیش متحد و آگاهانه عمل کرده و از استقرار مجدد خان خانگی جلوگیری نمایند. در شرایطی که مجلس شورای اسلامی اجرای قانون اصلاحات ارضی و فروپاشی نظام بزرگ مالکی را به میان می کشد و گفته تاریخی امام: "ما مالکین بزرگ را به پای میز محاکمه می کشیم"، زینت بخش روزنامه ها می گردد. در شرایطی که میلیون ها میلیون دهنقان خان گزیده محروم خواستار کوتاه کردن دست بزرگ مالکان می گردند، متاسفانه هستند عناصری که از تجربه تلخ صلح نمودن فتوایها درس لازم را نگرفته اند، بدون شک احیاء و صلح نمودن خانها علی است نه در جهت تأمین منافع انقلاب مستضعفین، نه در جهت توجه به تاکیدات مکرر امام خمینی که: "انقلاب مستضعفین است بلکه عملی درست در جهت عکس آن است...

باید از تجربه همکاریهای پیروز مندان اخیر در جهت گسترش هر چه بیشتر همکاری نیروهای مردمی با نهاد های انقلابی بهره گرفت. باید با وحدت و تجهیز هر چه بیشتر مدافعین راستین انقلاب، با بر آوردن خواست های روای مردم کردستان بر مبنای پیام تاریخی ۲۶ بان ماه امام خمینی، با بر آوردن خواست توده های دهها میلیون مستضعف و مردم، ضد انقلاب را خلع سلاح کرده و پایگاه های داخلی آن را متلاشی ساخت. شکست باند قاسم و متحدین رنگارنگش، پیروزی انقلاب و نیروهای مردمی در کردستان است. به پیش در جهت تحکیم هر چه بیشتر وحدت نیروهای مدافع انقلاب! کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران (پیروکنگره چهارم) ۱۳۶۰/۶/۲۲

انواع شکنجه ها، حبس، تبعید و اعدام را پذیرا شده اند. پیروان کنگره چهارم از ۲۵ خرداد ۵۹ تمامی توش و توان خود را بدون قید و شرط در خدمت پیروزی انقلاب مردمی و ضد امپریالیستی و در خدمت جمهوری اسلامی قرار دادند. متاسفانه نقش نفاق افکنانه ضد-انقلاب کمین کرده در دستگاه های حساس جمهوری اسلامی و نقش ترمز کننده لیبرالها مانع از آن شد که از نیروی مردمی دمکراتهای راستین و از اعلام موضع ما استقبال شود...

مدعیان حاکمیت از حقوق خلق کرد باند قاسم و گروهک های انقلابی نازل سلما س تا اشنویه ثابت کرد که دمکرات های راستین نه در حرف بلکه در عمل آماده جانبازی در راه انقلاب و آماده پاکسازی منطقه از گروهک های بعث زده و آمریکا زده هستند. پیروزی های کم سابقه در کوتاه ترین مدت و با حداقل تلفات نشان می دهد که اگر از روز اول به دمکرات های راستین، به نیروهای و اقتصاد مدافع انقلاب و به مردم در طرد باندهای خیانت پیشه تکیه می شد اثری از ضدانقلاب و متحدین بعث و آمریکا در این منطقه نبود. متاسفانه هنوز دستهای ناپاکی علیه وحدت عمل و مبارزه مشترک نیرو های مدافع انقلاب سم پاشی می کنند و تخم شک و تردید می کارند. کم نیستند فتوایها و خوانینی که بنا به ماهیت ضد مردمی خود جهت مقابله با انقلاب مستضعفین ایران تازه، در فکر ایجاد شورای عشایری در منطقه کرد نشین آذربایجان غربی می باشند، تا ضمن ضربه زدن به وحدت نیروهای راستین مدافع انقلاب دوباره به ساط قلدیری راهپن کرده و بر دهقانان، یکی از ستونهای مهم انقلاب زورگویی کنند. بدون شک گردانندگان چنین شورایی را کسانسی تشکیل می دهند که سابقه وابستگی آنها با طاغوت و دستگاه های خبرچینی اش سابقه دشمنی آنها با انقلاب، سابقه آواره کردن هزاران خانواده دهقان محروم

ما جوانان منطقه را به تشدید مبارزه برای تأمین حقوق عادلانه خلق های منطقه قوامی خوانیم! زنده باد همبستگی جوانان و خلق های ما! زنده باد همبستگی جهانی ضد-امپریالیستی، صلح و دوستی! سازمان جوانان ترقیخواه ترکیه فدراسیون جوانان دمکرات عراق سازمان جوانان توده ایران نیمه ژوئن ۱۹۸۱



# امپریالیسم جنگ طلب آمریکا مسابقه تسلیحاتی را تشدید می کند

بر تیانچو تفنگ گاوچران سابق هالیوود و "گاخ سفیدگوشن امروزین، اکنون تیر و تیشه نیز افزوده شد. ماست که ریگان، یکمک آنها، بجان بودجه رفاهی آمریکا افتاده است. بیهود نیست که چندین هفته نام آمریکا، از جمله "یو. اس. نیوز اند رپورتر" "تبر" را مظهر سیاست بودجه دولت ریگان جلوه گر ساخته اند.

دولت ریگان در چارچوب مصطلح برنامه "احیای اقتصادی" و به بهانه مبارزه با تورم تداوم بر رویسی برای کاهش مصارف بودجه میزبان ۴۹۱۰۰ میلیون دلار در سال ۱۹۸۲ اندیشید ماست.

البته تبر دولت جمهوریخواه ریگان بیگانه متوجه همه گستره های اقتصادی نشده و برنامه های رفاهی تقریباً تنها هدف آن بود ماست. رونالد ریگان خیلی پیش، یعنی در سخنرانی ۲۸ دسامبر ۱۳۵۹ (۱۸ فوریه ۱۹۸۱) در اجلاس مشترک "سنا" و "مجلس نمایندگان"، وزارت - خانه های رابرتشورد، که در نظر داشت بودجه آنها را کاهش دهد. وی صریحاً یادآور شد که، تنها "وزارت دفاع" نه فقط از این برنامه کاهش این خواهد ماند، بلکه مصارف آن حتی افزایش خواهد پذیرفت.

دولت کنونی آمریکا پس از بازبینی بودجه نظامی دولت کارتر تصمیم گرفت که در "ترمیم آن"، به افزایش هنگفت این مصارف دست زند. در نتیجه مصارف نظامی در سال مالی جاری بالغ بر ۱۸۰۷۰۰ میلیون دلار خواهد شد. چنانکه کاسپار و این برگر، وزیر دفاع آمریکا، در گزارشی به "سوکمسیون دفاع کمیسیون تخصیصات مجلس نمایندگان" اظهار داشت، بودجه نظامی امسال ۴٪ فزون تر از بودجه مشابه، دولت پیشین خواهد بود. دولت آمریکا برای سال ۱۹۸۲ درخواست افزایش بودجه نظامی را به میزان ۴۶۰۰۰ میلیون دلار دارد، که کل بودجه نظامی آن کشور را به رقم بی سابقه ۲۲۶۳۰۰ میلیون دلار خواهد رساند. بگفته و این برگر، بودجه درخواستی ۱۵٪ بیش از پیشگام ۱۹۸۱ خواهد بود.

دولت ریگان نه تنها برای سال آینده، بلکه برای سالهای بعد نیز افزایش پیوسته بودجه نظامی را در نظر گرفته است.

برای نمونه، انتظار می رود که بودجه نظامی آمریکا در سال ۱۹۸۴ به ۲۴۹۸۰۰ میلیون دلار و در سال ۱۹۸۶ به ۳۶۸۰۰۰ میلیون دلار برسد، که دو برابر بیکره فعلی خواهد بود.

تا اینجانب تنها به جنبه کمی یا حسابی سیاست بودجه دولت ریگان پرداختیم. اما بیکره های نامبرده نمی توانند کیفیت مرحله جدید مسابقه تسلیحاتی را، که این دولت در صدد آغاز آنست، به طور کامل منعکس نمایند. تنها یادآوری - شوم که در سال ۱۹۶۵، یعنی در اوج جنگ ویتنام، بودجه نظامی ایالات متحده برابر با ۴۷۴۰۰۰ میلیون دلار بود. بنا بر این تنها "افزایش" بودجه ۱۹۸۲ "پنتاگون" نسبت به ۱۹۸۱ تقریباً کل بودجه ۱۷ سال پیش آنرا می پوشاند. حتی با در نظر گرفتن تورم، مصارف نظامی کنونی چندین برابر با رقم مشابه در سالهای ۶۰ می شود. مثالی دیگر می زنیم: در حالیکه در سالهای ۱۹۶۸-۱۹۵۹، ایالات متحده ۵۵۱۰۰۰ میلیون دلار به مصارف نظامی اختصاص داد، در دوران ۱۹۸۶-۱۹۸۲ که طول آن نیمه آسالیهای نخستین است، این مصارف بالغ بر ۱۳۰۰۰ میلیارد دلار خواهد بود.

دولت کارتر در بودجه سال مالی ۱۹۸۱/۲۴٪ مصارف دولتی را برای "وزارت دفاع" و دیگر نهادهای تسلیحاتی در نظر گرفته بود. اما دولت ریگان، در چارچوب سیاست نظامیگری شتابان خویش، در سال ۱۹۸۴ این درصد را به ۳۲/۴ خواهد رسانید.

اکنون باید پرسید که: این میلیاردها دلار به چه مصارفی خواهد رسید؟ و این برگر در این باره بی پروا سخن گفته است. بگفته او، بخش اعظم آنها برای "امروزین سازی نیروهای هسته ای" بکار خواهد رفت. و این برگر در این زمینه بویژه از موشک های "کروز" نام برد و پشتیبانی کماکان خویش را از موشک های "ام. ا. کس." نیز یادآور شد. در سال ۱۹۸۲، ۲۶۰۰ میلیون دلار برای این سیستم موشکی بکار خواهد رفت. فزون بر این، دولت آمریکا خواستار ۲۴۰۰

میلیون دلار دیگر برای تولید بمب افکن استراتژیکی جدید در سال ۱۹۸۲ شده است. چنانکه می دانیم نقشه های دولت آمریکا برای تولید و استقرار جنگ افزار - های نوترونی در اروپای غربی دیگر رازی گشود ماست.

در پس این مصطلح نقشه های "امروزین سازی" چیزی جز کوشش برای افزایش توان هسته ای ایالات متحده نهفته نیست. "واشنگتن هینوز اندیش" برهم زدن تعادل نظامی - استراتژیکی میان اتحاد جماهیر شوروی و سوئیالیستی ایالات متحده آمریکا، میان "پیمان ورشو" و "ناتو" را در سر می پرورد و خواهان کسب برتری نظامی بر اتحاد شوروی است. چنانکه و این برگر در یکی از سوکمیسیون های مجلس نمایندگان آمریکا بصراحت اعتراف کرد، بنظر او، در زمینه تمرکز در پایی هرگونه "برابری" و "تعادل" بی معنی است. به عقیده او و این برگر، برتری دریایی آمریکا شرط

بعضی از اقلام بودجه جدید نظامی مبالغ هنگفتی را برای تامین حضور نظامی آمریکا در دوردست ترین نقاط جهان، از جمله در خاورمیانه، خلیج فارس و آسیای

جنوب خاوری، در بر می گیرد. بهانه "امپریالیسم آمریکا حفظ به اصطلاح "منافع حیاتی" آنست. اما انگرشی

نزدیکتر بر این سیاست نشان می دهد، که "واشنگتن" در واقع برای پیشبرد هدف

های برتری جویانه و نظامی - استراتژیکی خود و دستبرد به منابع

طبیعی دیگر کشورها تلاش می ورزد، بی - دلیل نیست که الکساندر هیگ، وزیر

خارج آمریکا، در جلسه "کمیسیون امور خارجی مجلس نمایندگان"، در تاریخ ۲۷

اسفند ۱۳۵۹ (۱۸ مارس ۱۹۸۰) بضرورت

کک نظامی به "پاران" ایالات متحده

فعال سازی نیروهای مسلح و بازسازی توانایی ما برای دفاع از منافع حیاتی ماست."

بنابراین نباید در شگفت بود که در ۱۹۸۲، ۲۵۰۰۰ میلیون دلار تنها برای

تامین عملیات آتی سیاه ۲۰۰ هزار نفری "واکنش سریع" در نظر گرفته شده است.

هدف از اسراف هزاران میلیون دلار برای مصارف نظامی از سوی دولت ریگان چیزی جز تسریع مسابقه تسلیحاتی، برتری جویی، تدارک نظامی و شانناژ

هسته ای نیست. نماند که رونالد ریگان نمی داند هزار

میلیاردها دلار چقدر است، وی در سخنرانی در کنگره گفت:

"یک تریلیون دلار، یعنی به طول

۶۷ میل از اسکناس های ۱۰۰ دلاری!"

توصیف "تصورناپذیر" ریگان

همان اندازه در باره اسراف خوراها پول

مورد نظر اوصدق می کند که پیرامون سیاست آشکارا تجاوزکارانه دولت کنونی

آمریکا در سراسر جهان که البته سردمداران این کشور امپریالیستی

کستاخانه منکر آنند.

اشاره کرد، که از "نزدیکی جغرافیایی به

منابعی که اقتصاد ما نیازمند به آنست، برخوردارند". وی گفت:

"هدف از بودجه نظامی ترمیم یافته

لزام حفظ امنیت این کشور است. از سوی دیگر، دینیل گریهام، رئیس

پیشین "دایره جاسوسی نظامی" و مشاور نظامی ریگان، در مصاحبهای با "واشنگتن

استار" خواستار "برتری نظامی" آمریکا در کیهان شد.

دولت ایران متوجه انگلستان گردد. از این دیدگاه سیاست "موازنه منفی"، که مدرس در آن شرایط مطرح می ساخت، سیاستی مترقی، رزمنده و مثبت بود.

در دوران مصدق، سیاست "موازنه منفی" مضمون دیگری داشت. در آن زمان انگلستان به عنوان دشمن اصلی شناخته شده بود و مبارزه علیه این دشمن جریان داشت. شوروی در عوض در میان مردم ما دشمن شمرده نمی شد. زیرا جنگ دوم جهانی تمام تبلیغات ضد شوروی دوران رضا خان را بر باد داده بود. و اما آمریکا هنوز چیزی شبیه دولتی "دمکرات" و "خیراندیش" و مخالف استعمار در اذهان بسیاری از ایرانیان بود. در چنین شرایطی، مضمون سیاست "موازنه منفی" ضمن مبارزه رهائی بخش علیه انگلستان، خصومت بی جهت و مضر علیه شوروی، در عین صاف کردن جاده برای آمریکا بود. این سیاستی بود که از یک سو دشمن موهومی می تراشید و از سوی دیگر دشمنی را به عنوان دوست پذیرا می شد. این سیاست، قطع نظر از نیت طراحان ایرانی آن، در عمل سیاستی به سود آمریکا بود. در عمل هم مشاهده کردیم که خودداری دولت مصدق از ایجاد و پذیرش مناسبات دوستانه با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی، در عین مبارزه با انگلستان و در اوایل دوره رونی با آمریکا، باعث انزوی ایران و شکست جنبش گردید.

در شرایط کنونی سیاست "موازنه منفی" سیاستی، صد درصد آمریکایی است. این سیاست می گوید که شوروی نیز دشمنی است نظیر آمریکا و حتی بدتر و خطرناکتر از آن، زیرا دشمنی است "نزدیکتر". این سیاست شوروی را بعنوان دشمن مطرح می کند. تادشمنی آمریکا را در برده قرار دهد. دشمن موهوم می تراشد تا دشمن واقعی فراموش شود. "شوروی را مطرح می کند تا آمریکا منسی شود". بدتر از آن شوروی، را که دوست و حامی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است، دشمن معرفی می کند، تا شاید به حمایت او از انقلاب و رژیم خمینی پایان دهد. این همان خط برزیلنکی است.

## دوا بر قدرت (بقیه)

بقیه از صفحه ۳

برقرار کند و بدین وسیله آمریکا را از راه اروپا به ایران بازگرداند. بنی صدر نیز مانند همه دیگر لیبرال ها طرفدار سیاست "موازنه منفی" بود، تا بدینوسیله راه بازگشت امپریالیسم (اروپای غربی در وهله اول و سپس آمریکا را) هموار سازد.

## سیاست موازنه منفی

سیاست "موازنه منفی" مبتنی است بر نظریه "دوا بر قدرت"، مبتنی است بر فرض وجود دودشمن، که نباید بسود یکی به دیگری امتیازی داد، بلکه باید از هر دو به یک سان دوری جست، خصومت را میان آنها به یک سان تقسیم کرد.

در ایران سه بار این سیاست مطرح شده است، بدوران آغاز حکومت رضا خان به وسیله مرحوم سید حسن مدرس، بدوران حکومت دکتر مصدق بوسیله عناصر وابسته به "جبهه ملی" و بدوران دولت "گام به گام" بوسیله لیبرال - های خط برزیلنکی. ولی مضمون و هدف این سیاست "موازنه منفی" در دوران های سه گانه نامبرده، یکی نبود ماست.

مضمون و هدف سیاست "موازنه منفی" که مدرس مطرح ساخت، بطور عمدتاً ضد انگلستان و ضد استعمار انگلستان، ضد سیاست دنباله روی و فرمانبرداری از انگلستان بود. رضا خان را انگلیسها با کودتای نظامی بروی کار آوردند و او بعنوان عامل انگلستان خصم شوروی و لذا سیاستش ضد شوروی بود. انگلستان می خواست ایران را به صورت یکی از حلقهات زنجیر "کمربند صحنی ضد شوروی" در آورد و در آورد. مدرس، با طرح سیاست "موازنه منفی" برعکس در نظر داشت که انگلستان بعنوان دشمن اصلی شناخته شود و نوک پیکان مبارزه سیاسی

## آغاز کنگره جهانی زنان در پراگ

فریدا برائون، رئیس "فدراسیون بین المللی زنان دمکرات"، اظهار اطمینان کرد، که "کنگره جهانی زنان" خدمت ارزنده ای به مبارزه برای جلوگیری از جنگ و تقویت و پیشبرد صلح "خواهد نمود. فریدا برائون این سخنان را در "کنگره جهانی زنان" به زبان آورد، که روز پنجشنبه ۱۶ مهر ۶۰ در پراگ آغاز شد. زنان ۱۲۴ کشور در این کنگره شرکت دارند.

دکتر گوستاو هوساک، رئیس جمهور چکسلواکی در سخنرانی گشایشی خود گفت که "بهبود وضع زنان با پیکار همه نیروهای مترقی در راه صلح پایدار همپیوند است". لئونید برژنف در پیامی به "کنگره جهانی زنان" نوشت: "مهم ترین وظیفه ما در مرحله کنونی جلوگیری از دست یازی به جنگ افزارهای هسته ایست. مبالغ هنگفتی که برای تولید سلاحها تلف می گردد، می توانست بسود مردم بکار گرفته شود."

جز حق حاکمیت خود، نمی خواهیم. ما به گفته آیت الله منتظری "نمی خواهیم بدور خود دیوار بکشیم. ما اگر دست دوستی صادقانه ای بسوی مادران شد، آنرا می فشاریم چنین است مضمون سیاسی شعار "نه شرقی، نه غربی" مضمون این شعار هیچ ارتباطی با مضمون سیاست آمریکائی "موازنه منفی" ندارد. به هوش باشیم تا آمریکا فراموش نشود.

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی در خطبه نماز جمعه روز ۲۲ تیر ۶۰، ضمن نطق بسیار پر مضمونی از جمله به این نکته اشاره کرد و خط انحرافی که با اختیار آغاز شده با بنی صدر پایان گرفت هنوز هم به کلی از بین نرفته است.

دقیقا چنین است. رگه این خط انحرافی هنوز باقی است و مذبوحانه، یعنی با سرخستی ناشی از باس، مبارزه می کند. این خط هنوز کوشش دارد که شعارهای انحرافی سر زبان ها بیاندازد، دشمن موهوم برای انقلاب بترشد، "شوروی را باز مطرح سازد، تا آمریکا منسی شود" این دام هنوز بکلی برچیده نشده است و حتی متاسفانه، برخی از دولت مردان نیز گهگاه در آن می افتند و با این ناهوشیاری ناشی از پیشداوریها، کار تشخیصی مفروضی را که دانسته هنوز در صدد حفظ نقب هائی از خط برزیلنکی، هستند، دشوار می سازند.

این توصیه ارزنده حجت الاسلام، خونیها را لحظه ای نباید فراموش کرد که: بگذارید "مرگ بر آمریکا" بانگ انقلاب ایران گردد، تا هر خط انحرافی زود فاش و رسوا شود.

لیبرال ها رندانه کوشیدند و هنوز هم می کوشند که سیاست "موازنه منفی" را با شعار "نه شرقی، نه غربی" دارای یک مضمون معرفی کنند. این شرکد لیبرال ها تا حدودی متاسفانه موفق هم شده، ولی دیری نخواهد گذشت که بکلی افشاء خواهد شد، چنانکه هم اکنون تا حدودی افشاء شده.

سیاست "موازنه منفی" با شعار "نه شرقی، نه غربی" یکی نیست. سیاست "موازنه منفی"، در آخرین تحلیل، در واقع دوری از شوروی را به عنوان دشمن می خواهد محور سیاست رسمی قرار دهد. شعار "نه شرقی، نه غربی" "بدچنین هدفی را تعقیب نمی کند. مضمون واقعی شعار "نه شرقی، نه غربی" چیزی جز شعار استقلال نیست. این شعاری گوید که مانع به شرق و نه به غرب، نمی خواهیم وابسته باشیم. اگر شرق مناسبات خود را با ما بر مبنای احترام بی خدشه به استقلال ما و در جهت یاری به تحکیم استقلال ما، برقرار کند، ما با بانی نخواهیم داشت که باوی بهترین مناسبات را به سود استقلال خود بر قرار کنیم. با غرب هم به همین صورت منتها ما می - دانیم که غرب یعنی امپریالیسم چنین روابطی را دواطلبانه و با طیب خاطر بر قرار نمی کند. غرب، یعنی امپریالیسم در صدد استعمار دیگر کشورها از جمله کشور ما است. این واقعیت است. این تجربه ما است. معذالک اگر فلان دولت غربی نیز حاضر به برقراری رابطه مشخص با ما، با رعایت کامل استقلال ما و منافع متقابل عادلانه برای طرفین گردد ما با آن دولت را رابطه مشخص را برقرار می کنیم. ما چیزی جز استقلال خود،



اونیتا

ابزار آمریکا و آفریقای جنوبی علیه آنگولا

در پیوند با تهاجم گسترده نیروهای نژادپرست آفریقای جنوبی به آنگولا، باردیگر نام "یوناس مالیروساویم بی" سرکرد تروریست‌های آنگولائی "اونیتا" بسزبانها افتاد. به سخن دقیق تر، حتی چند هفته پیش از این تهاجم رسانه‌های گروهی ایالات متحده آمریکا میکوشیدند تا این نام را به سرزبانها ببندازند. همزمان با این کارزار "سیا" از برخی از محافل وزارت خارجه آمریکا این زمزمه بلند شده، دولت آمریکا قصد دارد، تا از "اونیتا" به حمایت رسمی بپردازد. یادآور می‌شویم که این جرگه ضدانقلابی پیوسته به کشتار و تخریب در روستاهای جنوب آنگولا اشتغال داشته‌است. در "واشنگتن" این راز پوشیده نمانده‌است که دولت ریگان در صدد است تا در سنای آن کشور پیشنهاد لغو باصطلاح "کلارک مدمنت" را مطرح سازد. این متمم قانون اساسی، که پنج سال پیش (۱۹۷۶) پس از شکست عملیات "سیا" علیه "مپلا" و دولت آنگولا به تصویب رسید، از جمله، همکاری با سرکرده "اونیتا" را منع می‌کند. از سوی دیگر، مطبوعات غربی جندی پیش‌درباره سفر جدید ساویم بی به ایالات متحده آمریکا خبردادند.

در بر توحملات گسترده نیروهای آفریقای جنوبی به آنگولا و اشغال بخشی از آن کشور و موضوعی خصمانه، ایالات متحده آمریکا در باره حل مسئله نامی بی در سازمان ملل متحد و دیگر پهنه‌های دیپلماتیک، چنین می‌نماید که دولت ریگان در جنوب آفریقا نیز تعرضی جدید را برای پیشبرد منافع تجاوزکارانه و چپاولگرانه امپریالیسم آمریکا آغاز کرده‌است. در این تعرض، کمندارک آن با سفر کراکر، معاون وزارت خارجه آمریکا، به جنوب قاره سیاه در اوایل بهار امسال شروع شد. ساویم بی و سازمان تروریستی او، "اونیتا" نقش خاص خود را یافته‌اند. اما برای درک بهتر این نقش "افتخار آمیز" قدری به عقب برگردیم: در پایان سالهای ینجاه و اوایل سالهای شصت، "یوناس مالیروساویم بی" در کشورهای غربی اقامت داشت و خویش را مائوئیست می‌خواند. وی در چین دوره آموزش نظامی را هم گذرانده بود.

ظاهرا بویژه هنگامی که کوشش "یکن" نشینان برای تفرقه اندازی میان "مپلا" و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی با شکست روبرو شد، آنها تلاش ورزیدند تا از طریق ساویم بی بر تحولات آنگولا دست اندازند. اما شواهد دیگری، از جمله بولتن اطلاعاتی مجله آمریکا "کاورت اکشن" (آوریل - مه ۱۹۷۹)، حاکی از آن است که ساویم بی در سالهای ۶۰ به پایگاه‌های جاسوسی غرب در تماس بود. ساویم بی نخست خود را در جنبش استقلال طلبانه آنگولا جا زد، بطور موقت به هولدن روبرتو (که بعد ها سرکردگی گروهی از تجزیه طلبان را بعهده گرفت و از خاک زئیر به خرابکاری علیه میهن دوستان راستین آنگولا می پرداخت) پیوست و بالاخره پانزده سال پیش (۱۹۶۶) خود سازمانی را بنام "اونیتا" پایه نهاد. عنوان "اتحاد بیسه" ملی برای استقلال کامل آنگولا ("اونیتا") جز سرپوشی برای گروهکی وابسته به امپریالیسم نبود. در واقع، هدف "اونیتا" آن بود، که از استقلال کامل آنگولا جلوگیری بعمل آورد. ساویم بی انقلابی خود را با کلمات قصار مائوئیستی می‌آراست. حتی برنامه "اونیتا" همانندی چشمگیری با "انجیل سرخ" مائوئیسم داشت.

"اونیتا" از آغاز تاسیس خود پیشرفت ستیز و دشمن سرسخت "مپلا" (جنبش خلق برای آزادی آنگولا) بود. ساویم بی و هولدن روبرتو نه تنها از هر گونه هماهنگی و همکاری موثر با "مپلا" در نبرد مسلحانه علیه استعمارگران پرتغالی خودداری می‌ورزیدند، بلکه بدان خیانت

نیز می‌کردند. نامه‌هایی موجود است که از همکاری ساویم بی با رژیم استعمارگر پرتغال سخن می‌گویند. این نامه‌ها پس از سرنگونی رژیم فاشیستی کیتانو در پرتغال کشف شد. در ۱۷ تیر ۱۳۵۳ (۸ ژوئیه ۱۹۷۴) و در مجله "فریک آزی" منتشر شد. برای نمونه، ساویم بی در نامه مورخ ۲ مه ۱۳۵۱ (۲۶ سپتامبر ۱۹۷۲) خود به ژنرال لوس کونیا، فرمانده کل ارتش استعماری پرتغال، خواستار گردید که در عملیات "آزادی بخش" در شرق آنگولا شرکت جوید و به تضعیف و نابودی "مپلا" کمک رساند. در این نامه وی پیشنهاد کرد که اردوگاه‌های "مپلا" در موزامبیکا منهدم شود. ساویم بی در نامه خود به ژنرال پرتغالی همچنین از خدمات تروریستی خود علیه یگان‌های "مپلا" و دیگر خود شیرینی‌هایش برای اربابانش دم می‌زند. فزون بر این، مکاتباتی میان ساویم بی و رامیرش داولیورا، فرمانده ستاد منطقه نظامی شرق، موجود است، از این مکاتبات، که در سالهای ۵۲-۱۳۵۱ صورت گرفت، چنین برمی‌آید که ساویم بی خیانت‌های خود را با جنایات‌های استعمارگران پرتغالی علیه "مپلا" هماهنگ می‌ساخت. وی با این خدمات میخواست شرایط "ناجنگداری" خود را در خیمه شب بازی "استقلال" فراهم آورد.

خیانتکاری ساویم بی در آن هنگام از آگاهی و حمایت "سیا" برخوردار بود. شعبات "سیا" در لوئاندا و دیگر کشورهای آفریقای با "پیده" (سازمان اطلاعاتی پرتغال) همکاری نزدیک داشتند. روز استقلال آنگولا نزدیک ترمی شد، فعالیت رخنه‌گرانه "سیا" هم گسترش بیشتری یافت.

چنانکه جان استاکول، مدیر شعبه "سیا" در کین شاسا (زئیر)، در کتاب خود بنام "در جستجوی دشمنان" می‌نویسد، عملیات تخریبی ایالات متحده آمریکا هفت سال پیش شروع شد. هدف از این عملیات آن بود، که از تشکیل دولت متمرقی "مپلا" جلوگیری به عمل آید. اما حوادث روندی دیگری یافت. "مپلا"، به رهبری دکتر نتو، در پرتو محبوبیت خود در میان مردم و حیثیت بین‌المللی خویش، از جمله در سازمان وحدت آفریقا، عضو بر حقوق دولت موقت شد، که در اوایل زمستان ۱۳۵۳ (ژانویه ۱۹۷۵) تشکیل گردید.

"اونیتا" و "فنلا" با آغاز جنگ تروریستی علیه "مپلا" در تابستان ۱۳۵۴ (ژوئن ۱۹۷۵) نشان دادند که قصد آنها تبدیل آنگولا به یکی دیگر از امارت‌های غربی است. تهاجم همزمان ارتش نژادپرست آفریقای جنوبی به نیروهای مسلح "مپلا" در آنگولا ثابت کرد که "سیا" این عملیات مدخله‌گرانه را با آفریقای جنوبی هماهنگ ساخته بود.

استاکول، در کتاب پیشگفته، از نقشه عملیاتی "سیا" علیه آنگولا پرده برداشت. به سفارش کلی، رئیس وقت "سیا"، تدوین یافت. همچنین به گفته استیون وایس من، که در ستاد سو-کمسیون کنگره ایالات متحده آمریکا برای آفریقا عضویت داشت، هم ساویم بی و هم روبرتو هولدن از آمریکا سلاح و تجهیزات دریافت می‌کردند. وایس من از رقم ۳۲ میلیون دلار نام می‌برد.

با این همه، در روز ۲۰ آبان ۱۳۵۴ (۱۱ نوامبر ۱۹۷۵) "مپلا" تشکیل جمهوری خلق آنگولا را اعلام داشت. در زمستان همین سال "فنلا" و "اونیتا" با شکست‌های نظامی سهمگین روبرو شدند در حالیکه "فنلا" می‌روبرتو هولدن پس از توسعه مناسبات میان آنگولا و زئیر پایگاه عملیاتی خویش را در کشور اخیر از دست داد، "اونیتا" به نامی بی‌عقب نشین

نزدیک به دو سال پیش (نوامبر ۱۹۷۹)، ساویم بی، بعنوان میهمان "فریدام هائوس" ("خانه آزادی") به نیویورک سفر کرد. (این موسسه بخاطر دسیسه‌پردازانه‌های ضد انقلابی‌اش در

ایالات متحده آمریکا هنوز که هنوز است "جمهوری خلق آنگولا" را به رسمیت نشناخته‌است. برخی محافل آمریکا هنوز خواب فروپاشی حاکمیت "مپلا" حزب کار را در سر می‌پرورند و چنانکه در جریان برخی محاکمات نیز فاش شد، خود دست‌روی سینه نگاه داشته‌اند. شعبه "سیا" در ونید هوک دا تا با "اونیتا" در تماس است

کرد، تا خویش را بیاری دستگاه جاسوسی و نیروهای مسلح رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی برای ادامه جنگ خرابکارانه علیه جمهوری خلق آنگولا آماده سازد.

از آن هنگام تروریست‌های "اونیتا" پیوسته در تهاجمات علیه قریه‌های آنگولا شرکت داشته‌اند و به کشتار پیران، زنان و کودکان و نابودی مدارس، تجهیزات پزشکی و کارخانه‌ها پرداخته‌اند.

بدینسان، سالهاست که سازمان تروریستی "اونیتا" دوش بدوش نیرو-های مدخله‌گر آفریقای جنوبی در حملات مکرر به آنگولا شرکت می‌کند. به نوشته "اینترنشنال هرالد تریبون" ۱۶-۱۵ فروردین ۱۳۶۰ (۵-۴ آوریل ۱۹۸۱): "این مدخله‌گماکان ادامه دارد. بصورت تهاجمات مرزی و پشتیبانی از جریک‌های ساویم بی"

نیروهای یگان‌های ویژه آفریقای جنوبی از "اونیتا" بمنزله پوشی برای عملیات خود استفاده می‌کنند. برای نمونه، گردان ۳۲ آفریقای جنوبی، که مزدوران خرابکار را در برمی‌گیرد حملات خود را بعنوان عملیات "اونیتا" جلوه‌گر می‌سازد.

در گزارش کمیسیون بین‌المللی، که در زمستان ۱۳۵۹ (ژانویه - فوریه ۱۹۸۱) برای بررسی جنایات رژیم آپارتید به جنوب آنگولا رفته بود، می‌خوانیم:

"تقریبا هر روز گواهان بودیم، که نیروهای مسلح آفریقای جنوبی به حمله مسلحانه و اشغال موقت مناطق آنگولایی (تا عمق ۱۵۰ کیلومتر) می‌پرداختند و حریم هوایی آنگولا را از پایگاه‌های خود در نامی بی‌انقض می‌کردند."

آشکار است که هدف از این جنگ اعلام نشده چیزی جز "فلج ساختن اقتصاد آنگولا، حفظ نامنی ولطمه وارد آوردن وثبات زدایی" این کشور نیست. این درست هدفی است که حکمرانان "پرتویا" و سیاستمداران ایالات متحده نیز در پیش دارند. از اینروست که "سیا" و "دونس" (اداره امنیت ملی)، "ساواک" (آفریقای جنوبی) پیوسته به هماهنگی نقشه‌های خود می‌بازند و می‌ورزند. همین جندی پیش فاش شد، که تئو چندازما موران بلند پایه "امنیتی" پرتویا به ایالات متحده آمریکا سفر کردند.

انگیزه "احیا"ی ساویم بی و اختصاص "نقش جدید"ی برای او از سوی ایالات متحده باید از یکسو در تحول متمرقی جمهوری خلق آنگولا و از سوی دیگر در رشد جنبش استقلال طلبانه نامی بی جویا باشد.

دولت ریگان در جنوب آفریقا نیز تعرضی جدید را برای پیشبرد منافع تجاوزکارانه و چپاولگرانه امپریالیسم آمریکا آغاز کرده‌است. "ساویم بی" سرکرده "اونیتا" و مائوئیست آنگولایی، سالهاست که جاسوس غرب است. سر جاسوس غرب در آنگولا انقلابیگری خود را با کلمات قصار صدر مائوئیستی آراست. برنامه "اونیتا" همانندی چشمگیری با "انجیل سرخ" مائوئیسم داشت. سالهاست که سازمان تروریستی و ضد انقلابی "اونیتا" دوش بدوش نیرو-های مدخله‌گر آفریقای جنوبی در حملات مکرر به آنگولا شرکت می‌کند. "ساویم بی" قرار است نقش سرهنگ حداد (لبنان را) را در جنوب آنگولا بازی کند.

اما این شکست بمعنای آن نبود که آمریکا و متحدان "پرتویا" بی آنها از دسیسه‌های خود دست برداشتنند. تهاجم دگر باره و گسترده‌تر آفریقای جنوبی این حقیقت را بشبوت رسانید. هدف از این تهاجمات آنست که در "منطقه ای آزاد" در نوار مرزی میان آنگولا و نامی بی حکومتی دست نشانده برپاست ساویم بی



ایجاد شود، که از یکسو به فعالیت‌های ثبات زدایانه علیه آنگولا دست زند و از سوی دیگر سعی در برابر مبارزات "ساویم" باشد. این دسیسه امپریالیستی چندان هم تازه‌گی ندارد و نمونه‌ها را در لبنان نیز می‌بینیم. در آنجا سرهنگ حداد، عامل "موساد" در نوار مرزی جنوب لبنان، در منطقه‌ای بین اسرائیل و بقیه لبنان نقش پیشقراول تجاوزکاران اسرائیلی را علیه جنبش مقاومت فلسطین و نیروهای مترقی-میهنی لبنان بازی می‌کند. آمریکا، آفریقای جنوبی و دیگر کشورهای امپریالیستی و تجاوزکار و دستیاران ارتجاعی تهاجم اخیر را به آنگولا از خبلی پیش طرح ریختند. بگزارش خبرگزاری الجزایر، در تاریخ ۱۲ فروردین امسال ژنرال واکر، کارمند بلند پایه دولت آمریکا و مقام عالی رتبه سابق "سیا" در خاک مراکش با ساویم بی ملاقات کرد. در آستانه آخرین تهاجم آفریقای جنوبی به آنگولا، بوتسوانا، زامبیا و زیمبابوه علیه هرگونه همدستی آمریکا با "اونیتا" به اعتراض پرداختند و نژاد خالت فاحش و گستاخانه در امور داخلی جمهوری خلق آنگولا خواندند.

ساویم بی



تفسیر وقایع

بقیما از صفحه ۵

بآب و تاب اطلاع دادند که چند هواپیمای ایرانی مخازن نفت کویت را بمباران کرده اند. تکذیب رسمی وزارت امور خارجه ایران نتوانست از حزارت رسانه های گروهی امپریالیستی بکاهد. جنجال بزرگی در پیرامون این مسئله پشاد.

بمباران کویت بی شک یک توطئه امپریالیستی است که بدست سرویس های جاسوسی غرب و اسرائیل شکل گرفته است. انتخاب کویت برای پیاده کردن این توطئه تصادفی نیست. امپریالیست ها بایک تیرمی خواهند چند نشان بزنند. کویت تا کنون در جنگ تحمیلی عراق موضع خصمانه اشکار نسبت به ایران نگرفته است. هر چند محمولات جنگی متعلق به عراق بصورت ترانزیت از خاک کویت میگذرد. اما عراقی ها وبخصوص آمریکایی ها تقاضای بیشتری از کویت دارند که رهبران کویت در برابر آن ایستادگی میکنند. کویت همچنین جزء آندستاز کشورهای عرب خلیج فارس است که نه تنها با اتحاد شوروی روابط دیپلماتیک دارد بلکه معتقد است که سایر کشورهای خلیج فارس نیز برای نشان دادن آنکه مستعمره انگلستان و آمریکا نیستند باید با اتحاد شوروی روابط سیاسی برقرار کنند.

امپریالیست های آمریکائی اگر بتوانند با ایجاد رعب و وحشت در کویت آن کشور را همچون عربستان سعودی زیر بال حمایت خود بکشند توفیق بزرگی حاصل کرده اند. نقش کویت در محاسبات آمریکاها بویژه در ارتباط با حوادثی که در عراق در شرف تکوین است پیوسته بالامیروود. صحنه سازی بمباران کویت میتواند در پیشبرد این سیاست موثر باشد. بیهوده نیست که رادارهای آمریکائی در

عربستان سعودی قبل از همه حتی مسیر پرواز هواپیماهای ایرانی را ثبت کردند و هیچ از روی این داده های موثق اعلام کرد که آن هواپیماها ایرانی بوده اند. اینکه "ملیت" این هواپیماها را آقای هیچ بوسیله رادار هایشان کشف کردند نوآوری جدیدی در تکنیک نظامی بود. زیرا رادارهای آمریکائی می توانند نوع و مسیر هواپیما را معین کنند اما تشخیص اینکه هواپیما را چه خلبانی (ایرانی یا اسرائیلی یا آمریکائی) اداره میکند. از معجزات خود آقای هیچ است که از تمام جریان قبلا خبر داشته و آنچه را که باید بگوید قبل از ثبت رادار ها نیز از بر بوده است. بمباران کویت از همان سری تحریکاتی است که قبلا بصورت بمباران تاسیسات اتمی عراق وشایعه خرید سلاح های اسرائیلی بوسیله ایران در سمت اهداف امپریالیسم آمریکا و اسرائیل انجام گرفت.

منظور از این تحریکات ایجاد تفرقه و نفاق در بین خلق های منطقه و جلوگیری از تشکیل جبهه متحد ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی خلق هاست. امپریالیست های آمریکائی و اسرائیلی در همان حال که سیاست تفرقه افکنی خود را حیل گرانه دنبال میکنند اتحاد خود را روز به روز محکمتر کرده و امروز دیگر به آن شکل اتحاد استراتژیکی داده اند. البته تیزبان اتحاد استراتژیکی نیز قبل از هر چیز رویارویی با انقلاب های منطقه بویژه انقلاب ایران است. مناخیم بکین در پایان سفر اخیرش به واشنگتن که در آن با اصطلاح همکاری استراتژیک بین دو کشور اعلام شد اظهار داشت یکی از موضوع های اصلی مذاکرات تشکیل نیروی مشترکی بود که بتواند پس از پایان حکومت خمینی در ایران جانشین آن گردد. شتر در خواب ببیند پنبه دانه. آرزوی بازگشت رژیم هوادار غرب در ایران یک لحظه از سر غارتگران آمریکائی و اسرائیلی بدر نمیروود. همه تحریکات و دسیسه های آنان نیز چهره داخل وجه در خارج کشور هدفی جز سرکوب انقلاب ایران و منزوی کردن آن و جلوگیری از سایر انقلابات ندارد. خوشبختانه آگاهی از رموز سیاست مزورانه امپریالیست ها و صهیونیست ها پیوسته به مقیاس وسیع تری در محافل دولتی و نهادهای انقلابی ایران رسوخ میکند. برای نخستین بار در تاریخ ایران سخنگوی سیاست خارجی کشور ما در سازمان ملل متحد خود را از صف دنیای ستم کنار کشیده و در صف دنیای محرومان و مستضعفان جای گرفته و از چهره ناپاک امپریالیسم و صهیونیسم نقاب برداشته است. این امیدوار کننده است و نوید میدهد که مسئولان سیاست خارجی ایران بتوانند ناپسامانی هایی را که اسلاف لیبیرال آنها بجای گذاشته اند سر انجام به سامان آورند.

در هفته ای که گذشت:

بند "ج" در آستانه تصویب

هفته گذشته، برای اولین بار، آقای سلامتی وزیر کشاورزی و عمران روستائی اعلام کرد: "قانون اصلاحات ارضی اسلامی در هیئت دولت مطرح شده و مراحل نهائی تصویب خود را طی می کند و انشاء الله به زودی به مجلس شورای اسلامی داده خواهد شد. بررسی این لایحه تقریبا در هیئت دولت تمام شده است. احتمالا طی هفت یا دوازده روز دیگر لایحه به مجلس داده خواهد شد" (اطلاعات ۱۲ مهر ۱۳۶۰)

همزمان با این سخنان نویسد بخش نمایندگان شوراهای اسلامی و روستاهای کشور که در یک سمینار سراسری شرکت کرده بودند، در قطعنامه خود خواستار خلع ید از فتووالها و بزرگ مالکان شدند. این زحمتکش محروم در ماده پنج قطعنامه خواست خود را چنین اعلام داشتند: "از آنجا که مبارزه با ظلم و فساد در مکتب عزیز ما از واجبات است، خواستار خلع ید از فتووالها و بزرگ مالکین ز الوصف و حاکمان آنها و اجرای هر چه سریعتر طرح اصلاحات ارضی اسلامی می باشیم" (اطلاعات ۱۲ مهر ۱۳۶۰)

این خواست هنگامی اعلام شد که حجت الاسلام مهدی کروی، سرپرست بنیاد شهید و نماینده مجلس شورای اسلامی در مصاحبه ای گفت: متأسفیم که تاکنون بند "ج" اجرا نشده است. خواسته ملت اجرای آن است و باید هر چه زودتر اجرا شود. صاحب نظران و روحانیست و فقهای متعهد و آشنا به مسائل اسلامی موافق اجرای آن هستند. نظر نیروهای مترقی روحانی و جو مجلس برای انجام این کار مستعد است (کیهان - ۱۲ مهر ۱۳۶۰)

امپریالیسم زاین هم

به لشکر کشی امپریالیسم های پیوست

امپریالیسم زاین بعد از اینکه قرارداد های خرید نفت با ایران را لغو کرد، با فرستادن یک ناو به خلیج فارس، رسماً به لشکر کشی امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران و افغانستان پیوست. خبرگزاری فرانسه هفته گذشته اعلام کرد: "نیروی دریائی زاین اعلام کرد به منظور حفاظت از ناوگان تجاری اش در خلیج فارس یک ناو گشتی به این منطقه گسیل داشت" (اطلاعات - ۱۱ مهر ۱۳۶۰) و به این ترتیب زاین ها هم بایک بهانه تراشی آماده شده اند تا مستقیماً با دیگر متجاوزان امپریالیستی در خلیج فارس همکاری نظامی کنند. آیا دیر باوران هنوز مجاب نشده اند که امپریالیسم، امپریالیسم است و نوع آمریکایی، با اروپائی و زاینی آن همه سر و ته یک کرباس است؟

نقش سرنوشت

بقیما از صفحه ۷

شرایط جنگ را برای تهی کردن کیسه بی رمق زحمتکش و کارگران مناسب یافتند.

اعتماد به طبقه کارگر و تشکلهای صنفی و شورائی و سیاسی آن

وثیقه پیروزی های بیشتر است

چنین است بیلان مختصر و محدودی از شرکت فعال طبقه کارگر در جریان یکساله کماز جنگ تحمیلی امپریالیسم آمریکا بوسیله صدام مزدور به کشور انقلابی ما میگذرد. باید گفت که این شرکت در حالی صورت گرفته، که طبقه کارگر ایران از فعالیت وسیع و گسترده تشکل صنفی و شورائی، که مسلماً میتواندست به شرکت طبقه کارگر در دفاع از انقلاب و پیروزی در جنگ ابعاد به مراتب عظیمتری ببخشد، محروم بوده است. متأسفانه برداشتهای نادرست بخشی از حاکمیت انقلابی، که بی جهت از تشکلهای صنفی، شورائی و سیاسی آزاد کارگران بیمناک

زمین، مانع حل مشکل مسکن

۴ میلیون نفر

مهندس مسعود سلیمیان معاون طرح و برنامه ریزی و شهرسازی وزارت مسکن اعلام کرد که برای مشکل مسکن، وزارت مسکن و شهرسازی حل مسئله زمین را در سرلوحه کار خود قرار داده است. او به این مسئله اشاره کرد که: "مشکل زمین هم اکنون افزایش یافته است. طاغوتی هائی که تا دیروز مخفی شده بودند، هم اکنون با احتکار زمین های اطراف تهران و داخل تهران چون گذشته به استفاده نامشروع خود و غارتگری های خود ادامه می دهند." (اطلاعات - ۱۲ مهر ۱۳۶۰) و تأکید کرد: "متأسفانه با وجود قوانین موجود در این مورد نمی توانیم کاری انجام بدهیم و متأسفانه وضع طوری شده است که بعضی از آنها از امکانات وام نیز می توانند استفاده کنند" (همانجا) معاون وزارت مسکن در همین مصاحبه افزود: "اخیراً لوایح زمین نیز در مجلس شورای اسلامی با اصلاحاتی به تصویب رسید، ولی در شورای نگهبان لایحه مرد شد" این اظهارات که در حساس ترین لحظات انقلاب ایران مطرح میشود، بیانگر این واقعیت است که علیرغم کوشش قابل تحسین نیروهای "خط امام" بار دلا چهره زمین در شورای نگهبان، نه تنها ۴ میلیون ایرانی که به قول معاون وزارت مسکن فاقد مسکن هستند، قادر نخواهند بود سر پناهی داشته باشند، بلکه زمین خواران دوباره جان گرفته اند و به غارتگری ادامه میدهند.

ما نیز مانند معاون وزارت مسکن امیدواریم، هر چه زودتر: "با وضع قوانین اسلامی و انقلابی جلوی غارتگران و زمین خواران را بگیرند و از این طریق مشکل مسکن را که سنگینی آن بطور عمده بردوش مستضعفین است، مرتفع سازند" (همانجا)

دوستان و دشمنان انقلاب

هفته گذشته فاش شد: "عراق و عربستان سعودی می کوشند آن دست از کشورهای عربی را که در جنگ تحمیلی بیطرف مانده یا جانب جمهوری اسلامی ایران را گرفته اند، وادار به تغییر موضع خود بسود عراق سازند" (آزادگان - ۱۱ مهر ۱۳۶۰)

افشای این خبر، همزمان با انتشار اخبار مربوط به رفتار دزخیمانه مأموران امنیتی عربستان سعودی، بار دیگر نشان داد که رهبران با اصطلاح "سودی" سعودی با انقلاب ایران دشمنی آشتی ناپذیر دارند.

در همین حال هیئت نمایندگان ایران کماز کنفرانس بین المجالس در هاوانا بازگشته بود اعلام کرد فیدل کاسترو بار دیگر پشتیبانی خود را از انقلاب ایران اعلام کرده است. دکتر خاتمی در مورد ملاقات با کاسترو گفت: "کاسترو، تروریسم و موج ترور هائی را که به وسیله منافقین

است، مانع از آن گردیده که از همه ظرفیت طبقه کارگر در تجهیز قوا علیه جنگ بهرم برداری شود و در نتیجه در تأمین پیروزی در جنگ تسریع شود.

لیکن امر اخیر، چنانکه پیداست، به هیچوجه از نقش و اهمیت موضع طبقه کارگر در جریان جلوگیری از توطئه امپریالیسم و ضد انقلاب نیگاهد. برعکس، باتمام قوا باید کوشید که طبقه کارگر ایران بتواند رسالت تاریخی خود را در تأمین پیروزی نهائی و قطعی انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران و پیروزی در جنگ عادلانه باتمام قدرت و وسعت انجام دهد.

گفتیم که هدف جنگ تحمیلی شکست انقلاب، طرد زحمتکش و بویژه طبقه کارگر از صحنه مبارزات سیاسی - اجتماعی در کشور ما بود. همانطور که دوران قبلی، یعنی دوران از پیروزی انقلاب تا شهریور ۵۹، با تحکیم موقعیت طبقه کارگر همراه بود، همانطور هم با اعتماد میتوان گفت که، علیرغم خواست سرمایه داری ایران و امپریالیسم جهانی، دوران یکسال جنگ تحمیلی نیز با تحکیم موقعیت مجموعه زحمتکش، بویژه طبقه کارگر ایران در انقلاب همراه بوده است. هم در این دوران است که جامعه انقلابی ایران نقش طبقه کارگر را در دفاع از انقلاب و دستاوردهای آن

این مدعیان ترقی خواهی در ایران صورت می گیرد دقیقاً دسیسه های امپریالیسم آمریکا دانست و آن را توطئه هائی برای مبارزه با انقلاب اسلامی ایران از سوی "سیا" و "شیطان بزرگ" تلقی کرد. جالب اینکه کسی که خود کانون انقلاب چپ در دنیا و وزنه ای در میان انقلابیون مارکسیست است، این گروهک های مدعی چپ روی و مبارزه با امپریالیسم را عوامل امپریالیسم و آمریکا به حساب آورد" (اطلاعات - ۱۱ مهر ۱۳۶۰) موضع گیری فیدل کاسترو، رهبران انقلاب کوبا و مقایسه آن با موضع گیری رهبران عربستان سعودی بار دیگر نشان می دهد که دوستان و دشمنان انقلاب ایران کیستند و ثابت می کند که صرف نظر از عقیده و ایدئولوژی، هر جا که مبارزان واقعی ضد امپریالیست هستند، دوستان انقلاب ایران را در همانجا باید یافت.

دیگ به دیگ

گروهی از "مبارزان افغانی برای ادامه مبارزه" از ظاهر شاه کمک خواسته اند. بنا به گزارش خبرگزاری ها: برخی از روسای قبایل افغانستان اواخر ماه گذشته در اجتماعي که در نزدیکی شهر کویت در پاکستان تشکیل دادند خواستار بازگشت ظاهر شاه به افغانستان و قبول رهبری مقاومت افغان توسط وی شدند. (اطلاعات - ۱۲ مهر)

وقتی این خبر افشاگر و بی نیاز از تفسیر منتشر و معلوم شد سرنخ جناح هائی از شورشیان افغانی در دست ظاهر شاه فراری در رم است، چند گروه "مبارز" دیگر افغانی به این امر اعتراض کردند و طرفداران ظاهر شاه را عوامل امپریالیسم خواندند. جالب این جاست که این معترضان یعنی رهبران حزب اسلامی جماعت اسلامی، حرکت انقلابی و کربوسن خالص، همان کسانی هستند که سال گذ به ملاقات کاتر و امسال به دست بوس سادات رفتند. اینجاست که دیگ به دیگ می گوید...

توطئه ضد انقلاب

در سیستان و بلوچستان

در یک درگیری که بین نیروهای ژاندارم و قاچاقچیان مسلح در حوالی ایرانشهر روی داد ۲۳ تن از ژاندارم ها به شهادت رسیدند. به گزارش روزنامه جمهوری اسلامی (۱۳ مهر ۱۳۶۰) در این درگیری که در منطقه کوهرکوه ایرانشهر روی داد، نیروهای انقلاب با محاصره قاچاقچیان موفق شدند تعدادی از آنها را به هلاکت برسانند و عده ای را دستگیر کنند.

این حادثه که چندمین در نوع خود است بار دیگر نشان می دهد که باند های مسلح قاچاق کما اغلب از افغانی های مهاجر تشکیل شده و توسط سازمان امنیت پاکستان سازمان داده شد و موصلح

می گردند، علاوه بر قاچاق، بعنوان نیرو های مسلح ضد انقلاب عمل می کنند. گسترش دامنه فعالیت این قاچاقچیان خبر از جدی تر شدن توطئه پاکستان در سیستان و بلوچستان می دهد.

بیشتر در یافته و به این واقعیت، که طبقه کارگر ایران اساسی ترین نیروی پایدار انقلاب ایران در برابر تجاوز امپریالیستی و دفاع از دستاوردهای انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی و اسلامی به رهبری امام خمینی است، بی برده است. در کابین واقعیت و اعتماد به طبقه کارگر و تشکل های صنفی و شورائی و سیاسی این طبقه نه فقط با منافع تثبیت و تحکیم و گسترش

انقلاب ضد امپریالیستی، مردمی و اسلامی به رهبری امام خمینی منافات ندارد، بلکه لازمه تأمین پیروزی نهائی و قطعی انقلاب است. نه رعایت حقوق قانونی طبقه کارگر در برخورد دارای تشکل صنفی، شورائی و سیاسی، بلکه زیرا گذاشتن این حقوق موجب خطرات جدی برای آینده و سرنوشت انقلاب عظیم ضد امپریالیستی و مردمی اسلامی ایران است. طبقه کارگر ایران به واقعیت آگاهی دارد و به همین

جهت تمام و کمال خود را در خدمت انقلاب قرار داده است. حاکمیت انقلابی نیز اگر می خواهد به وظایف تاریخی خود با موفقیت عمل کند، باید این واقعیت را بپذیرد و به طبقه کارگر بتواند صمیمی ترین و وفادارترین یار و یاور انقلاب تکیه نماید. هر برخورد دیگری به زیان انقلاب خواهد بود.



# وقایع مهم جهان در یک هفته

## وزیر خارجه سوریه :

### برای مقابله با امپریالیسم و صهیونیسم باید با اتحاد شوروی متحد شد

عبدالحلیم خدام، وزیر خارجه سوریه، گسترش همپیمانی استراتژیک ایالات متحده و اسرائیل را بعنوان "بزرگترین خطری که کشورهای عرب را تهدید میکند"، محکوم ساخت.

وزیر خارجه سوریه در مصاحبه‌ای با روزنامه "لبنانی" النهار گفت که "واشنگتن" می‌کوشد تا "اعراب را به تسلیم در برابر اسرائیل وادارد." به گفته عبدالحلیم خدام، مداخلات اسرائیل در لبنان از عادی سازی اوضاع در آن کشور جلوگیری می‌کند.

عبدالحلیم خدام خواستار تقویت اتحاد کشورهای عرب با اتحاد شوروی شد، "تا بدینوسیله بتوان به مقابله موثر با نیروهای امپریالیستی و صهیونیستی پرداخت."

یاسر عرفات، رهبر "سازمان آزادی بخش فلسطین" از گسترش همکاری‌های نظامی آمریکا و اسرائیل انتقاد کرد. وی گفت، کمابیش همکاریها پیش در آمد مداخلات بیشتر ایالات متحده در خاورمیانه خواهد بود.

به گزارش خبرگزاری "وفا"، رهبر "سازمان آزادی بخش فلسطین" امکان دخالت مستقیم ایالات متحده را در خاورمیانه نفی نمی‌کند.

### تروریسم اسرائیل در لبنان و علیه فلسطینی‌ها ادامه دارد

به گفته صلاح خلف، یکی از رهبران "سازمان آزادی بخش فلسطین" اسرائیل مسئول انفجارهای اخیر در لبنان است. او افزود که شارون، وزیر دفاع اسرائیل، در این اقدامات تروریستی شرکت مستقیم دارد. از ۲۶ تیر ۶۰ تا کنون حداقل ۱۴۰ نفر، از جمله کودکان، بر اثر این انفجارها به هلاکت رسیده‌اند.

صلاح خلف یادآور شد که "اسرائیل عجلتا حملات خود را به لبنان قطع کرده و بجای آن در داخل این کشور به جنگی جدید، یعنی جنگ تروریسم، مبادرت ورزیده است."

روز جمعه ۱۷ مهر ۶۰، مجید ابوشرا، سرپرست بخش اطلاعات "سازمان آزادی بخش فلسطین"، بر اثر انفجار بمبی در هتل خود در رم بدست عوامل اسرائیل به قتل رسید.

### ضد انقلابیون "همبستگی" خواستار استقرار سرمایه داری در لهستان هستند

خواستهای زحمتکشان لهستان را - دیدمی انکارند. یکی از کارگران لوبلین، بنام واسک گفت که "رهبران همبستگی" هیچگونه اعتنایی به کارگران ندارند.

لخوالسا برای دو سال دیگر به سمت رئیس "همبستگی" انتخاب شد.

یکی از هفته نامه‌های لهستان نوشته است: "وقت آن فرا رسیده است که دولت از نیروهای مسلح برای مقابله با ضد انقلاب استفاده کند. این نشریه در تفسیری درباره گنفرانس گدانسک می‌افزاید:

"رهبران "همبستگی" مشی گفتگو و توافق را رها کرده‌اند. زمان توهامات پایان رسیده است. باید مبارزه سیاسی را، که بر ما تحمیل شده است، بپذیریم و حقیقت را به همه نیروهای سیاسی و اجتماعی کشور بگوئیم. لازمست که به اعتصابات

در ورشو گروهی از فعالان سمینار مارکسیسم لنینیسم، که "حزب متحد کارگری لهستان" آنرا اداره می‌کند، اتحادیه "همبستگی" را "گروهی سیاسی" خوانده‌اند، که آشکارا به مخالفت با نظام سیاسی لهستان تودهای برخاسته است.

این سمینار در قطعنامه‌ای، که به کمیته مرکزی حزب فرستاد، یاد آور شده است:

"همبستگی" برای تغییر نظام سوسیالیستی مبارزه می‌کند. ماشین تبلیغاتی همبستگی "علیه اتحاد شوروی و پیمان‌های بین‌المللی لهستان بکار افتاده است."

از سوی دیگر، سخنرانان "گنفرانس گدانسک" خواستار برقراری سرمایه داری در لهستان شدند. گروه "ضد انقلابی" ک. و. س. ک. و. ر. مشوق چنین خواستهایی بوده است. چندین سخنران نیز خاطر نشان ساختند، که رهبران "همبستگی"

### ریگان با اعلام برنامه جدید استراتژیک خود خشم جهانیان را برانگیخت

خبرگزاری "تاس" برنامه جدید انباشت و مدرنیزه کردن نیروهای هسته ای استراتژیک آمریکا را، که از سوی ریگان اعلام شد، "تلاش آشکار برای دستیابی به برتری نظامی به اتحاد شوروی خواند."

بعقیده "تاس":

"این گامی است در جهت نقض اصل برابری و امنیت برابر و تعادل استراتژیک موجود، که چهار دولت پیشین ایالات متحده آن را پذیرفته بودند."

برنامه جدید وسیع آمریکا در زمینه تسلیحات هسته‌ای تولید بمب افکن‌های استراتژیک "بی-۱" و "موشک های میان قاره‌ای بالستیک ام. اس" را در برمی گیرد.

"تاس" می‌افزاید:

"این برنامه تردید جدی همگان را درباره خلوص نیت دولت آمریکا در زمینه مذاکرات جدی با اتحاد شوروی برمی انگیزد. ایالات متحده می‌خواهد این مذاکرات را از موضع قدرت آغاز کند و این چیز نیست، که چنین گفتگو-هایی را بکلی بیهوده می‌سازد."

خبرگزاری "تاس" یادآور می‌گردد:

"اتحاد شوروی قصدی جز تأمین امنیت خود و متحدانش ندارد، اما در برابر پیدایش انواع جدید و نیرومندتر سلاح در ایالات متحده بسی تفاوت نخواهد ماند. در چنین حالتی، نیرو-های مسلح شوروی مجبور خواهند شد برای برقراری تعادل به سلاح‌های متقابل دست یازند."

روشن چاندرا، رئیس "شورا"، گفته است، که "میلیونها نفر در همه قاره‌ها از این فرصت استفاده خواهند جست و اعتراض قاطعانه خود را علیه نقشه‌های ایالات متحده درباره استقرار موشک‌های هسته‌ای میان برد جدید در اروپای غربی و تصمیم پزیدنت ریگان درباره تولید کلاهک‌های هسته‌ای به گوش جهانیان خواهند رساند."

دکتر چاندرا بویژه اهمیت خلع سلاح را در اروپا خاطر نشان ساخت، که نقشه‌های واشینگتن "از همه بیشتر آنرا تهدید می‌کند. شخصیت‌های برجسته ایالات

متحده انتقاد خود را از سیاست‌های نظامی گرانده دولت ریگان، به ویژه برنامه جدید استراتژی هسته‌ای آن، ابراز می‌دارند.

ادوارد لمب، یکی از صاحبان صنایع در آمریکا، سیاست "واشینگتن" را "ماجرای جوانه خواند. او گفت که "این سیاست مینوآند بشریت را به ورطه فاجعه‌ای هسته‌ای بکشاند. تصمیم تولید بمب نوترونی بویژه گستاخانه است."

توماس هولستد، مدیر انجمن معروف پزشکان برای مسئولیت اجتماعی، نیز خطرات فزاینده جنگ هسته‌ای را خاطر نشان ساخت و برنامه‌های جدید "پنتاگون" را مسئول آن خواند. دکتر هولستد دگرترین جنگ هسته‌ای محدود "را رد کرد. پزشک نامدار آمریکایی این ادعا را، که بشریت میتواند در صورت مشاخره ای هسته‌ای هم بزندگی خود ادامه بدهد و در چنین حالتی نیز پیروزی ممکن است، "مسخره" نامید.

مایکل فوت، رهبر "حزب کارگر" بریتانیا، نگرانی خود را از اینکه ممکنست ایالات متحده از مذاکره با اتحاد شوروی درباره تحدید تسلیحات سرباز زند، ابراز داشت. او گفت، که در چنین حالتی همه کشورهای اروپای غربی "واشینگتن" را محکوم خواهند کرد. مایکل فوت قول داد که "حزب کارگر" در صورت احراز قدرت یکسویه به خلع سلاح هسته‌ای دست خواهد زد.

### شورای جهانی صلح

### فراخوان برگزاری هفته خلع سلاح



در سال ۱۹۷۸، اجلاسیه فوق العاده سازمان ملل متحد درباره خلع سلاح از دولت‌ها و سازمانهای دولتی و غیردولتی دعوت کرد تا هر ساله در هفته ۲۴ تا ۳۱ اکتبر (۲-۹ آبان) مراسمی به منظور پیشبرد امر خلع سلاح ترتیب دهند.

در سندی که در این اجلاسیه فوق العاده مجمع عمومی به تصویب رسید بویژه اعلام شده است: "مسأله تسلیحاتی اگر متوقف نگردد، تهدید فزاینده‌ای برای صلح و امنیت بین‌المللی و حتی برای موجودیت نوع بشر خواهد بود. انباشت سلاح‌های سنتی و هسته‌ای می‌تواند که کوشش‌هایی را که در راستای رشد و پیشرفت صورت می‌گیرد بر مخرج دراستقرار نظام جدید اقتصادی بین-المللی مانع پدید آورد و از حل دیگر مسائل حیاتی که در برابر بشریت قرار دارد جلوگیری کند."

جهان به لبه پرتگاه بلیه هسته‌ای سوق داده می‌شود. افزودن شدن خطر، نه تنها به سبب انباشت فزاینده تسلیحات، بلکه همچنین بر اثر خصمت کیفی سلاح-های تازه گسترار جمعی است که به سرعت به جایی می‌رسد که دیگر امکان بازگشت نیست. اینک بیش از هر زمان بسیج بی سابقه نیروهای هوادار صلح فوریت دارد. توده‌های ملت‌ها باید ندای خود را به گوشها برسانند.

هفته جهانی خلع سلاح باید امسال با اهمیت خاصی برگزار شود، زیرا به فاصله چند هفته تا گنایش اجلاسیه فوق العاده سازمان ملل متحد و در آستانه سرگرفته شدن کارکنفرانس مادرید در بازه همکاری و امنیت اروپا می‌باشد. فعالیت توده‌ها در طی این هفته به بهترین وجهی به موفقیت این کار زار مهم کمک خواهد رساند.

در اروپای باختری ابتکارات بزرگی در این زمینه پیش بینی شده است: از آن جمله تعرض پرتوان پائیزه در ماه

اکتبر در جمهوری فدرال آلمان، ایتالیا، اسپانیا، بلژیک، هلند، کشورهای اسکانندیناوی و فرانسه به منظور مطالبه موقوف داشتن آرایش موشک‌های تازه هسته‌ای استراتژیکی و بمب‌های نوترونی و آغاز فوری ویی هیچ شرط قبلی مذاکرات. در طی این هفته، اراده و آرزوی ملت‌ها باید به قوت در بیان آید، تا انباشت سلاح‌های هسته‌ای موقوف گردد و مذاکرات جدی برای کاهش شماره و برد این سلاحها در همه جا بیدرتک آغاز شود. این خواست افکار عمومی به اشکال گوناگون بیان تواند شد، مثلا راه پیمایی‌ها، اجتماعات، نامه‌ها، تظاهرات فرهنگی و علمی، نمایشگاه‌ها، بوسترها، نقاشی‌های کودکان و غیره، و این فعالیت‌ها می‌باید به صورتی هر چه مناسب‌تر با موقعیت‌ها و شرایط مشخص باشد.

به همین منظور، شورای جهانی صلح از همه نیروهای هواخواه صلح دعوت می‌کند تا هفته ۲۴ تا ۳۱ اکتبر را همچون یکی از لحظات بزرگ مبارزه ملت‌ها برای صلح و خلع سلاح و بر ضد خطر جنگ هسته‌ای جلوه‌گر سازند.

حافظ اسد:

### در مبارزه برای صلح و پیشرفت اجتماعی

### اتحاد نیروهای سوسیالیستی و جنبش آزادی بخش ضرور است

به مناسبت نخستین سالگرد امضای "قرارداد دوستی و همکاری" میان اتحاد شوروی و سوریه پیام‌هایی میان رهبران دو کشور مبادله شد. لئونید برژنف در پیام خود نوشت که "قرارداد دوستی و همکاری به عامل تحکیم نیروهای میهن دوست عرب بدل گردیده است، که خواهان صلح عادلانه در خاورمیانه و مخالف با سیاست بندوبست‌های جداگانه‌اند."

حافظ اسد در پیام خود "ضرورت اتحاد نیروهای سوسیالیستی و جنبش‌های آزادی بخش ملی را در مبارزه برای صلح و پیشرفت اجتماعی" یاد آور گردید.

### دراوج اختناق در مصر، سادات ترور شد

انور سادات، رئیس جمهور مصر، در جریان بکرژه نظامی در حومه قاهره به قتل رسید. گروهی از سربازان به هنگام گذشتن از کنار تریبون به سوی او شلیک کردند. "سازمان مستقل برای آزادی مصر" مسئولیت ترور سادات را به عهده گرفت.

پس از ترور سادات نیروهای مسلح به حفاظت از ساختمان رادیو تلویزیون و دیگر مراکز مهم پرداختند. در سراسر مصر برای مدت یکسال شرایط فوق العاده اعلام شد.

انگیزه ترور سادات را باید در مشی ضد دمکراتیک او در داخل و سیاست خیانتکارانه او تسلیم طلبانه‌اش در خارج جستجو کرد.

چنانکه در آستانه ترور سادات، مجله "مصر" فاش ساخت، در دوران اخیر ۷ هزار تن از مخالفان رژیم کنونی مصر بازداشت شده‌اند.

در پهنه سیاست خارجی، رژیم سادات به قرارداد "صلح" با اسرائیل و همکاری فزاینده با ایالات متحده آمریکا تن داد.

سعدالدین الشاذلی، دبیرکل "جبهه میهن پرستان مصر" و فرمانده کل قوای پیشین آن کشور، حسنی مبارک را فراخواند تا سیاست ضد عربی سادات را رها کند.

وی در بیانیه‌ای، که در روزنامه "السیفر" (لبنان) چاپ شد، خواهان عفو عمومی برای همزندانان سیاسی و لغو مقررات شرایط اضطراری و قوانین سرکوب-گرانه ترور سادات گردید.

**اتحاد مردم**

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: محمود اعتمادزاده - (م. ا. ه. آذین)

آدرس: تهران، منطقه ۱۳ پستی

صندوق شماره ۱۱۱۷/۳۱۴

ارگان اتحاد دمکراتیک مردم ایران